

فرهنگی-اجتماعی-خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

شماره	۳۳
سال نهم	
تیر ۱۳۸۶ شمسی	
تیموز ۵۷۶۷ عبری	
جولای ۲۰۰۷ میلادی	

از آمدن چون عیون...
نسل آینده جوامع یهودی و ضرورت نقد از درون
یهودیان بحرین
بررسی تطبیقی باب سوم سفر پیدایش (از تورات باقرآن کریم)
همیشه مشقت نمونه خروار نیست. (نقدی بر سر بالمدار صفدرجه)
عبری پیاموزیم

יְהוּדִיָּאן בַּחֲרִיט
בִּרְרֵסִי תַּطְבִּיטִי בָּאֵב סוּמָּ סִפְרֵי בִּידְאִישׁ
הַמִּישֶׁה מִשְׁתִּי נְמוּנֵה חֲרוּאֵרִיסֶטֶה (נִלְדִי
עִבְרִי בִּימּוּזִימ

שבועות

بازدید نمایندگان دیپلماتیک

خارجی از مراکز جامعه کلد



تهران - اسفند ماه ۸۵



بینه

אָפֿק
בִּינָה

فرهنگی - اجتماعی - خبری

ارگان انجمن کلیمیان تهران

سال نهم - شماره ۳۲

تیر ۱۳۸۶ شمسی

تموز ۵۷۶۷ عبری

جولای ۲۰۰۷ میلادی

صاحب امتیاز: انجمن کلیمیان تهران

مدیر مسئول: دکتر سیامک مره صدق

سر دبیر: فرهاد افرامیان

هیئت تحریریه: دکتر یونس حمامی لاله زار - رحمن دلرحیم - تینا ربیع زاده - شرکان انورزاده -

مریم خناسابزاده - آرش ساکت خو - سیما مقتدر - الهام مؤدب - مرجان ابراهیمی - فرهاد روحانی -

سامان نجاتی - لیتدا لوی شوقی - شهاب شهمی فر - سام بنیامین - بهادر میکائیل - رامین مسجدی

- رافائل صدیق پور - منوچهر طبری - ابراهیم سعیدیان - پرویز نی داود

مدیر داخلی: نسترن جاذب

امور اجرایی: نوید هارون شیلی

عکس: داوود گوهریان - لئون رفوا

پشتیبانی رایانه ای و اینترنت: مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران الهام آبائی

چاپ، لیتوگرافی و صحافی: پیش برد

نشانی نشریه: تهران - خیابان شیخ هادی - شماره ۳۸۵ - طبقه سوم

کد پستی ۱۱۳۹۷-۳۳۳۱۷ تلفن: ۶۷۰۲۵۵۶ - ۶۷۱۶۴۳۹ - نمابر:

نشانی الکترونیکی: bina iranjewish.com

پایگاه اینترنتی: www.iranjewish.com

* نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

* نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده بلامانع است.

بینا - بִּינָה - در عبری به معنای آگاهی و بصیرت است



شاوועوت (عید نزول تورات) یکی از اعیاد یهودیان است

طراح جلد و گرافیک: دفتر طراحی قوچی بیک

- باز آمدم چون عید نو / دکتر سیامک مره صدق ۴
- سخن سردبیر ۶
- جامعه کلیمیان ایران میزبان نمایندگان دیپلماتیک ۷
- نسل آینده جوامع یهودی و ضرورت نقد از درون / فرهاد افرامیان ۸
- اولین کوهنورد ایرانی یهودی بر قله کاتماندو / شرکان انورزاده ۱۲
- عضویت یک یهودی در پارلمان بحرین - یهودیان بحرین / لیورا سعید ۱۳
- بررسی تطبیقی باب سوم سفر پیدایش با قرآن کریم / دکتر عباس همای ۱۵
- سیر تحولات روحانیت در دین یهود / هوشنگ کرملی ۲۰
- ۱۷ تموز تا ۹ آو و ایام سوگواری یهودیان / رحمن دلرحیم ۲۲
- نگره فرهنگ مقاومت با حضور نمایندگان کلیمی ۲۳
- همیشه مشیت نمونه خروار نیست / فرهاد افرامیان ۲۴
- خبرنگاران آلمانی گزارش می دهند ۲۶
- سکان بورلی هیلز در دست شهردار ایرانی / کارولین رفیع (معنوی) ۲۸
- ارنستین لونیز رز یکی از پایه گذاران دفاع از کرامت انسانی / تینا ربیع زاده ۲۸
- نژاد پرستی استالینی / دکتر سیامک مره صدق ۲۹
- اخبار ۳۱
- عمر جهان / امید محبتی ۳۸
- چگونه اختلافات جزئی سبب دعوا و مشاجره می شوند / لیورا سعید ۴۱
- مشاوره روان شناسی / مریم حنا سبازاده ۴۳
- معرفی کتاب: باورها و آیین های یهودی ۴۵
- شعر: ۴۶
- عبری بیاموزیم / رحمن دلرحیم ۴۷
- خلاصه مطالب عبری ۵۰

سرمقاله



دکتر سیامک مره صدق

باز آمدم چون عیدنو

سی قرن است که ما ایرانیان کلیمی در این خطه مقدس زیسته‌ایم و فرهنگ، روحیات و خلقیات ایرانی یافته‌ایم. همواره درشادی‌ها و پیروزی‌های این ملک شادمانه به سرور نشسته‌ایم و در مصایب و بلایای آن گریسته‌ایم و در رفع این موارد کوشیده‌ایم.

در این سالیان دراز همواره برای اداره مسایل داخلی این جمع، گروهی پیشقدم شده‌اند در طول تاریخ این سنت از یشیوا و رش گالوتا شروع می‌شود تا به جبراً ادامه می‌یابد و امروزه نیز بخشی از این نقش به عهده انجمن کلیمیان گذاشته شده است. انجمن کلیمیان تهران به عنوان تشکیلات محوری کلیمیان ایران بیش از نیم قرن است که نقش هماهنگ‌کننده و مدیریت فعالیت‌های جامعه را پی می‌گیرد، در طول این مدت افراد زیادی نیز در این انجمن کوشیده‌اند که هر کدام نقش خود را در این میان در حد توان ایفا کرده‌اند، اما باید بدانیم که غالباً نه قهرمان بدون اشتباه و معصوم بوده‌اند و نه ابلیس و ضد انسان که هر کدام گوشه‌ای از بار را به عهده گرفته‌اند و با تمام توان به سوی هدف خود حرکت کرده‌اند، بدیهی است علاوه بر تلاش آنان شرایط کلی کشور عزیزمان نیز نقش مهمی در میزان موفقیت آنان داشته است.

اما همه ما می‌دانیم که مدت‌هاست عصر قهرمانان تنها که یک تنه بار همه مشکلات را به دوش می‌کشیده‌اند پایان یافته است از همان وقت که گالیه و سروانتس پایان دوران قهرمانان تنها را اعلام کردند، انسان‌ها فهمیدند که باید با هم حرکت کرده و هیچ وقت یک نفر به تنهایی و بدون یارانش نمی‌تواند موفقیت را فراچنگ آورد، اکنون که دوره جدید انجمن کلیمیان، به کارزار مشکلات جامعه گام می‌نهد می‌داند که برای پیشبرد اهداف جامعه بیش از هر چیز به حمایت، انتقاد و پیشنهادات مردم به ویژه جوانان نیاز دارد، همان‌سان که خود را بی‌نیاز از تجربیات گذشته نمی‌داند. همان‌گونه که انقطاع و عدم استفاده از تجربیات پیشینیان خطرناک است، عدم نوآوری و فقدان رویش تفکرات و اقدامات جدید نیز مخاطره‌آمیز است، ما فرزندان زمان خود، باید با چراغ تجارب گذشتگان پا در راه آینده بگذاریم.

البته لازم می‌دانیم که از فعالیت‌های انجمن در ادوار قبلی و ریاست آقای هارون یشایایی تشکر کنیم و بقاء و سلامت روزافزون و توان خدمت به جامعه را برای همه خدمتگزاران ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی آرزو می‌کنیم.



اسامی اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران :



۵



۴



۳



۲



۱



۱۰



۹



۸



۷



۶



۱۵



۱۴



۱۳



۱۲



۱۱

۱- دکتر سیامک مره‌صلق (رئیس هیئت مدیره) ۲- دکتر رحمت‌الله رفیع (نایب رئیس) ۳- اسکندر میکائیل (خزانه‌دار) ۴- فیض‌الله ساکت‌خو (عضو هیئت مدیره، مسئول کمیته املاک) ۵- فرهاد افرامیان (عضو هیئت مدیره، مسئول کمیته فرهنگی) ۶- فرنگیس حصیدیم (عضو هیئت مدیره، مسئول مهدهای کودک) ۷- آقاجان شادی (عضو هیئت مدیره) ۸- اسحق کهن‌صدق (مُهردار) ۹- فرید یاشار (کارپرداز، مسئول کمیته جوانان) ۱۰- رامین مسجدی (عضو هیئت مدیره، مسئول کتابخانه مرکزی کلیمیان) ۱۱- منوچهر طبری (عضو هیئت مدیره، مسئول کمیته کثروت) ۱۲- نجات‌الله کدخدا (عضو هیئت مدیره) ۱۳- منوچهر عمرانی (بازرس) ۱۴- موسی رفوا (بازرس) ۱۵- موسی ثانی (بازرس)



سخن‌پردیز

منت خدای را که توفیق خدمت به شما همکیشان فرهنگ‌دوست و حق‌طلب را اعطا کرد.

این مجله به مثابه‌ی یک محصول فرهنگی نه از آن‌ها بلکه به حقیقت و به تمام معنی از آن تمامی ایرانیان یهودی است.

این مجله ادامه‌دهنده راه مردمانی اهل علم و فرهنگ که به عنوان اولین گروه ناشر روزنامه در سده اخیر تاریخ ایران نامشان ثبت گردیده است.

مردمانی که هفته‌نامه‌های شالوم، عالم یهود، اسرائیل، سینا، بنی آدم، نیسان و تموز سخن از پویایی و همبستگی آنان در این مرز و بوم دارد.

مجله افق بینا با بیان اعتقادات دینی یهودیت در کنار فرهنگ ایرانی همواره به هویت ایرانی - یهودی خود تأکید می‌کند. حال که این وظیفه به ما سپرده شده است بر آنیم تا در این نشریه با معرفی اصول دینی و اعتقادی یهودیت و فرهنگ یهودی و آشنایی با تمدن و فرهنگ کهن میهن عزیزمان با در نظر گرفتن اصل پویایی و رشد، نشریه‌ای در شأن و اعتبار جامعه کلیمیان ایران منتشر نماییم.

حفاظت و پاسداشت از فرهنگ و هویت دینی یهود را همواره سرلوحه اهداف خود بدانیم و به سهم خود در اعتلای فرهنگ افتخارآفرین میهن مان بکوشیم.

در اینجا فرصت را مغتنم می‌شماریم و از زحمات هارون یشایایی مدیر مسئول پیشین و همچنین از کادر نشریه در این چند سال: الهام یعقوبیان، افشین تاجیان، فرانک عراقی، بهناز وفامنصوری، شیرین دخت دقیقیان، رامین مسجدی، آرش آبابی، مژگان کوچک‌زاده، لیورا سعید، نادر روزرخ، کیارش یشایایی، الهام یگانه، آرزو ثنائی مطلق، الهام مؤدب، شارونا نصیر، امیلیا صادقان، بهنام وفامنصوری، مژده صیونیت، سعید خلیلی، پرویز نی داود، نغمه عاقل، سلیمان حکاکیان، دکتر یونس حمامی لاله‌زار، نسترن جاذب، شموئل گیدانیان، فرید طوبیان، بیژن آصف، سارا حی، الیزابت عارونیان، سیما مقتدر، ماهیار کهن‌باش، طنناز ستاره‌شناس، مارینا ماهگرفته، مرجان ابراهیمی، فرید گراوری، مژده یمینیان، رابین همدانی کهن، روبرت شیرازیان، مریم حناسبازاده، رحمن دلرحیم، آلبرت شادپور، شرکان انورزاده، پریسا حی، نوید هارون شیلی، فرهاد روحانی، لئا دانیالی که زحمات بسیار زیادی را در چاپ و تدوین این نشریه متحمل شده‌اند. تشکر و قدردانی نماییم.

به دلیل تغییرات مدیریتی در ساختار انجمن کلیمیان تهران متأسفانه چاپ نشریه مدتی به تعویق افتاده بود که از همه شما همکیشان و هموطنان پوزش می‌طلبیم.

اطمینان شما ۷۰۰ مشتری که پیشاپیش وجه اشتراک مجله را به ما پرداخته‌اید شیرین و گوارا است. امیدواریم بتوانیم جوابگوی خواسته‌ها و سلیقه شما باشیم.

موفقیت و ادامه راه برای ما ممکن نیست مگر به حمایت همدلی و مشارکت تک تک شما خوانندگان و دوستان عزیز همکیش و هموطن که همواره این نشریه را همراهی کرده، می‌کنید و خواهید کرد.

از تمامی دوستانی که اخبار مراکز و سازمان‌های خود را ارسال کرده بودند اما به دلیل تعویق در چاپ نشریه این اخبار به ناچار با تأخیر همراه بوده، عذرخواهی می‌نماییم و از آن جایی که این اخبار در جهت اطلاع‌رسانی به جامعه کلیمیان است، مطالب حتی با کاربرد آرشیوی به چاپ رسیده است.

هیئت تحریریه بینا مأمور و مأوی است در جهت بیان افکار و عقاید، لذا از همه شما اهالی قلم و همکیشان فرهنگ‌دوست دعوت می‌کنیم تا با ارسال مقالات و مطالب خود به غنای هر چه بیشتر این نشریه بیافزایید. چاپ مطالب ارسالی شما باعث سرافرازی است. اما بیش‌ترین احساس رضایت ما زمانی است که شما قدر این نشریه را بدانید و با خواندن و خریدن آن ما را در این راه یاری رسانید. ■

فرهاد افرامیان



جامعه کلیمیان ایران

میزبان نمایندگان دیپلماتیک خارجی

در آنجا دکتر سیامک مره‌صدق، رئیس انجمن کلیمیان تهران تاریخچه و فعالیت‌های پزشکی انجام شده در این مرکز را شرح داد. وی اشاره کرد: با توجه به این که بیمارستان در جنوب شهر تهران واقع شده، بیشترین مراجعین آن از قشر محروم جامعه هستند و حدود ۹۰ درصد از این مراجعه‌کنندگان را



بازدید سفرا و اعضای دیپلماتیک کشورهای خارجی از اماکن و مراکز مذهبی، فرهنگی و اجتماعی کلیمیان تهران انجام شد.

این برنامه به پیشنهاد وزارت امور خارجه و به همت انجمن کلیمیان تهران به منظور آشنایی با امکانات، ظرفیت‌ها و شرایط زندگی یهودیان در ایران طراحی و اجرا شد.

هموطنان مسلمان تشکیل می‌دهند. وی سپس به فعالیت‌های این مرکز در زمان‌های بحرانی کشور پرداخت و نقش پزشکان و پرستاران این بیمارستان را در جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی بیان نمود. صحبت‌های رئیس بیمارستان (بسیار مورد توجه سفرا قرار گرفت و پس از بازدید از بیمارستان این موضوع را نتیجه تعامل بین ادیان در ایران و همبستگی جامعه کلیمیان با بدنه جامعه اکثریت داشتند).

مهمانان پس از صرف ناهار از ساختمان مرکزی انجمن کلیمیان تهران دیدن کردند، دکتر رحمت‌الله رفیع نایب رئیس انجمن درخصوص تاریخچه انجمن کلیمیان برای حضار سخنرانی کرد و به رسم یادبود مجموعه‌ای از کتب منتشره انجمن کلیمیان به آنها اهداء شد.

سپس گروه موسیقی انجمن کلیمیان در تالار اجتماعات مجبان با اجرای قطعات سنتی ایرانی و عبری توانستند تنها بخشی از فرهنگ و هنر مشترک ایران - یهود را به نمایش بگذارند.

سپس دیدار از کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان و ارائه گزارش توسط نماینده هیئت امنای کتابخانه انجام شد.

بعد از آن سفیران و افراد دیپلماتیک در مراسم دعا و نیایش شب شبای در کنسای یوسف‌آباد شرکت کرده و از نزدیک این مراسم مذهبی را دیدند.

برنامه با سخنرانی موریس معتمد و تشکر از مهمانان و اظهار لطف آنان در طول بازدید پایان یافت.

لازم به ذکر است در طول برنامه خبرنگاران رسانه‌های داخلی و خارجی گزارش مراسم و نقطه‌نظر مهمانان در زمینه مراکز بازدید شده را منعکس کردند. ■

سفرای کشورهای خارجی و تنی چند از مدیران و اعضای وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در ۱۸ اسفند ماه ۸۵ با حضور در تالار اجتماعات خراسانیها و خوش‌آمدگویی اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران، بازدید یک روزه را آغاز کردند. در ابتدا در محل تالار خراسانیها موریس معتمد نماینده جامعه کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی به میهمانان خوش آمد گفت و با بیان موقعیت و جایگاه کلیمیان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشور به سخنرانی پرداخت.

اولین مرکز، مجتمع آموزشی موسی‌بن عمران بود، در آنجا مسئول کمیته فرهنگی انجمن، فرهاد افرامیان درخصوص وضعیت آموزشی در مدارس اختصاصی کلیمیان، نحوه تدریس دروس دینی و زبان عبری به دانش‌آموزان توضیحاتی ارائه داد و پاسخگوی سوالات مهمانان بود.

واکنش مهمانان نسبت به شرایط تحصیلی و آموزشی کودکان و نوجوانان کلیمی در ایران که مرکزی جهت پرورش نسل جدیدی از یهودیان کشور است و سطح کیفی امکانات، برای هیأت کلیمی همراه جالب و لذت‌بخش بود.

مکان بعدی جهت بازدید "سرای سالمندان یهودی" بود. گاد نعیم مسئول سرا از تاریخچه و وضعیت و امکانات سالمندان در مرکز گزارشی به سفرا ارائه داد. سپس مهمانان در قسمت دیگری از محوطه سرای سالمندان از فضای مصایزی دیدن کردند و توضیحات تکمیلی در مورد چگونگی پخت و پز و پیشینه و موارد استفاده مصا در اختیار آنها قرار گرفت.

مهمانان پس از گرفتن عکس یادگاری در فضای باغ سرای سالمندان، آنجا را به مقصد بیمارستان دکتر سپیر ترک کردند.

در ارزیابی
نهایی و اظهار
نظرهای سفرای
شورهای شرکت‌کننده
آمده بود که
با توجه به شرایط
فرهنگی
و اجتماعی
کلیمیان ایران
به عنوان اقلیت
از بدنه اصلی
جامعه
جدا نبوده
و با امکانات
مناسب
در کنار
مشکلاتشان
شرایط مناسبی
جهت زندگی
دارا هستند.

نسل آینده جوامع یهودی و ضرورت نقد از درون

فرهاد افرامیان

غریزه بقا، صیانت نفس و حفظ حیات یکی از ابتدایی‌ترین نیازها و بطنی‌ترین تمایلات در موجودات زنده و از جمله انسان است آن چنان که آدمی از ابتدای تاریخ، دفاع از خود را در زمره طبیعی‌ترین و جزء مشروع‌ترین حقوق بشری به حساب آورده و به رسمیت شناخته است.

از جمله پدیده‌هایی که برای کلیمیان جهان تناعی‌کننده مصایب تاریخی چون هولوکاست و یادآور ضرورت دفاع از خود است، دیاسپورا یا پراکندگی است که با تاریخ پر فراز و نشیب یهود درهم آمیخته و صرف‌نظر از جنبه‌های مثبت و منفی که از جانب موافقین و مخالفین، به آن نسبت داده می‌شود، از مبلغین فرقه تئوریا کارتا که آن را از یکسو مکافات گناهان عهد عتیق و مسبب قرن‌ها آوارگی یهود تا زمانی که مأمنی در زمین بیابد و از سوی دیگر عامل قوت گرفتن این قوم می‌انگارند گرفته، تا رهبران جبهه شاس که آن

دگرگونی‌های بنیادین و تحولات پرشتابی که در همه عرصه‌ها و حوزه‌های فن‌آوری، علم، اقتصاد، سیاست، اجتماع و فرهنگ در سطح جهان رخ داده است و می‌دهد و دگرگشت‌های همه جانبه در مناسبات انسانی، مطالعه و بازنگری در شیوه‌های مدیریت و ساز و کارهای رهبری جوامع یهودی را در ایران و جهان، ضروری و الزام‌آور می‌نماید.

به گمان نگارنده بزرگترین آفت این جوامع، فقدان کنش مندی و نبود ابتکار عمل ناشی از عدم نقد از درون در این جوامع است که به از دست رفتن فرصت‌های زیادی منجر شده و ضروری است تا رهبران جوامع یهودی وجهه همت خویش را مصروف اصلاح این وضعیت نمایند. این مقاله در پی آن است تا با مروری تبیینی و هر چند مختصر به ریشه‌های وضع موجود و نتایج حاصله از آن بپردازد.



به اعتقاد نگارنده اصولی ترین راه پرهیز از تکرار چنین سوءمدیریت هایی پرداختن به مقوله ضروری نقد از درون و اهتمام هر چه بیشتر به تربیت و پرورش رهبران و نمایندگانی هر چه کارآمدتر برای نسل آینده است. باشد تا رهبران نسل آینده و نسل آینده رهبران به شایستگی، تکامل بخش این راه طی شده چند هزار ساله باشند

را تحمیلی و عامل فقدان امنیت خاطر و موجب تضعیف بنی اسرائیل می‌پندارند) تأثیرات تردیدناپذیری را بر جوامع کلیمی برجای گذاشته که مهمترین آنها، همانا واکنش همگرایی و وحدت طلبی مبتنی بر شناسایی دشمن و برحذر داشتن همکیشان از آن بوده است و این گرایش در طول تاریخ آن چنان نهادینه گشته که غالب کلیمیان، بسیاری از مصائب خود را به دشمنی و پلیدی، بی‌رحمی و سایر رذائل اخلاقی او نسبت می‌دهند و هر گونه آفت و آسیب درونی خود را تحت الشعاع ترس از دشمن یا ندیده‌اند و نمی‌بینند و یا کم‌رنگ مشاهده می‌نمایند و به همین علت است که معمولاً نقاط قوت خودی، بیشتر از نقاط ضعف آن و تهدیدهای دشمن، بیشتر از فرصت‌هایی که خودی از کف داده است به چشم می‌آیند و بر همین مبناست که در تاریخ یهود، در توصیفه شرح، توضیح و تبیین مصایب جنایات و فجایع، شقاوت دشمن، بیشتر به چشم می‌خورد تا ضعف رهبری، همانگونه که گفته شد این فقدان قدرت آسیب‌شناسی و نقد از درون، بزرگترین بحرانی است که جامعه کلیمیان را تهدید می‌کند.

هرگاه به سرمایه، وقت و انرژی که به علت سوء مدیریت در این جوامع از میان رفته و جان‌هایی که در این میان فرسوده و خون‌هایی که پایمال شده‌اند بنگریم، در الزام پرداختن به این مقوله ذره‌ای تردید روا نخواهیم داشت.

یکی از بنیانی‌ترین سستی‌های جوامع یهودی، ضعف مزمن آنان در شناختن و شناساندن مفهوم اقلیت است، به عنوان شاهد صادقی بر این مدعا می‌توان به مورد ایرانیان یهودی پرداخته سرزمین ایران در طول تاریخ سترگ خویش، مهد تمامی ادیان توحیدی جهان بوده آن چنان که علیرغم حضور تمدن‌های چند هزار ساله بشری و وجود آثار اجتماعات انسانی با قدمتی به مراتب بیشتر در سرتاسر آمریکای شمالی و جنوبی، اروپا، آفریقا، آسیا و اقیانوسیه، تنها فلات ایران به ویژه آن

بخش این گستره که خاورمیانه نام گرفته، یگانه کانون ظهور انبیاء الهی بوده است و تاریخ با وجود تمامی امکانات دیرینه‌شناسی و باستان‌شناسی و مانند آنها، هیچگونه اثری از طلوع آفتاب توحید در سایر نقاط عالم، سراغ ندارد.

در این میان قوم یهود به عنوان پیشگامان توحید در جهان و به قول دکتر حبیب لوی، "پیشوایان وحدانیت و اخلاق"، هزاران سال است که چون پاره جگر و بخشی جدایی‌ناپذیر از ملت بزرگ ایران در کنار سایر اقوام ایرانی در صلح، برادری و برابری به حیات پوینده و تکاملی خود ادامه داده است. اما پدید آمدن چنین تمدن منحصر به فردی از همزیستی چندین نژاد، ده‌ها دین و مذهب و صدها قوم و زبان، ریشه در نوعی خودآگاهی مبتنی بر درکی متعالی از مفهوم اقلیت دارد.

ساختار قدرتمند فرهنگ و تمدن ایرانی، بر مبنای ارتباط ارگانیک اجزاء و اعضاء خود که همان اقلیت‌ها هستند به وجود آمده است و اساساً هویت ایرانی چیزی جز حاصل هم‌افزایی گروه‌های اقلیت نیست و هیچ گروهی نمی‌تواند مفهوم ایرانی بودن را تحریف و مصادره به مطلوب کند.

به عنوان مثال اگر کسی درصدد برآید تا اقوام ایرانی کرد، ترک، بلوچ، ترکمن، لر و را جدا از هویت ایرانی آنها مورد شناسایی و مطالعه قرار دهد خدشه‌ای اساسی در معنای ایران و ایرانی ایجاد نموده است. همچنین است اگر هویت اقلیت‌های دینی ایرانی زرتشتی، کلیمی، ارمنی، آشوری و یا اقلیت مذهبی اهل تسنن به بهانه اقلیت بودن، به صورتی مستقل از ایرانی بودن آنان مورد بررسی قرار گیرد، آنگاه باید ایرانی بودن، فارغ از مصادیق متشکله آن تعریف گردد. به عبارت دیگر باید دقیقاً تعیین شود که ملاک یا ملاک‌های تشخیص ایرانی از غیر ایرانی چیست که در صورت وجود بیش از یک ملاک و فرض اولویت و ارجحیت میان آنها مقوله ایرانی اصیل، یا اصلی و ایرانی فرع یا فرعی و یا شهروند درجه ۱ و ۲ یا مانند آن که خود در نهایت ناقض غرض چنین

طبقه‌بندی‌ها می‌گردد، مطرح می‌شود.

به عنوان نمونه فرض می‌کنیم ادعا شود یک شهروند ایرانی کلیمی به علت در اقلیت بودن، یک شهروند درجه ۲ و یک شهروند ایرانی مسلمان شهروند درجه ۱ است. این داور در مراحل نخست ممکن است به مذاق آنان که خود را عضو اکثریت می‌دانند خوش آید اما در پاسخ به این پرسش که اگر مسلمان بودن می‌تواند هویت ایرانی بودن را تکمیل کند، آیا یک مسلمان اهل تسنن که در ایران اقلیت مذهبی به حساب می‌آید یک ایرانی کامل است یا خیر؟ چنانچه پاسخ این پرسش مثبت است، پس اقلیت مذهبی بودن یک کلیمی نیز نمی‌تواند از ایرانی بودن وی بکاهد و در صورتی که پاسخ منفی است یعنی یک اقلیت مذهبی مسلمان نیز شهروندی درجه ۲ به شمار آید در نتیجه ملاکی را برای تکمیل هویت ایرانی برگزیده‌ایم که "ایرانی" را در جهان اسلام به یک اقلیت تبدیل می‌نماید زیرا شیعیان در میان مسلمانان عالم، اقلیت عددی محسوب می‌گردند) بنابراین دچار تناقض شده‌ایم یعنی همان دستگاه فکری و نظام استدلالی که یک اقلیت غیرمسلمان را غیر ایرانی یا نیمه ایرانی می‌داند. در نهایت مفهوم ایرانی را از ارزش پیش فرض خود تهی می‌سازد یعنی "ایرانی" را به جرم در اقلیت بودن در جهان اسلام، غیر مسلمان یا نیمه مسلمان تلقی خواهد نمود و بسیار بدیهی است که درک چنین اصلی، یکی از ضرورت‌های اولیه در پرورش رهبران نسل آینده و نسل آینده رهبران جامعه کلیمیان محسوب می‌شود. مع‌الاسف تا امروز اظهارات و رفتار غالب سران اقلیت به شکلی انفعالی، در اصرار و تأکید بر به رسمیت شناختن حقوق اقلیت توسط حاکمان سیاسی و اثبات اشکال مختلف همراهی و همسویی این جامعه با سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی به منظور حفظ موقعیت کلیمیان و دریافت امتیازاتی از نظام خلاصه شده است. در حالی که این رهبران

می‌توانستند با مطرح ساختن و اثبات این وضعیت بنیادین و روشن ساختن فلسفه آن، به تثبیت وضعیت کلیمیان ایران به عنوان شهروندان طراز اول و همشان با سایر هموطنان با کسب تمامی حقوق مدنی و شهروندی و از همه مهم‌تر ایجاد اعتبار اجتماعی مضاعف نائل آیند.

حال این که مدیران و راهبران جامعه کلیمیان ایران تا چه میزان در کسب موقعیتی برای همکیشان خود توفیق داشته‌اند را به قضاوت خوانندگان محترم می‌سپاریم.

نمونه‌ای دیگر از مسئولیت‌های سنگین سران و نمایندگان جوامع یهودی را می‌توان در برابر چرخه معیوب آنتی سمیتیزم - صهیونیسم جست که هرگونه ناپخردی در طرح، ارائه نظرات و نیز کنش‌ها و واکنش‌های مرتبط با این چرخه چه از جانب کلیمیان و چه از جانب سایر جوامع و گروه‌ها می‌تواند هزینه‌های جبران‌ناپذیری را به جامعه بشری تحمیل نماید.

هر چند صاحب این قلم پیش‌تر نیز در باب تحلیل این چرخه معیوب در مقاله‌ای با عنوان "درآمدی بر نقد و آسیب‌شناسی مفاهیم یهود - غیریهود"، هشدار داده بود اما این بار نیز مختصراً برای مخاطبان جدید خود به اشاراتی در مورد آن پرداخته می‌شود:

سهم چشم‌گیر و تاریخی یهودیان جهان در معماری بنای عظیم فرهنگ و تمدن بشری واقعیتی انکارناپذیر است اما نشانه‌های این حقیقت تردید ناپذیر، توسط دو جریان به ظاهر متضاد و متناقض اما در اصل مکمل، تحریف و مصادره به مطلوب می‌شود.

چرخه معیوب آنتی سمیتیزم و صهیونیسم را پدید می‌آورند این دو جریان که عبارتند از یهودستیزی و نیز برتری‌جویی و

نژادپرستی یهودی که در بر هم کنش که ظهور و جان گرفتن هر یک ضمن جمل، دستکاری و کتمان بسیاری از واقعیت‌های مرتبط با سرگذشت تاریخی قوم یهود و وضعیت و موقعیت کلیمان جهان، زمینه را برای ظهور دیگری فراهم می‌نماید آن چنان که شاید هیچ ستم، جفا و آسیبی در تاریخ بشریت قابل مقایسه با خدشه‌های ناشی از عملکرد این دو پدیده بر تصویر حقیقی آثار یهودیان نباشد.

ادامه حضور و تأثیر متناوب این دو گرایش در جامعه بشری نه تنها نتایج درخشان مشارکت کلیمیان جهان را در تمامی عرصه‌های علم، فلسفه، تکنولوژی، هنر، ادبیات، فرهنگ و اقتصاد تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، بلکه جامعه بشری را نیز از درک اصولی این دستاوردهای انسانی محروم می‌سازد. از سویی جریان یهودستیزی (که بخش عمده آنتی سمیتیزم را دربر می‌گیرد) با نادیده گرفتن یا کم‌رنگ ساختن خدمات کلیمیان به بشریت و یا انکار مغالمتی که در حق این قوم روا داشته شده و نیز با نسبت دادن عملکرد صهیونیسم به کل جامعه کلیمیان و همچنین تفسیر هر توفیق و درخششی در این جامعه با فرآیند جهان‌خواهی و سلطه‌طلبی یهود و متباً در ساختن مفهوم نفوذ در پی مشاهده هر نشانه توفیق در اذهان مخاطبان، زمینه را برای کین‌توزی عقده‌گشایی و هیستری صهیونیستی آماده می‌کند و از سوی دیگر جریان صهیونیسم با سواستفاده از احساسات پاک دینی و طرح اندیشه‌های

نژادپرستانه و برتری‌جویی‌های غیرانسانی، ضمن مصادره تمامی دستاوردهای برجسته کلیمیان و نتیجتاً نابودی آنها، با وارد آوردن خدشه بر اعتبار و حیثیت اجتماعات و جوامع موحد و انسان‌دوست کلیمی نه تنها تعلقات مذهبی کلیمیان بلکه اساساً تمام اعتقادات دینی را مورد تردید قرار می‌دهد آن چنان که بسیاری از نظریه‌پردازان قائل به ناکارآمدی دین و عدم سازگاری دین با زندگی مدرن و جهان توسعه یافته، عملکردهای معتقدین به صهیونیسم را به عنوان شاهد مطرح می‌نمایند، به ترتیبی که امروزه در موارد متعددی جلوه‌های عملی رفتارهای صهیونیستی به عنوان مصادیقی از ناسازگاری دین و آزادی، دین و عدالت و برابری، دین و هنر، دین و دموکراسی، دین و توسعه، دین و سیاست، دین و فرهنگ، دین و حقوق بشر، دین و انسان‌گرایی و حتی به شکلی اعجاب‌آور، "ناسازگاری رفتار دینی و تکامل معنوی" مطرح گردیده است.

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که این سیکل معیوب، به شکلی ناتوانسته دستگاه معنانشناسی خاصی را در ادبیات انسانی نهادینه می‌کند که سامانه‌ای دیجیتال (گسسته) را از تفسیر و تاویل فعالیت‌های یهودیان جهان ارائه می‌نماید. براساس چنین نظامی، هرگونه نقش و اثر برجسته‌ای از جانب یک شخص حقیقی یا حقوقی یهودی در سرتاسر جهان یا باید تاویلی یهودستیزانه، توطئه یا مقدمه‌ای برای توطئه تلقی شود و یا با تفسیری صهیونیستی، نشانه‌ای از برتری نژادی قوم یهود و لزوم کسب و یا غصب امتیازات و یا حقوقی خاص قلمداد گردد.

بر این اساس، رشد ذهنیت شکل‌گیری توطئه و عینیت تجاوز به حقوق یهودیان همراه با گسترش ذهنیت برتری یهودیان و عینیت تجاوز به حقوق غیریهودیان، منجر به افزایش انقطاب (Polarization) و کاهش احتمال طی مسیر سالمی می‌شود که در غیر این صورت می‌توانست دستاوردهای تحسین‌برانگیز اراده و استعداد کلیمیان جهان را به دور از هر گونه تعصب و پیش‌داوری، مورد ارزیابی و قضاوت جهانیان قرار دهد.

بدین ترتیب در صورت وجود چنین سیکل معیوبی هر گونه تلاش در ایفا نقش‌های کارآمد و ممتاز انسانی از جانب اعضاء جامعه جهانی کلیمیان محکوم به سوتعبیر و ناکارآمدی است و از طرفی مقابله با یکی از دو بازوی پیکره آنتی سمیتیزم - صهیونیسم به تنهایی، نه تنها منجر به حاصل مطلوب نمی‌گردد بلکه احتمالاً به تقویت بازوی دیگر خواهد انجامید.

هر گاه بخواهیم به تجزیه و تحلیل عناصر تشکیل‌دهنده چرخه معیوب و مخرب آنتی سمیتیزم - صهیونیسم بپردازیم، ضروری‌ترین عوامل برقراری و ادامه حیات این چرخه را به شرح زیر خواهیم یافت:

۱- جامعه‌پذیری انقطاب (Polarizing Socialization)

جامعه‌پذیری (Socialization) عبارت از شیوه آشنا شدن افراد با ارزش‌ها و ایستارهای (Attitudes) جامعه خویش است و جامعه‌پذیری انقطاب (Polarizing Socialization) بخشی از همین فرآیند است که طی آن ایستارهایی در فرد شکل می‌گیرد که سبب قطبی شدن یا افزایش

قطبیت میان یک گروه ترجیحاً (گروهی که فرد عضوی از آن است) و سایر گروه‌ها می‌شود. در مورد مفهوم یهود و غیریهود، این قطبیت در تفسیر ساختار، کارکرد و هویت یهود، نظام دیجیتال (گسسته) را جایگزین نظام آنالوگ (پیوسته) می‌کند. این پدیده در دو شکل زیر، الگوهای ذهنی - شخصیتی اندیشه‌ها و پندارها به گفتار، (گفتار به رفتار، رفتار به عادت و عادت به شخصیت تبدیل می‌شود) را در فرد ایجاد می‌کند:

۱- الف - مشتبه شدن جدایی و تفکیک همه جنبه یهودی از غیریهودی با تلاش برای حفظ هویت یهودی در بسیاری از موارد، جامعه‌پذیری انقطاب موجب اشتباه گرفتن جدایی و تفکیک در بسیاری از جنبه‌های زندگی و یا تسری و افزایش جنبه‌های تمایز بین یهودیان و غیریهودیان با تلاش برای حفظ هویت یهودی از جانب یهودیان می‌گردد. بدین ترتیب بسیاری از اعضاء جامعه کلیمیان با تصور آن که جدای هر چه بیشتر ساحات و ابعاد زندگی آنان با غیریهود منجر به حفظ هویت و اصالت و حتی به تعبیری "پاکی" آنها می‌گردد، هر چه بیشتر مقدمات انقطاب را فراهم می‌نمایند.

۱- ب- غلبه گرایش کشمکش بر رویکرد توافق اساساً در درک توصیفی (Descriptive) و تبیینی (Explanatory) از وضعیت هر اجتماع یا جامعه بشری دو گرایش و رویکرد می‌تواند حکم‌فرما باشد، ارزش‌ها و هنجارهای ناشی از گرایش کشمکش، بر چیرگی برخی از گروه‌های اجتماعی بر گروه‌های دیگر تأکید می‌ورزند و نظم اجتماعی را مبتنی بر دخل و تصرف و نظارت گروه‌های مسلط می‌انگارند و نیز دگرگونی‌های اجتماعی را دارای آهنگی سریع و ناسامان می‌دانند و معتقدند که این دگرگونی بیشتر زمانی رخ می‌دهد که گروه‌های زیردست، گروه‌های مسلط را برمی‌اندازند. در حالی که ایستارها و تلقبات حاصل از رویکرد توافق، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را برای جامعه بنیادی می‌انگارند و بر نظم اجتماعی مبتنی بر توافق‌های ضمنی تأکید می‌ورزند و نیز دگرگونی‌های اجتماعی را دارای آهنگی کند و سامان‌مند می‌دانند.

دومین ویژگی جوامع و اجتماعات گسسته،

ترجیح برداشت‌های کشمکش بر دریافت‌های توافقی است که نتیجه طبیعی آن تحقق وضعیتی در ادراک اجتماعی است که در آن یهودیان به حاکمیت یهود بر غیر یهود و غیریهود بر سلطه غیریهود بر یهود، گرایش پیدا می‌کنند که بدین ترتیب مقدمه دیگری برای ظهور و پدیداری اجزا چرخه آنتی‌سمیتیزم و صهیونیزم فراهم می‌گردد.

۲- عدول از عقلانیت متوازن در درون و بیرون جوامع یهودی

شکل‌گیری چرخه معیوب و مخرب آنتی‌سمیتیزم - صهیونیزم یکی از نتایج اجتناب‌ناپذیر خودداری و یا ممانعت از عملب عقلانی متوازن و همگن در جوامع تحت‌تأثیر این حلقه است. از آنجایی که برای تولید هر یک از تئوری‌های آنتی‌سمیتیزم و صهیونیزم، وجود تدابیری که فرآیندهای ذهنی با پیچیدگی‌های زایدالوصفی را به دور از ملاحظات انسانی تأمین نمایند، ضروری است و از سوی دیگر برای پذیرش و دل سپردن به آنها ساده‌لوحی خاصی را که امکان لحاظ بسیاری از نکات را فاقد باشد مورد نیاز است، می‌توان دو نوع شیطنیت و دو نوع بلاهت را در درون و بیرون جوامع یهودی مورد شناسایی قرار داد:

۲- الف- شیطنیت تولید نظریات آنتی‌سمیتیستی در بیرون از جوامع یهودی و شیطنیت تولید نظریات صهیونیستی در درون این جوامع.

۲- ب- بلاهت پذیرش نظریات آنتی‌سمیتیستی در بیرون از جوامع یهودی و بلاهت پذیرش نظریات صهیونیستی در درون این جوامع.

بدین ترتیب وجود دو حلقه مکمل دیگر که بخش‌های اساسی چرخه مورد نظر را در بیرون و درون جوامع یهودی تشکیل می‌دهند، مطرح می‌گردد: ترکیب شیطنیت عرضه اندیشه‌های آنتی‌سمیتیستی و بلاهت پذیرش آنها در بیرون از جوامع یهود و پیوند شیطنیت تولید پندارهای صهیونیستی و بلاهت دل‌سپاری به آنها در درون این جوامع.

در یک کلام، رهبران و نمایندگان کلیمیان جهان موظفند تا با شناختن و شناساندن لزوم مبارزه هم‌زمان با محورهای اصلی این چرخه و پرهیز از عدم توازن در این چالش، سهم خویش

را در مدیریت بحران‌ها و حفظ تمامی گنجینه‌های مادی و معنوی همکیشان و از همه مهم‌تر، اعتبار و شأن این قوم کهن، ادا نمایند.

حال اگر همکاری‌ها و مبادلات فرهنگی جامعه کلیمیان ایران و نظام سیاسی و به طور خاص دولت جمهوری اسلامی ایران و همچنین همکاری‌ها و حمایت‌های دولت جمهوری اسلامی ایران از جامعه کلیمیان ایران توسعه‌ای پایدار و همه‌جانبه داشته باشد دیگر ضعف دیدگاه‌ها سبب نمی‌شود، که فرهنگ و دین یهود به عنوان ابزار سیاسی مقابله با صهیونیزم تجلی پیدا کند و از طرف دیگر واکنش‌های انفعالی ایجاد شده در اثر آن شائبه اختلاف میان کلیمیان ایران و حاکمیت سیاسی را ایجاد نماید که به سهم خود باز هم آب دیگری به آسیاب چرخه معیوب آنتی‌سمیتیزم- صهیونیزم ریخته شود و این موضوع یادآور وضعیت مشابهی است که در گذشته، هر رفتار ضد بشری صهیونیست‌ها که توسط اعضاء جامعه کلیمیان ایران، مورد اعتراض واقع می‌شد و محکوم می‌گردید، از جانب بسیاری از محافل چرخه مزبور، تفسیر به رأی و در نهایت مصادره به مطلوب می‌گردید، آنچنان که این رفتار کلیمیان موحد، شاهد و نشانه‌ای از تحت فشار حاکمیت سیاسی قرار داشتن آنها قلمداد می‌شد.

بدین ترتیب هر کنشی که می‌توانست نماد و اثبات‌کننده همسویی کلیمیان ایران با تمامی آزادگان جهان باشد، تلویحاً تبدیل به عاملی برای بدگمانی و تردید (اگر نگوئیم افزایش سوتن) نسبت به ایرانیان کلیمی می‌گردید که می‌توان آن را از نتایج سیاست‌های کج‌دار و مریز یا یک بام و دو هوایی دانست که ماهیتی اسکیزوفرنیک و روان‌پریش را در رویکردهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جوامع کلیمی ایجاد می‌نمایند.

به اعتقاد نگارنده اصولی‌ترین راه پرهیز از تکرار چنین سوءمدیریت‌هایی پرداختن به مقوله ضروری نقد از درون و اهتمام هر چه بیشتر به تربیت و پرورش رهبران و نمایندگانی هر چه کارآمدتر برای نسل آینده است. باشد تا رهبران نسل آینده و نسل آینده رهبران به شایستگی، تکامل‌بخش این راه طی شده چند هزار ساله باشند. به امید آن روز. ■

کاتماندو برق‌له اولین کوهنورد ایرانی یهودی



شرکان انورزاده

سلیم شالوم متولد ۱۳۳۵ در تهران است، وی کوهنوردی را از سال ۱۳۶۲ آغاز کرد، دوره کارآموزی و مربی‌گری کوهنوردی را در تمام رشته‌های مربوط به آن گذرانده است. شالوم در حال حاضر مربی کوهنوردی و عضو امداد نجات کوهستان است، همچنین مجموعه مقالاتی در زمینه کوهنوردی از وی در مجلات ورزشی و یک کتاب با عنوان "راهنمای کوه‌های ایران" به چاپ رسیده است.

به یهانه صعود ایشان به قله کاتماندو، مصاحبه‌ای با ایشان انجام شد که در ذیل می‌خوانید.

س - به عنوان اولین سؤال کاتماندو را به خوانندگان ما معرفی کنید.
پ - کاتماندو پایتخت کشور نیپال است، نیپال در شمال شرق هندوستان واقع شده، این قله ۷ هزار متری در منطقه هیمالیا قرار دارد.

س - سفر شما چند روزه بود؟

پ - این سفر از ۲۴ اسفند ۸۵ تا ۲ فروردین ۸۶ به طول کشید. من با حمایت انجمن کلیمیان تهران به همراه یک گروه کوهنوردی ۱۳ نفره از اصفهان برای فتح قله به نیپال رفتیم. البته این اولین سفر کوهنوردی من به خارج از کشورمان بود. باید بگویم سفر به کوه‌های هیمالیا آرزوی هر کوهنوردی است.

در این کوهپیمایی به بیس کمپ اورست، آپسلندیک و قله کالابار صعود کردیم و پس از ۱۱ روز دوباره به لوکلا "پای کوه" بازگشتیم. در مسیر بعضی از معابد، از جمله معبد "میمون" دیدن کردیم.

س - آیا کوهنوردانی از دیگر کشورها در این مسیر با شما همسفر بودند؟
پ - بله کوهنوردان کشورهای مختلفی را دیدیم و با ما در قسمت‌هایی از مسیر همسفر شدند، ولی چیزی که برای من جالب‌تر از بقیه بود.



دو نفر یهودی بودند که در این سفر با ما همسفر شدند، ما در طول سفر با هم در لوژها مهمان‌سرای کوهستانی (عبادت می‌کردیم. اما من اولین یهودی ایرانی بودم که موفق به این کوهپیمایی شده بود. قبل از رفتن از ایران، اطلاعاتی راجع به "پِت خَبد" به دست آوردم. خَبد مخفف بینا، خخما و دعت است فهم، عقل و دانش) این مرکز را در حدود ۱۲ سال پیش برای توریست‌های یهودی برپا کرده‌اند تا به ارائه سرویس به یهودیان مشغول باشد.

س - از دیدها و آموخته‌هایتان در این سفر بگویید.
پ - اهالی نپال بسیار فقیر و زحمتکش بوده و با حداقل امکانات زندگی می‌کنند. شغل اکثرشان باربری است. بدن‌های قوی و دست‌های بزرگی دارند. در لوژها برای گرم کردن آب از گاز و چوب و انرژی خورشیدی استفاده می‌شود و خبری از برق نیست.

همه اینها در کنار مناظر و طبیعت بکر کوهستان، برای من درسی از تاب و تحمل این مردم و گویای یک فرهنگ از زندگی متفاوت آنها بود. دیگر، قلل سر به فلک کشیده رشته کوه هیمالیا بود که وقتی به آنها می‌نگریستم حس غرور را در انسان بیدار می‌ساخت. در طول مسیر معابد زیادی ساخته شده بود که

در اعتقاد بودایی‌ها این معابد رهگذران و راه‌ها را محافظت می‌کنند.
س - در پایان اگر نکته‌ای را ضروری می‌دانید، بفرمایید.
پ - از هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران برای چنین فرصتی سپاسگزاری می‌کنم، چرا که این بهترین فرصت برای من بود تا بتوانم برای صعود به اورست آماده شوم. ■



پادشاه بحرین با استفاده از اختیاراتش در انتخاب ۴۰ کرسی از میان ۸۰ کرسی پارلمان این کشور یک بحرینی یهودی‌الاصل را به عنوان یکی از اعضای هیأت مشورتی جدید این کشور معرفی کرد.
یک مقام بحرینی که خواست نامش فاش نشود به خبرگزاری فرانسه گفت: هیأت مشورتی جدید بحرین قرار است بنا به دستور محمدبن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین هدی عذرا نونو را به عضویت هیأت مشورتی جدید بحرین درآورد.

وی از فعالان یکی از مجمع‌های حقوقی است و با پیوستن وی به این هیأت تعداد زنان در هیأت مشورتی آتی به ۱۰ تن می‌رسد. در حال حاضر هیأت مشورتی کنونی دربرگیرنده شش زن است که یکی از آنها مسیحی است.

عضویت یک یهودی در پارلمان بحرین



“من خود را یک عرب یهودی بحرینی می‌دانم و به آن افتخار می‌کنم.”

دیدارکنندگان از بحرین همیشه غافلگیر می‌شوند از این که می‌بینند یهودیان و عرب‌ها در اینجا با یکدیگر زندگی و کار می‌کنند اما برای بحرینی‌ها عجیب است که مردم این شرایط را، غیرطبیعی می‌بینند.

روبن دی روبن^۱ ۴۶ ساله، یهودی بحرینی می‌گوید: “من هیچ جا را به جز بحرین نمی‌شناسم. من اینجا به دنیا آمدم و دوستانم اینجا هستند. شب‌ها و روزهایم را با آنان گذرانده و کارم را نیز با آنها انجام می‌دهم. تفاوت مذهب مسئله‌ای نیست. وقتی دوستانم به خانه من می‌آیند در موقع نماز به اتاقی رفته و نماز می‌خوانند. آنها نمی‌گویند: اینجا خانه یک یهودی است و من در آن نماز نمی‌خوانم.” تازه این یک نمونه است. مردم این را موضوع بزرگی می‌بینند اما برای ما مسئله بزرگی نیست.

این جامعه یهودی در اوایل ۱۹۰۰ در بحرین ساکن شدند اکثر آنها از عراق، ایران و هند آمدند. بازرگانی که بحرین را مکانی ایده‌آل برای زندگی یافتند. روبن می‌گوید: “خانواده من در سال ۱۹۱۴ به طرف بحرین حرکت کردند. هنگام ترک عراق هیچ اتفاقی برایمان نیفتاد. پدربزرگم یک بازرگان بود و وقتی به این جا آمد تصمیم گرفت در اینجا زندگی کند.”

پیش از تشکیل کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸، ۶۰۰ یهودی در بحرین زندگی می‌کردند، اما پس از هر جنگی در خاورمیانه، یهودیان بحرینی این کشور را ترک نموده، اکثرشان به آمریکا یا انگلستان رفتند. امروز تنها ۳۰ یهودی در بحرین زندگی می‌کند اما تعداد آنان روبه افزایش است. روبن می‌گوید: “برادرم ۵ فرزند دارد و بسیاری دیگر که اینجا زندگی می‌کنند همه یک جفت بچه دارند. بنابراین ما در حال افزایش هستیم نه کاهش.”

مثیر ناتو^۲ ۵۸ ساله اظهار می‌کند: “هیچ کس

مغازه‌مان ایستاده بودم. برادرم خواست که کرکرها را بکشد پلیسی به او گفت این کار را نکن ما اینجا هستیم، هیچ نگرانی از این بابت نداشته باشید. تظاهرات خشونت‌آمیز نبود. آنان فقط بر ضد اسرائیل فریاد می‌زدند. دست به هیچ یک از مغازه‌ها یا خانه‌ها نزدند و من فکر نمی‌کنم حتی اگر پلیسی آنجا نبود کاری می‌کردند.”

روبن می‌گوید: “برای من اسرائیل یک ملیت است نه یک مذهب. مذهب یهودیت است اما آنها این دو را با هم می‌آمیزند. اسرائیل یهودیت نیست.”

همه بحرینی‌ها حقوق برابر دارند و دولت از ما

تاکنون هیچ حرف نامطلوبی به من نزده و من اینجا احساس راحتی می‌کنم. اینجا خانه ماست. واقعاً احساس می‌کنیم بحرینی هستیم. ما خدماتی را برای مردم کشورمان فراهم می‌کنیم.”

روبن ادامه می‌دهد: “و در سال ۱۹۴۸ این خارجی‌ها بودند که کنیسا را مورد حمله قرار دادند و فکر می‌کنم یک خانه آتش گرفته اما کسی آسیب ندید. برخی تصمیم به رفتن گرفتند اما نه به این خاطر که شخصاً اتفاقی برایشان به وجود آمد. من سال ۱۹۶۷ را خیلی خوب به یاد دارم. تظاهراتی در خیابان‌ها برپا بود. ۱۰ یا ۱۲ ساله بودم و در



غربی چیزی درک نمی‌کنند. ما در اینجا مشکلی بین یهودیان و عرب‌ها نداریم و مشکل اعراب و اسرائیل وجود دارد نه مشکل عرب و یهودی. ابراهام عقیده دارد تعمیم دادن این موضوع بدون تفکر دقیق خیلی راحت است. منیر ادامه می‌دهد: "وقتی من مردم امینوارم همین جا دفن شوم. گورستان ما یهودیان به خوبی نگه داشته شده و برای بیش از صد سال اینجا بوده است. درست پهلوی گورستان مسیحیان و قبرستان شیث قرار دارد. ما با هم زندگی می‌کنیم و در صلح به سر می‌بریم، راهی که باید این گونه باشد." ■

Rouben D. Rouben-۱
Meir Nono -۲

حمایت می‌کند. برادریم اینجا رئیس شرکت‌هایی است که در بحرین بورس هستند و برادر دیگرم که به تازگی درگذشته است رئیس هیئت مدیره شرکت سینمایی بحرین بود.

دولت بحرین به خوبی از ما مراقبت می‌نماید. وقتی امیر قبلی "شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه" سال گذشته درگذشته امیر فعلی "شیخ حاد بن عیسی آل خلیفه" جامعه یهودی را خواست و به ما گفت: "چیزی برای نگرانی وجود ندارد، دولت به همان سیاست قبلی ادامه می‌دهد. او به ما اطمینان داد که چیزی تغییر نخواهد کرد." هر کدام از ما به تنهایی به ملاقات او رفتیم.

ناتو اضافه می‌کند: "شیخ حامد به ما گفت هر بحرینی متولد شده در بحرین که به جای دیگری مهاجرت نموده، حق دارد که به بحرین برگردد و هر زمانی که می‌خواهد یک گذرنامه بحرینی بگیرد، و نظر به این که ما کنسای قدیمی را تجدید بنا نکردیم و حالا این کنسا در قسمت خوبی از شهر قرار نگرفته، ولیعهد همچنین به ما گفت که دولت زمینی تهیه می‌کند تا کنسای جدیدی بسازیم.

او می‌گوید: "یهودیان بحرینی مانند عرب‌ها مسائلی را احساس می‌کنند که بستگی به خبرهای نادرست در تبلیغات دارد. مردم فکر می‌کنند عجیب است که در بحرین یهودی زندگی می‌کند. من افتخار می‌کنم که در بحرین هستم. اهمیتی به این موضوع نمی‌دهم اما به نظر می‌رسد مردم از این که یهودیان اینجا زندگی می‌کنند غافلگیر می‌شوند. به محض این که جامعه محلی را شناختند عقیده متفاوتی پیدا می‌کنند. آنان به خاطر تبلیغات در مسایل میالغه به خرج می‌دهند. منیر ناتو اضافه می‌کند: "مردم فرض می‌کنند که افراد یهودی که با مسلمانان زندگی می‌کنند احساس راحتی نمی‌کنند اما آنان هیچ چیز را نمی‌دانند."

پسر برادر منیر، ابراهام ناتو ۳۱ ساله مدیر شرکت دارایی بحرین می‌گوید: "یهودیان

بررسی تطبیقی باب سوم سفر پیدایش (از تورات باقرآن کریم)

دکتر عباس همای

چکیده:

می‌پردازد و سعی در تقریب دیدگاه دو کتاب دارد و می‌کوشد تا با تأویل عبارات قابل تأویل و بدون تعصب، وجوه اشتراک را بیابد و از وجوه افتراق ظاهری بکاهد و اصل را بر عدم تحریف بگذارد، مگر مواردی که امکان جمع بین دو دیدگاه وجود ندارد.

بررسی تطبیقی داستان آدم (ع) پس از خلقت و داستان شجره ممنوع یعنی مباحث (باب سوم سفر پیدایش) موضوع این مقاله است. مقاله حاضر به مقایسه باب سوم سفر پیدایش و دیدگاه قرآن

واژه‌های کلیدی:

یهوه، آدم، حوا، مار، شیطان، ابلیس، اغواء.

مقدمه:

برای بررسی باب سوم از سفر پیدایش، ابتدا به نقل عبارت مورد نظر و سپس به نقد آن می‌پردازیم و تا حد امکان ریشه‌های مباحث مطرح شده را ذکر می‌کنیم. گناه آدم و حوا؟ "و مار از همه حیوانات صحرا که خداوند ساخته بود، هشیارتر بود" (پیدایش، سوم، ۱).

زمینه‌های ایجاد و پردازش برخی اسطوره‌ها و سیر تطور داستان‌ها را پیدا نمود. ر.ک: به همای، نگاهی تطبیقی به... (۷۶ و ۷۷) تعامل مستقیم اقوام بدوی و نیمه بدوی با مظاهر طبیعت، زمینه ایجاد داستان‌ها و یا کاستن و افزودن به وقایع تاریخی را فراهم می‌آورد. ر.ک: به: (ناس، ۴۸۵ تا ۴۹۰ و الیاده، ۱۰۲ و ۱۰۳).

عهد عتیق سندی را باید‌ها و نباید‌ها و نسخ باورهای قوم یهود است که برای بررسی آن باید ریشه‌های فرهنگی موجود در نژاد عبری زبان - به عنوان بخشی از نژاد سامی - را بررسی کرد و

بحث اغوای آدم و حوا در تورات به مار نسبت داده می‌شود و در قرآن به شیطان: فَأَزَلَهُمَا الشَّيْطَانُ (البقره، ۳۶)، فوسوس لهما الشَّيْطَانُ (الاعراف، ۲۰) و فوسوس اليه الشَّيْطَانُ (طه، ۱۲۰). این تفاوت را به چند شکل می‌توان در نظر گرفت.

- ۱- تغایر کامل میان قرآن و تورات در این زمینه.
 - ۲- به شکل مار بودن شیطان
 - ۳- جنبه نمادین داشتن مار
- این که چرا مار نماد شیطان باشد، خود وجوهی را می‌تواند دربر داشته باشد:
- الف) توتیم بودن مار در میان گروهی از بدویان^۲
- ب) ترس از مار
- ج) خوش خط و خال بودن بسیاری از مارها و هم‌رنگ محیط شدن و به اشکال مختلف درآمدن آنها.

"به زن گفت: آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟ زن به مار گفت: از میوه درختان باغ می‌خوریم، لکن از میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفت: از آن مخورید و آن را لمس نکنید، مبادا بمیرید، مار به زن گفت: هر آینه نخواهید مرد، بلکه خدا می‌داند، در روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود." (پیدایش، سوم، ۱ تا ۵)

در مقایسه این بخش با قرآن نکات زیر روشن می‌شود:

- ۱- در قرآن اشاره به نزدیک شدن است: وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ (البقره، ۳۵ و الاعراف، ۱۹)، ولی در تورات بحث نزدیک شدن نیست و درخت در وسط باغ توصیف می‌شود. این را می‌توان چنین توجیه کرد که آدم و حوا در وسط باغ ساکن بوده‌اند.

۲- استدلال خداوند بر عدم جواز خوردن از درخت، ظاهراً ناموجه است، یعنی خود می‌گوید: از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هر آینه خواهی مرد" (پیدایش، دوم، ۱۷) یعنی در ظاهر هیچ ارتباطی میان مردن و خوردن از درخت نیک و بد نیست. این مسأله را می‌توان بدین گونه توجیه کرد که مردن در اینجا جنبه نمادین دارد و اشاره به نوعی حیات جدید یعنی (حیات یا تکلیف) است^۳ و

تعبیر قرآن: "فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ" (البقره، ۳۵۴ و الاعراف، ۲۰)، شاید اشاره بدین معنی باشد که از مرحله بی‌تکلیفی و آسایش ناشی از بی‌تکلیفی به سختی تکلیف گذر خواهید کرد.

- ۳- در تورات از ابتدا بحث نهی از خوردن است و در قرآن بحث اولیه نهی از نزدیک شدن که با قرینه بعدی فاکلامنها: (طه، ۱۲۱) قابل جمع می‌شود.
- ۴- در قرآن نهی متوجه آدم و حوا بوده و لا تقربا، ولی در تورات نهی پیش از خلقت حوا است (پیدایش، دوم، ۱۷). این مغایرت را می‌توان با تأمل در آیه او عصی آدم ربه فغوی" (طه، ۱۲۱) حل کرد که عصیان را به آدم (ع) نسبت می‌دهد. یعنی تهی بالذات متوجه آدم (ع) است و بالعرض حوا نیز نهی می‌شود. ۵- هشیارتر بودن مار از همه حیوانات صحرا (پیدایش، سوم، ۱)، دانش‌افزا بودن درخت از دید حوا (پیدایش، سوم، ۶) و نتیجه‌ای که خوردن درخت در پی داشت فبذت لهما سواتهما" (طه، ۱۲۱)، "بذت لهما سواتهما" (الاعراف، ۲۰) و "آن گاه چشمان هر دو ایشان باز شد و فهمیدند که عریانند" (پیدایش، سوم، ۷)، همه موارد ذکر شده، احتمال نمادین بودن بحث درخت و اشاره آن به پذیرش تکلیف را تقویت می‌کند.^۴

"پس از میوه‌اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد" (همان، ۶). در قرآن وسوسه شیطان یا به هر دو (آدم و حوا) است "فوسوس لهما الشَّيْطَانُ" (الاعراف، ۲۰) و یا به آدم (ع) بوده: "فوسوس اليه الشَّيْطَانُ" (طه، ۱۲۰). در این جا می‌توان سه احتمال فرض کرد:

- الف) مغایر بودن قرآن با تورات
- ب) ایجازگویی قرآن و حذف بخشی از داستان
- ج) انصاف حوا به صفت شیطنیت در هنگام خوراندن میوه درخت به شوهر خود در تعبیر تورات) و به کارگیری همین صفت برای حوا در قرآن.

که احتمال دوم صحیح به نظر می‌رسد. "پس برگ‌های انجیر به هم دوخته، سترها برای خویشتن ساختند" (پیدایش، سوم، ۷). در قرآن سخنی از نوع برگ درخت، در میان نیست. نیز بحثی از به هم دوختن برگ‌ها مطرح

نمی‌شود و ظاهر آیه دلالت بر استفاده سریع از برگ درخت و بدون دوختن آنها به هم دارد: "وطفقا يخصفان عليهما من ورق الجنة" (الاعراف، ۲۲ و طه، ۱۲۱).

- "و آواز خداوند خدا را شنیدند که در هنگام وزیدن نسیم بهار در باغ می‌خرامید و آدم و زنش خویشتن را از حضور خداوند خدا در میان درختان باغ پنهان کردند. و خداوند خدا آدم را ندا در داد و گفت: کجا هستی؟" (پیدایش، سوم، ۸ و ۹).
- در قرآن سخنی از خرامیدن خدا در باغ و پنهان شدن آدم و حوا نیست و نگاه کلی قرآن با این گونه تعبیر سازگاری ندارد: "و ما يعزب عن ربك" (یونس، ۶۱) و "لا يعزب عنه" (سبا، ۳۱).
- البته عبارت سفر پیدایش را نیز می‌توان تأویل کرد که تأویل آن، چندان قابل پذیرش نیست. اما اصل ندا رساندن به گوش آدم و حوا در قرآن مورد صراحت است که: "وناديهما ربهما الم انهكما عن تلكما الشجرة و اقل لكما ان الشيطان لكما عدو مبين" (الاعراف، ۲۲). بدون آن که کیفیت ندا رسانی ذکر شده باشد.

گفت: چون آواز ترا شنیدم، ترسان گشتم، زیرا که عریانم. گفت: که ترا آگاهانید که عریانی؟ آیا از آن درختی که تو را قدغن کردم که از آن نخوری، خوردی؟" (پیدایش، سوم، ۱۰ و ۱۱).

در این عبارت، چند نکته وجود دارد:

- ۱- خداوند از محل اختفای آدم (ع) و نیز از عمل خوردن میوه درخت آگاه نیست. این مسأله را می‌توان چنین در نظر گرفت که استفهام حقیقی نبوده و از نوع تویخی است و گر نه باید خداوند را موجودی با علمی بسیار محدود در نظر گرفت.

۲- ترس آدم (ع) از تافرمانی خوردن (میوه درخت) نیست، بلکه به سبب عریانی است. از این مطلب می‌توان چنین نتیجه گرفت که از دید آدم(ع)، نهی خداوند ارشادی بوده است نه مولوی، نیز برمی‌آید که ظاهراً عریانی ظاهری نبوده و گر نه عریان بودن آدم (ع) مورد نهی نبوده که آدم (ع) از آن ناراحت باشد و حیوانات نیز که لباس نداشته‌اند تا سبب احساس کمبود یا گناه برای آدم (ع) باشند.

۳- آدم گفت: این زنی که قرین من ساختی، وی از میوه درخت به من داد که خوردم. پس خداوند

خدا به زن گفت: این چه کار است که کردی؟ زن گفت: مار مرا اغوا نمود که خوردم" (پیدایش، سوم، ۱۲ و ۱۳).

نکته بسیار قابل توجه این که دیدگاه تورات، نگاه سلب تکلیف و بی‌گناه دانستن خود بوده، در حالی که نگاه قرآن، پذیرش مسئولیت عمل و اعتذار است: "قَالَ رَيْنَا ظَلَمْنَا انْفُسَنَا وَ اِنْ لَمْ نَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ" (الاعراف، ۲۳).

توبه و بخشش یا کیفر؟
نگاه تورات با بیان قرآن در زمینه مسائل پس از خوردن میوه درخت متفاوت است:
۱- قرآن آدم (ع) و حوا را کاملاً متنبه می‌داند: "قَالَ رَيْنَا ظَلَمْنَا" در حالی که از تنبه آدم و حوا در سفر پیدایش خبری نیست.

۲- قرآن راه توبه را برای آدم (ع) باز می‌شمرد: "فَتَلَقَىٰ اٰدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ" (البقره، ۳۷) و او را برگزیده

خدا و دارای فرصت جدید می‌داند: "ثُمَّ اجْتَبَيْنَاهُ رَبَّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هَدٰى" (طه، ۱۲۲)، در حالی که از این مسأله در تورات سخنی نیست.

لعنت، هبوط و عداوت

"پس خداوند خدا به مار گفت: چون که این کار کردی، از جمیع بهایم و از همه حیوانات صحرا ملعون‌تر هستی. بر شکمت راه خواهی رفت و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد، و عداوت در میان تو و زن و در میان ذریت تو ذریت وی می‌گذارم. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبید" (پیدایش، سوم، ۱۴ و ۱۵).

بحث لعنت در قرآن نیز خطاب به ابلیس مطرح می‌شود: "وَ اِنَّ عَلٰىكَ اللَّعْنَةَ اِلٰى يَوْمِ الدِّينِ" (الحجر، ۳۵) و "اِنَّ عَلٰىكَ لَعْنَةً اِلٰى يَوْمِ الدِّينِ" (ص، ۷۸). با این تفاوت که در قرآن بحث لعنت ابلیس پیش از بحث از اغواء و مربوط به نافرمانی وی از سجده بر آدم است، ولی در تورات بحثی از سجده کردن یا نکردن در میان نیست و لعنت شدن مار، به سبب اغواء حوا است.

نکته قابل توجه این که اگر داستان خوردن از شجره را نمادین بدانیم، تناسبی میان بحث از لعنت مار و هشیارتر بودن آن حاصل می‌شود و گر نه

هشیار بودن مار و راهنمایی حوا توسط وی-در حالی که خداوند مار را از دادن آگاهی به حوا منع نکرده بود- مستوجب کیفر نیست.

بحث از دشمنی میان مار و زن و نیز ذریه مار با ذریه زن در قرآن بدین شکل مطرح نمی‌شود، بلکه به شکل اجمالی و در کنار بحث هبوط می‌آید: "قَالَ اَهْبِطْ مِنْهَا جَمِیْعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ" (طه، ۱۲۳). که هبوط آدم (ع) و حوا است و "وَقُلْنَا اَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ" (البقره، ۳۶) و "قُلْنَا اَهْبِطُوا مِنْهَا جَمِیْعًا" (البقره، ۳۸) که هبوط بیش از دو نفر را مطرح می‌کند و می‌تواند قابل جمع باشد که در آیه "قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا" (الاعراف، ۱۳) به ابلیس امر به هبوط می‌شود و در ادامه همین سوره، هبوط جمع مطرح گردیده است: "قَالَ اَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ" (الاعراف، ۲۴). صاحب المیزان نیز ظاهر سیاق را خطاب به آدم (ع)، همسر وی و ابلیس می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۲۱).

به هر حال عداوت شیطان با آدم و حوا (هر دو) و به عنوان دشمنی آشکار در قرآن مطرح می‌شود: "اِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ" (الاعراف، ۲۲) اما این سؤال باقی می‌ماند که چرا سفر پیدایش دشمنی را میان مار و حوا - نه آدم (ع) - می‌داند. در پاسخ می‌توان این احتمالات را مطرح نمود:

۱- اغوای آدم (ع) نیز به واسطه حوا دانسته شده است، لذا گناه آدم (ع) نیز برعهده حوا خواهد بود، پس دشمنی میان حوا و مار باید بیشتر باشد.
۲- برای تمام فرزندان انسان، مادر وجود دارد، ولی عیسی (ع) پدری ندارد. به همین دلیل در مکاشفات یوحنا نیز در بحث ضد مسیح، سخن از مادری است که مورد حمله ازدها واقع می‌شود (باب دوازدهم).

سؤال دیگر این که در قرآن اغوای ابلیس با بحث "وَقَالَ مَثَبِكُمَا رِبَكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ اِلَّا اَنْ تَكُونَا مَلَکِیْنِ اَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِیْنَ" مطرح می‌شود و جای سؤال دارد: آدم که مسجود ملائکه بوده است، چگونه با انگیزه ملک شدن به نافرمانی می‌پردازد؟

نیز سؤال است که اگر از ابتدا قرار نبوده که آدم (ع) زندگی خارج از بهشت را- حال این بهشت به هر مفهومی که باشد- تجربه کند، بحث از "یوم یبعثون" بی‌معنی است و حال آن که ابلیس از خدا مهلت می‌خواهد و خدا



نیز می‌پذیرد: "قال رب فأنظرني الي يوم يبعثون قال انك من المنظرين" (الاعراف، ۱۴ و ۱۵)
قال رب فأنظرني الي يوم يبعثون قال فانك من المنظرين الي يوم الوقت المعلوم" (الحجر، ۳۶ تا ۳۸ و ص ۷۹ تا ۸۱).

همچنین این پرسش مطرح است: چرا ابلیس که هم خالقیت خدا را قبول دارد: "خلقتني من نار و خلقتني من طين" (ص، ۷۶) و هم ربوبیت و معاد را - طبق آیات ذکر شده - پذیرفته است، این چنین طرد می‌شود؟ شاید سر آن را در تکبر باید یافت: "استكبرت أم كنت من العالين" (ص، ۷۵) و "قال فاهبط منها فما يكون لك أن تتكبر فيها" (الاعراف، ۱۳). شاید نیز باید به نوعی جبر روی آورد که:

كافر و مسلم همه در رحمتش

ریزه‌خوار خوان قدر نعمتش

اربعشت است و جهنم خلق او

در عدالتش رحمتی بر خلق او

(همامی، مس عشق، ۳۷)

یعنی شاید که باید جواب را در تعرف‌الاشیاء باضدادها دانست:

جام می و خون دل، هر یک به کسی دادند

در دائره قسمت، اوضاع چنین باشد

حافظ

"و به زن گفت: الم و حمل تو را بسیار افزون گردانم. یا الم فرزندان خواهی زاید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد" (پیدایش، سوم، ۱۶).

بحث الم و حمل را می‌توان با "حمله‌امه کرها" و وضعته کرها" (الاحقاف، ۱۵) تطبیق کرد. البته شاید در اصل تورات الم حمل یعنی به شکل (ترکیب اضافی) بوده که در نسخه‌برداری‌ها تغییر یافته باشد.

بحث حکمرانی شوهر بر زن را نیز باید با "الرجال قوامون علی النساء" (النساء، ۳۴) مقارنه کرد.

"و به آدم گفت: چون که سخن زوجهات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده، گفتم از آن نخوری، پس به سبب تو زمین ملعون شد و تمام ایام عمرت از آن بارنخ خواهی خورد. خار و خس نیز برایت خواهد رویانید و سبزه‌های صحرا را خواهی خورد، و به عرق پیشانی‌ات نان

خواهی خورد تا حینی که به خاک راجع گردی که از آن گرفته شدی. زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت" (پیدایش، سوم، ۱۷ تا ۱۹). در این بخش، نکات زیر قابل توجه است.

۱- لعنت زمین

۲- بحث رنج تمام عمر^۵ را می‌توان با "قَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ" (البلد، ۴)، انک کادح الی ربک کدحاً الانشقاق، ۶) از جهاتی و "و لکم فی الارض مستقر و متاع الی حین" (البقره، ۳۶ و الاعراف، ۲۴) از جهات دیگر مقارنه کرد.

۳- تعبیر "تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت" نیز با "منها خلقنا کن و فیها نعیدکم و منها تخرجکم تاره آخری" (طه، ۵۵) همسانی قابل توجهی دارد.^۶

"و آدم زن خود را حوا نام نهاد، زیرا که او مادر جمیع زندگان است" (پیدایش، سوم، ۲۰).

قرآن نیز بدون تصریح به نام آدم و حوا، پدر و مادر مردم را یکی می‌داند: "یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس احدہ و خلق منها زوجها و بث منهما رجالاً کثیراً و نساءً" (النساء، ۱)

در برخی از روایات نیز آمده که معنی حواء این است که از (حی زنده) یعنی آدم (ع) آفریده شده است. (طریحی، ۶۰۳۱).

"و خداوند خدا رخت‌ها برای آدم و زنش از پوست بساخت و ایشان را پوشانید" (پیدایش، سوم، ۲۱).

بحث لباس در قرآن نیز مطرح شده است: "یا بنی ادم قدانزلنا علیکم لباساً یواری ۹۴ سواتکم و ریشاً یا بنی ادم لا یفتنکم الشیطان کما أخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیریمهما سواتهما" (الاعراف، ۲۶ و ۲۷).

اما سؤال مهم این است که اگر تعبیر تورات و قرآن نمادین و مجازی نباشد، عبارت "ینزع عنهما لباسهما لیریمهما سواتهما" به چه معنی است؟ یعنی چه ارتباطی میان خوردن از شجره با برهنه شدن وجود دارد؟ چنانچه درخت را مطابق تعبیر تورات (پیدایش، دوم، ۱۷ و سوم، ۵ و ۲۲) درخت معرفت بدانیم و یا این که آن را تکلیف و عقل دینی محسوب کنیم و امانت الهی به حساب آوریم. رک به: (همامی، نگاهی تطبیقی، ۸۳)، مسأله به راحتی قابل توجه است و گرنه باید به دنبال توجیهی منطقی بود.

"و خداوند خدا گفت: همانا انسان مثل یکی از ما شده است، که عارف نیک و بد گردیده، اینک می‌داند دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته، بخورد و تا به ابد زنده ماند" (پیدایش، سوم، ۲۲). در قرآن بحث درخت حیات به شکل تورات مطرح نیست ولی در وسوسه شیطان، تعبیر درخت جاودانگی آمده است: "فوسوس الیه الشیطان قال یا آدم هل ادلک علی شجره الخلد و ملک لایلی" (طه، ۱۲۰).

در این زمینه، توجه به دو نکته لازم است:

۱- در قرآن، بحث از خوردن از درخت است نه میوه آن: "فَأَكَلَمْنَهَا" (طه، ۱۲۱)، برخلاف تورات که تعبیر میوه را مطرح می‌کند: "پس از میوه‌اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد" (پیدایش، سوم، ۶) و "ثمر درخت دانش نیک و بد میوه ممنوعه‌ای بود که به محض خوردن از آن آدم ابوالبشر دانش مهلک و مرگ‌آوری از برای خود افزوده، در گناه گم گشته، عذاب فوری از برای خود تأسیس نمود. (پید ۲۰۹ و ۱۷). قصد از درخت حیات از این دو مطلب بیرون نیست: یعنی یا قصد از ایقان و یا قصد از حیات‌بخشی است و مهر تقدیس و خوشنودی و سعادت ابدی در صورت معصیت نکردن آدم ابوالبشر. (مکا: ۲، ۲۲؛ هاکس، ۳۷۶ و ۳۷۷).

آنچه در این عبارت مشاهده می‌شود نوعی توجیه برای عبارت خداوند خداست اما از درخت معرفت نیک و بد زنده‌نخوردی، زیرا روزی که از آن خوردی، زیرا روزی که از آن خوردی، هر آینه خواهی مرد" (پیدایش، دوم، ۱۷) یعنی سعی شده تا رابطه‌ای منطقی میان خوردن از درخت معرفت با مردن برقرار شود.

۲- منظور از "ما" در تعبیر تورات انسان مثل یکی از ما شده است، مشخص نیست. آیا به نوعی شرک اشاره دارد؟ و یا این که منظور موجودات غیرمادی است.^۷

"پس خداوند خدا، او را از باغ عدن بیرون کرد تا کار زمینی را که از آن گرفته شده بود، بکند. پس آدم را بیرون کرد و به طرف شرقی باغ عدن، کروبیان را مسکن داد و شمشیر آتشباری را که به هر سو گردش می‌کرد تا طریق درخت حسادت را محافظت کند (پیدایش، سوم، ۲۳ و ۲۴).

این که تعبیر باغ عدن اضافی ملکی است یعنی

(باغ متعلق به عدن) و یا تعبیر توضیحی است باغ موسوم به عدن جای بحث دارد.

این اشاره به عدن است که چشم هیچ مخلوقی تاکنون بر آن نیفتاده است. شاید بگویید: اگر چنین است، پس آدم ابوالبشر کجا زندگی می‌کرد؟ او در باغی می‌زیست که آن باغ همان عدن است. از این جهت تورات می‌گوید: نه‌ری از عدن بیرون می‌آمد تا باغ را آبیاری کند (سفر پیدایش، ۱۰:۲). از این آیه چنین استنباط می‌گردد که باغ جایی دیگر است و عدن مکانی دیگر. (براخت، ۳۴ ب) (کهن، ۳۸۷). از عبارت تلمود برمی‌آید که باید اضافه را ملکی دانست و باغ را غیر از خود عدن دانست.

از سوی دیگر عبارت نقل شده در گنجینه‌ای از تلمود: «ای خداوند، به غیر از تو چشمی ندیده است» (آنچه را که خداوند) برای کسی که منتظر اوست، انجام خواهد داد. (اشیاء، ۴: ۶۴) (کهن، همانجا) با عبارت ترجمه کتاب مقدس ناسازگار است. در ترجمه کتاب مقدس آمده است: «زیرا که از ایام قدیم نشنیدند و استماع ننمودند و چشم خدایی را غیر از تو که برای منتظران خویش بپرازد، ندید» (اشیاء، شصت و چهارم، ۴).

اگر عبارت گنجینه‌ای از تلمود را بپذیریم، می‌توان آن را با آیه «فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قره اعین جزاء بماکانوا یعملون» (السجده، ۱۷) نزدیک دانست.^۸

نیز «عبارت شمشیر آتشباری را که به هر سو گردش می‌کرد تا طریق درخت حیات را محافظت کند» با آیات ۳۳ تا ۳۵ سوره الرحمن از جهاتی نزدیکی دارد: «یا لاتنقلون الا بسطان قیای الاءربکما تکذبان یرسل علیکم سواظ من نار و نحاس فلاتنتصرا».

پیشنهاد جهت مطالعه بیشتر

- ۱- بررسی مبحث مار قدیمی در مکاشفات یوحنا به خصوص باب دوازده.
- ۲- بررسی واژه‌هایی چون عزازیل (هاکس، ۶۰۹) و (سمائل کهن، ۷۵ تا ۷۹).
- ۳- مطالعه پیشینه نمادین مار در اقوام مختلف به خصوص نژاد سامی. به عنوان نمونه چرا عصای موسی به شکل مار یا اژدها در می‌آید نه چیز دیگر و چرا سحره از سحری چنین استفاده کرده‌اند؟

نتیجه

بسیاری از مباحث کتاب مقدس با قرآن سازگاری زیادی دارد و بخشی از مطالب ناسازگار نیز قابل تأویل است و بدین لحاظ در برخورد با عبارات ظاهراً تحریف شده کتاب مقدس، باید نخست به دنبال تأویل مناسبی بود تا حتی الامکان میان آن و قرآن جمع نمود. ■

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ترجمه کتاب مقدس، انتشارات ایلام، چاپ سوم ۲۲۰۰ م.
- ۳- آشتیانی، جلال‌الدین، تحقیقی در دین یهود، نشر نگارش، چاپ دوم ۱۳۶۸ ه.ش.
- ۴- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، انتشارات سمت، سوم ۱۳۷۹ ه.ش.
- ۵- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، انتشارات سمت، سوم ۱۳۷۹ ه.ش.
- ۶- حافظ شمس‌الدین محمد، دیوان، انتشارات عارفه، چاپ دوم ۱۳۷۸ ه.ش.

۷- طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ دوم افسست

۸- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین و مطلع النیرین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم ۱۳۷۸ ه.ش.

۹- کهن، ابراهام، گنجینه‌ای از تلمود، به ترجمه امیر فریدون گرگانی، انتشارات اساطیر، چاپ اول ۱۳۸۲ ه.ش.

۱۰- مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، مصحح: نیکلسون، انتشارات هرمس، چاپ اول ۱۳۸۲ ه.ش.

۱۱- ناس، جان باری، تاریخ جامع ادیان، مترجم: علی اصغر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم ۱۳۸۳ ه.ش.

۱۲- هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، انتشارات اساطیر، چاپ اول ۱۳۷۷ ه.ش.

۱۳- همای، عباس، مس عشق- دفتر نخست، انتشارات اسرار، چاپ اول ۱۳۷۸ ه.ش.

۱۴- هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، مترجم: عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم ۱۳۷۳ ه.ش.

مقالات

- ۱- همای، عباس، مقاله: تأویل تطبیقی واژه‌های کلمه و شجره، مجله علمی پژوهش دین، شماره ششم زمستان ۱۳۸۲ ه.ش.
- ۲- همو، مقاله: نگاهی تطبیقی به خدا و خلقت در سفر پیدایش، مجله علمی پژوهش دینی، شماره هشتم زمستان ۱۳۸۳ ه.ش.

۱ - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و نیمه وقت واحد تهران شمال و مدعو واحد علوم و تحقیقات

۲ - جهت اطلاع از مفهوم توتنم بنگرید به: ناس، ۲۶ و ۲۷.

۳ - مردم از حیوانی و آدم شدم

از چه ترسم کی زمردن کم شدم (مولوی)

۴ - پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت

ناخلف باشم اگر من به دو جوی نفروشم (حافظ)

جهت اطلاع بیشتر بنگرید به: همای، نگاهی تطبیقی به ۸۳ و ۸۴.

۵ - کز نیستان تا مرا ببریده‌اند

از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند (مولوی)

۶ - در تعدادی از روایات، بهشت آدم (ع) باغی از باغ‌های دنیا معرفی شده است. بنگرید به: طباطبایی، ۱۳۸۱ و ۱۳۹.

۷ - اصولاً در بسیاری از ادیان، تصور خدا به اشکال مختلف از جمله انسان وجود داشته است و بنی اسرائیل نیز به دلیل ارتباط با اقوام مشترک، دچار چنین شائبه‌ای شده‌اند که قرآن بدان تصریح می‌نماید: «قَاتُوا عَلٰی قَوْمِ یَمِکْفُونِ عَلٰی اَصْنَامِ لَهُمْ قَالُوا یَا مُوسٰی اجْعَلْ لَنَا اِلٰهًا کَمَا لِهٰمْ اِلٰهٌ» (الاعراف، ۱۳۸) و یا داستان گوساله‌پرستی که به تصریح قرآن به وسیله سامری راجع شد (طه، ۸۵، ۸۷ و ۹۵) ولی در (سفر خروج سی و دوم) به هارون نسبت داده می‌شود. جهت اطلاع بیشتر بنگرید به: (توفیقی، ۸).

سیر تحولات روحانیت در دین یهود

هوشنگ کرملی

در اجرای مراسم مذهبی و فرائض شرعی سهمی روزافزون یافتند و در حالی که کهنیم و لوی‌ها، نیروی خود را صرف اجرای مراسم قربانی و نظایر آن می‌نمودند، فریسی‌ها تعلیم تورات و آموزش قوانین دینی و اخلاقیات یهود به مردم را وظیفه اصلی خود می‌دانستند.

بدین ترتیب بین علمای "فریسی" و کاست مذهبی کهنیم گروه‌بندی به وجود آمد که اختلافات ناشی از آن به سنه‌ترین (مجمع عالی دینی و فقهی یهود) کشیده شد. تفسیر قوانین تورات به زبان ساده که با مسائل روزمره زندگی مردم سروکار داشت به گروه "پروشیم" این فرصت را می‌داد که رسوم مشروع و متداول و مورد نظر مردم را داخل مراسم دینی و شعائر مذهبی معبد مقدس نمایند. البته این بدان معنی نبود که "پروشیم" مخالف مراسم معمول در بت همیقداش بودند، بلکه آنها خواهان تقویت این مراسم بوسیله تفسیرات جدید و مردمی‌تر از اصول تورا بودند. به طور کلی می‌توان گفت "فریسی‌ها" به یک جریان تکاملی و غیرثابت در مورد تصمیمات شرعی معتقد بودند و تورات شفاهی یعنی احکام علمای دین یهود را هم طراز با توراتی کتبی می‌دانستند. این برخوردها به جدایی دائمی "فریسی‌ها" و "صادوقی‌ها" منجر شد و دو فرقه مذهبی جداگانه به وجود آمد و در نتیجه مسائل دینی با مسائل اجتماعی و اقتصادی درهم آمیخت و دامنه مخالفت‌ها در حیطه امور مذهبی فراتر رفت و به امور خارج از کنترل روحانیون کشید و این وضع تا بدانجا پیش رفت که در زمان یکی از فرمانروایان حشمونائیم به نام هیرقائوس، فریسی‌ها از عضویت در سنه‌ترین اخراج شدند و در همین زمان بود که به آنها لقب "پروشیم" یا اخراج‌شدگان داده شد و آنها این نامگذاری را برخورد پذیرفتند. ولی، تفسیری دیگر از واژه پاراش به معنی تفسیرکننده یعنی تفسیرکننده فرامین بر اصول تورا می‌باشد.

مقاومت و ایستادگی "پروشیم" در برابر "صادوقیان" و جنبه‌های مردمی و اخلاقی تعلیمات دینی، آنها را از حمایت عظیم مردمی برخوردار کرده بود. مراکز قدرت آنان اماکنی بود که آنها به تدریس و آموزش اشتغال داشتند و این امکان بعدها به وسیله روحانیون و مفسرین دینی مشهور مورد قبول مردم چون "هیلل"، "شمای"، "ربی ییشماعل" و ربی عقیوا رسمیت یافته حتی قبل از قیام حشمونائیم (قرن یکم قبل از میلاد) ریشه‌های فکری "پروشیم" بیشتر جوابگوی امیدها و آرزوهای مردم سرکوب شده در کلیه جوانب زندگی یهودیان بود.

اعتقاد به رستاخیز مردگان- تجلی روز قیامت- پاداش و جزای اعمال انسان در زندگی پس از مرگ، مزده ظهور ماشیح نشان‌دهنده آرزوها و امیدهای مردم بود.

به عقیده "فریسی‌ها" خانواده از کردار بندگان از قبل خبر دارد و مشیت خویش را جاری می‌سازد. ولی در عین حال بشر مختار و صاحب اراده است و به همین دلیل در برابر اعمال خود مسئول است و باید در پیشگاه خداوند جوابگو باشد.



در بخش‌های گذشته شکل‌گیری روحانیت یهود را از دوران "کهنیم" و "گوشیم" و ایجاد معبد مقدس (بت همیقداش) بیان کردیم. آغاز تحولات اساسی در روحانیت یهود چه از لحاظ فکری و چه از نظر ارتباط با مردم، در حد ممکن شرح داده‌ایم. "پروشیم" (فریسی‌ها)، که در واقع بخشی از نهضت "حسیدیم" یا اصول‌گرایان دینی بودند آغازگر تحول در بینش روحانیت یهود هستند و چون هسته مرکزی این تحول دینی هنوز هم حضور فعال دارد، می‌توان گفت تأثیرگذارترین تحله‌های روحانیت یهود در عصر حاضر می‌باشند. ضروری می‌دانیم در معرفی "پروشیم" (فریسی‌ها) بیشتر صحبت کنیم.

در قسمت‌های قبلی گفتیم "کهنیم" که مجری مراسم مذهبی در بت همیقداش بودند رفته رفته به یک طبقه اشرافی تبدیل شدند و اصولاً به عنوان حاکمان اجرایی عمل می‌کردند تا اجراکنندگان احکام دینی.

اولین کوشش "پروشیم" برای شناساندن خود کسب قدرت طی دو قرن آخر آبادی بت همیقداش دوم صورت گرفت. در این مرحله توجه به تجمع مردم در کنیساها در مقابل مراسم قربانگاه در معبد مقدس، هدف اصلی فریسی‌ها بود. اهمیت یافتن نقش کنیساها به عنوان مرکز عبادت و انجام فرائض دینی یهود و به منظور تحت‌الشعاع قرار دادن قدرت "صادوقی‌ها" شش‌تاع یعنی کهنیم و لوی‌ها بود و اجرای بخشی از مراسمی که در معبد مقدس انجام می‌گرفت (دعاها و مناجات‌ها) به کنیساها منتقل شد و افرادی غیر از کهنیم و لوی‌ها

خداوند به اراده خود، خوبی و بدی را در غریزه انسان خلق کرده و با راهنمایی پیامبران، انسان را به سوی نیکوکاری و تزکیه نفس راهنمایی کرده است و تورا را به عنوان چراغ راه به وسیله پیامبر گرامی خود حضرت موسی کلیم‌الله به بنی اسرائیل هدیه نموده تا راه خود را به سمت رستگاری ببیمایند قدرت تشخیص خوبی از بدی و این که انسان حق انتخاب داشته باشد، موهبت خداوندی است که انسان‌ها باید از آن بهره‌مند شوند.

براساس گفته فریسی‌ها و با اعتقاد به تاکید انبیاء یهود: "خداوند، روح مطلق دانایی و قادر متعال و منشاء کلیه خوبی‌ها و مهربانی‌ها و عدالت است". تعلیمات آنها بر این اساس است که خداوند کلیه مخلوقات خود را دوست دارد و رستگاری آنها را در اقدام به کار خیر می‌داند. آنها بر این اعتقاد هستند که جبریت خلقت و وحدانیت حق و مطلق بودن اراده خداوند، مانع از اختیار و اراده آزاد انسان، برای ستایش خداوند و اقدام به امور خیر و عادلانه نیست.

در مورد شناخت خداوند عقیده بر این بود که خداوند مافوق و برتر از همه موجودات است. درک و فهم او در مقیاس فکری انسان غیرممکن است و درک تمامیت ذات خداوند با هیچ نامی و شکلی قابل تعریف نیست و به کار بردن بعضی واژه‌ها در معرفی صفات و ذات خداوند تعریف خصایل خداوندی بنابر معرفت و شعور انسانی است. خالق جهان هستی، خدای لامکان، تجلی الهی، بعضی واژه‌هایی است که فریسی‌ها و حسیدیم در معرفی خداوند به کار برده‌اند.

یادآور می‌شویم عقاید "پروشمیم" در مورد کفر الهی و جبر و اختیار و اراده انسان با عقیده صدوقیم تفاوت اساسی و در بعضی موارد تناقض داشت. صدوقی‌ها، مشیت الهی را نوشته بر پیشانی انسان و عبادت و دعا را وسیله نزدیکی به خداوند و تسلیم شدن به سرنوشت و تغییر آن را غیرممکن می‌دانستند مگر به خواست و اراده خداوند. ولی به گفته "پروشمیم" گر چه خداوند از پیش قادر به تعیین راهی است که انسان‌ها انتخاب می‌کنند ولی او را در انتخاب راه و روش زندگی آزاد گذاشته است. در تلمود گفته شده "گرچه در نهایت همه چیز از قبل به وسیله خالق آن خداوند پیش‌بینی شده ولی آزادی انتخاب به آدمیان داده شده است (تلمود، رساله آووت فصل

۳ آیه ۱۶). اگر فردی راه خوب را انتخاب کند نیروهای معنوی به او کمک می‌کنند و اگر راه بد را انتخاب کند خود مسئول پیمودن آن بوده است. (تلمود، رساله شبات، برگ ۱۰۴)

به عقیده "فریسی‌ها" کفر الهی و یا پاداش و جزای اعمال در مورد انسان‌ها عملی خواهد شد و



همه چیز در دنیای مادی کنونی به پایان نمی‌رسد. بلکه کفر الهی و زندگی دیگر وجود دارد که انسان قادر به تجربه و درک آن در دنیای مادی نمی‌باشد. نظر "فریسی‌ها" در مورد فرامین تورات این طور خلاصه می‌شود که فرامین آن باید در هر دوران با تفاسیر راب‌ها و روحانیون متناسب با شرایط زمان و موقعیت زندگی هماهنگ باشد البته با محوریت "تورات". هنگامی که به نظر می‌رسد قوانین اجرایی اجتماعی مخالف وضعیت زمان و معرفت و شناخت الهی است می‌توان آن را تفسیر و مطابق شرایط زمان تطبیق نمود. به عنوان مثال قانون شرعی و فقهی "با استفاده از تعلیم توراتی شفاهی چشم به عوض چشم" این طور تعبیر می‌شود که این حکم الهی برای انتقام‌جویی نیست بلکه تعیین مجازات در مقابل وقوع جرم است. یعنی هر مجازات باید مطابق

جرم انجام شده باشد. روشی که در دوران باستان وجود داشت انتقام‌جویی در برابر هر جرم کوچک بود که وقوع جرایم را بیشتر و بیشتر می‌کرد و فریسی‌ها به این ترتیب از ارتکاب جرم بعدی جلوگیری می‌کردند. در پایان این فصل لازم به یادآوری می‌دانیم که شکل‌گیری کنیساها و انجام فرایض دینی به جز قربانی کردن از تعالیم و اقدام "حسیدیم" و "پروشمیم" بود. آنها معتقد بودند که خالق یکتا در همه جا حضور دارد و عبادت خداوند خارج از معبد مقدس نیز امکان‌پذیر است. چون خداوند در همه جا حاضر و ناظر است می‌توان او را هم در معبد مقدس و هم در خارج از آن در کنیساها ستایش کرد و نباید عبادت را فقط به گذرانیدن قربانی‌ها محدود ساخت و به آن بسنده کرد. بدین ترتیب نظام کنیسایی در میان یهودیان اهمیت بسیار یافت و مکمل اجرای مراسم قربانی در معبد مقدس "بت همیقداش" شد.

فعالیت فریسی‌ها تا قرن دوم میلادی ادامه یافت و بزرگ‌ترین تأثیر را در حفظ و کمال یهودیت به جای می‌گذاشت. فریسی‌ها در حفظ اعتقاد خود بسیار معتقد و ثابت قدم (رادیکال) بودند و در حفظ و اشاعه دین یهود به نسل‌های بعد از خود، آن هم در دورانی که به علت بی‌عدالتی‌های شدید اجتماعی ترک مذهب متداول بود، خدمات فراوانی کردند، آنها برخلاف بعضی گروه‌های متعصبه خشونت را در مذهب یهود رد می‌کردند و جنگ بین انسان‌ها را ظالمانه می‌دانستند. به عقیده آنها خداوند تنظیم‌کننده زندگی، تاریخ و ادامه حیات بشر است و انسان باید در یادگیری فرامین الهی و بسط و نتیجه‌گیری از آن فعال باشد و به همین دلیل فریسی‌ها بیشترین وقت و نیرو و امکانات خود را صرف تعلیم و آموزش می‌نمودند و بعد از خرابی معبد مقدس دوم وجود کنیساها و مدارس دینی فریسی‌ها موجب شد شیرازه زندگی دینی یهودیان از هم نپاشد و طی قرون متمادی یهودیان بتوانند براساس اعتقادات توحیدی خود به زندگی فردی و اجتماعی خود ادامه دهند.

توضیح این که برای روان شدن مطلب سعی کرده‌ایم "پروشمیم" و "فریسی‌ها" را که معنی واحدی دارند به کار ببریم و کهنیم و لوییم و صدوقیم که در متن یکسان به کار رفته نام‌گذاری کنیم. دیگر این که این بررسی در شماره‌های بعد ادامه خواهد یافت. ■

۷اموزتساو ایام سوگواری یهودیان

رحمن دله رحیم

گردید.

۳- حادثه سوم ویرانی معبد دوم: که در سال ۶۸ بعد از میلاد (۱۹۳۹ سال قبل) می‌باشد که به دست تیتوس سردار رومی صورت گرفت. این اتفاق نیز به خوبی، نقش مردم و تأثیر عدم اتحادشان را در ویرانی معبد دوم نشان می‌دهد.

۴- حادثه چهارم شکست نهایی و قطعی بروکخوا در سال ۱۳۵ میلادی (۱۸۷۲ سال قبل) از سپاه روم می‌باشد. "آدرین قیصر روم" تصمیم گرفت تا یهودیان را وادار کند فرهنگ و تمدن روم را بپذیرند و از نگاهداری شنبه و اعیاد مذهبی و آموزش و تدریس تورات مقدس خودداری کنند. این تصمیم آدرین آتش قیام یهودیان علیه رومیان را روشن کرد. قیامی به رهبری "ربی عقیوا" و فرماندهی بروکخوا شروع شد که مدت سه سال و نیم طول کشید. آدرین تحمل نیاورده و "ژولیوس سوروس" را مأمور سرکوبی یهودیان کرد. بروکخوا با عده‌ای به قلعه "بیتار" پناه برد و یک سال در آنجا مقاومت نمود ولی بعد از این مقاومت سخت در سال ۱۳۵ میلادی (۱۸۷۲ سال قبل) قلعه بیتار در آن موقعیت حساس سقوط کرد و قیام به شکست انجامید.

۵- حادثه پنجم در سال ۱۳۶ میلادی (۱۸۷۱ سال قبل) یعنی یک سال بعد از قیام بروکخوا رخ داد و آن صاف کردن و شخم زدن محل معبد دوم به دستور آدرین صورت گرفت.

بنابراین یهودیان جهان نهم ماه او را که روز خرابی معبد مقدس است روز عزاداری و یادآوری خاطره میلیون‌ها شهیدانی می‌دانند که به خاطر دفاع از عقیده و ایمان خود و در راه دفاع از زندگی شرافتمندانه دست از جان کشیدند تا این حقیقت در تاریخ باقی بماند که حق همیشه پیروز خواهد شد.

تاریخچه معابد مقدس در یک نگاه :

ساختمان معبد مقدس اول: توسط حضرت داود پایه‌گذاری و به وسیله حضرت سلیمان ساخته و در تاریخ ۲۹۲۸ خلقت آدم و یا ۸۳۲ قبل از میلاد یعنی ۲۸۳۹ سال قبل افتتاح گردید و ۴۱۰ سال هم آباد بود و در سال ۲۳۳۸ خلقت عبری) و یا ۴۲۲ قبل از میلاد یعنی ۲۴۲۹ سال قبل توسط بخت‌النصر خراب گردید.

ساختمان معبد مقدس دوم : به امر کورش کبیر در ایام پیغمبرانی مثل: حکی، زکریا (زکریا) و عزرا کاتب به سرپرستی زروبابل ساخته و در تاریخ (۲۴۰۸ خلقت عبری) و یا ۳۵۲ قبل از میلاد یعنی ۲۳۵۹ سال قبل افتتاح گردید و ۴۲۰ سال هم آباد بود و در سال (۲۸۲۸ خلقت عبری) یا ۶۸ سال بعد از میلاد یعنی ۱۹۳۹ سال قبل توسط تیتوس خراب گردید. ■

در تقویم عبری روزهایی وجود دارند که خوش‌یمن قلمداد نشده و به علت اتفاقاتی که در چنین ایامی رخ داده‌اند به عنوان ایام سوگواری شناخته می‌شوند. روزهای ۱۷ ماه تموز و نهم ماه او (تیشعاب او) از این جمله‌اند که در این روزها یهودیان روزه گرفته و از شادی اجتناب می‌نمایند.

بر اساس تلمود رساله تعنیت فصل چهارم، در هفدهم ماه تموز ۵ اتفاق ناگوار و نامطلوب برای ملت یهود رخ داده است:

۱- شکسته شدن لوحه‌های ده فرمان در روز بازگشت حضرت موسی از کوه سینا.

۲- توقف تقدیم قربانی دائمی به خاطر موجود نبودن گوسفند در شهر اورشلیم در زمان محاصره شهر توسط رومیان قبل از خرابی معبد دوم.

۳- سقوط شهر اورشلیم به دست رومیان پس از مدت‌ها محاصره شهر.

۴- پیکره‌ای از بت ژوپیتر ژنوس) به وسیله ایوسطلموس سردار یونانی در محل خانه مقدس نصب گردید.

۵- سوزانده شدن طومارهای تورات توسط ایوسطلموس.

از روزه ۱۷ تموز تا روزه نهم او ایام (بن همصاریم) یعنی "روزهای تنگنا" نامیده می‌شود. در این روزها ازدواج کردن، اصلاح نمودن موی سر، لباس نو پوشیدن به مناسبت عزاداری به خاطر فاجعه بزرگ "خرابی معبد مقدس" و آوارگی ملت یهود و پراکندگی آنها و مورد تاخت و تاز قرار گرفتن آنها به وسیله اقوام خاندانشناس ممنوع می‌باشد.

نهم ماه او عبری (تیشعاباو) روزی است که یهودیان جهان به سوگواری می‌نشینند، روزه می‌گیرند و مرثیه می‌خوانند. در طی سال‌های مختلف در این روز وقایع مصیبت‌باری برای یهودیان اتفاق افتاده این حوادث عبارتند از:

۱- به دنبال خبر ناخوش‌آیندی که از طرف فرستندگان حضرت موسی (ع) از سرزمین مقدس به قوم رسید و ناسپاسی افراد، خداوند اعلام فرمود تا مردان (۲۰ سال به بالا) که مصر را ترک کرده، مرده و وارد سرزمین موعود نخواهند شد و همینطور هم شد.

۲- ویرانی معبد مقدس اول: بعد از مرگ حضرت سلیمان سرزمین مقدس به دو قسمت مستقل تقسیم شد. و به علت حمله شلمن اسیر پادشاه آشور بخش شمالی به اسارت درآمد و تنها کشور یهودا (بخش جنوبی) به رهبری حزقیا و هدایت یشعیا نبی از این بلا رهایی یافتند. اما بعدها با حمله بخت‌النصر به یهودا، بعد از حدود دو سال و نیم تحمل محاصره و جنگ و قحطی شهر اورشلیم سقوط کرد و در روز نهم ماه او سال ۳۳۳۸ عبری ۴۲۲ قبل از میلاد (۲۴۲۹ سال قبل) معبد مقدس اول یهودیان سقوط و ویران

کنگره فرهنگ مقاومت



کرامت و حد اعلای اهمیت انسان در این جهان می باشد. وی در ادامه بیان کرد: آیات مختلف و متعدد در تورات و دیگر کتب مذهبی یهود نشان از تقبیح قتل در این آیین دارد.

نماینده جامعه کلیمیان ایران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به آیه ای از تورات گفت: در آیین یهود کسی که قتل و کشتار را فرمان می دهد یا افرادی را برای این امر آماده و ترغیب می سازد گناهی بالاتر از قتل مرتکب شده است. وی پس از بررسی گناه آمران به ترور، مسأله تحذیر یهودیت از تروریسم را بیان کرد و گفت:

یهودیان در سده معاصر علیرغم تحمل شدیدترین مصیبت ها و تبعیض های اجتماعی در جوامع گوناگون و در حالی که خود به کرات قربانیان تروریسم سازمان یافته بوده اند، همواره اعمال خشونت و ترور را به خصوص در سرزمین مقدس از ناحیه هر فرد یا گروهی محکوم کرده اند.

معمد در پایان راه حل اساسی برای محو تروریسم را کثرت گرایی دانست و افزود: آن گاه که انسان ها معتقد به تنوع عقاید باشند و دیگر گرایش های فکری و اجتماعی را بردبارانه تحمل نمایند و نیز حق را در انحصار مطلق خود ندانند دلیلی برای امحای انسان های حامل عقاید مخالف نخواهند یافت. ■

کنگره بین المللی فرهنگ مقاومت با عنوان "جهان اسلام قربانی تروریسم" در سالروز ترور استاد شهید مرتضی مطهری برگزار شد.

این کنگره که با هدف افشای ماهیت تروریستی استکبار و با حضور سردار افشار رئیس سازمان حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس و آیت الله تسخیری و دیگر شخصیت های علمی، سیاسی و فرهنگی داخلی و خارجی در ۱۱ و ۱۲ اردیبهشت ۸۶ در سالن اجلاس سران اسلامی برپا شد.

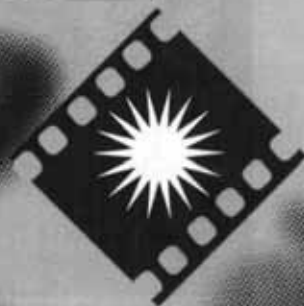
موریس معمده نماینده مجلس شورای اسلامی، هارون یشایایی، فرهاد افرامیان، آرش آبائی به عنوان نمایندگان کلیمیان در کنگره حضور داشتند. در نشست موضوعی تروریسم از نگاه ادیان توحیدی موریس معمده به سخنرانی پرداخت.

وی در ابتدای سخنان خود به شریح واژه شالوم پرداخت با بیان معنی آن و تأکید بر تکرار آن در متن تورات به روحیه صلح طلب فرهنگ یهود اشاره کرد.

معمده در قسمت دیگر از سخنان خود گفت: این اصل که انسان شبیه خدا آفریده شده است اساس تعلیمات دانشمندان یهود درباره وجود انسانی است. از این لحاظ انسان بر همه موجودات جهان برتری دارد و او عالی ترین نقطه در مراحل آفرینش جهان است. آفریده شدن به صورت معنوی خدا، موجب

نقد کبریا مدار صفر درجه

همیشه منت نمونه خوار نیست



فرهاد افرامی

در دنیای امروز آن چه که آرا و افکار مردم این عصر را می‌سازد پیامی است که در سطح وسیع و قالبی متفاوت از طریق رسانه‌های گروهی منتشر شده و ذهن و ادراکات مخاطب را شکل می‌دهد. در میان رسانه‌های مختلف چاپی، صوتی و تصویری، تلویزیون به عنوان رسانه‌ای که چندین حس بیننده از جمله بینایی و شنوایی را همزمان درگیر می‌کند احساس و عاطفه را به کار می‌گیرد و نیز سریال‌ها به دلیل جذابیت بصری استفاده از ستاره‌ها و رابطه‌ای که در طول هفته‌ها با مردم ایجاد می‌کنند بیشترین تأثیرگذاری و انتقال را دارا هستند.

سریال که بیشترین کارکرد آن روشننگری است همانند هر اثر دیگری برخاسته از تفکرات و سلاقی و مطالعات و پژوهش‌های سازندگان و تهیه‌کنندگان آن است که نه تنها می‌تواند آگاه‌کننده، بیاموزد، ترغیب‌کننده و احساس را برانگیزد بلکه می‌تواند آسیب برساند. گاهی مواقع برنامه‌سازان با توجه به شرایط مختلف سیاسی و

اجتماعی در سریال‌ها و برنامه‌های خود عده، گروه و یا اعتقاداتی را قربانی می‌کنند تا بتوانند خوراکی را برای مخاطبان خود آماده کنند. بدون این که به کارکرد مخرب آن بیاورند و یهودیت همواره مقوله‌ای در دسترس برای این چنین برنامه‌سازی بوده است.

با توجه به قدمت جامعه کلیمیان در ایران و تأثیر و تأثر این جامعه در روند فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی این مرز و بوم انتظار می‌رفت که به این نقش در برنامه‌سازی‌های رسانه‌ای و به ویژه تلویزیون بدون جابجاری و غرض‌ورزی پرداخته شود. اما به دلیل عدم آگاهی برنامه‌سازان از تفکیک مسئله یهود با صهیونیسم این امر مهم اتفاق نمی‌افتاد و نتیجه این عدم آگاهی ارائه چهره‌ای نادرست و غیرواقعی از یهودیان و معرفی آن به کل جامعه بوده است.

در اکثر سریال‌ها و فیلم‌ها یهودیان نه به عنوان یک شهروند در بدنه جامعه، بلکه تنها در قالب ابزار سیاسی یک تفکر خاص و یا حداکثر به شکل افرادی سودجو و مال‌اندوز در مشاغل پست تصویر می‌شدند و گاه‌ها چهره‌ای کاملاً منفور از این دین الهی برای بیننده‌ای که هیچگونه پیش زمینه قبلی از این مکتب در ذهن نداشت تصویر می‌شد و به تبع آن جامعه کلیمیان ایران نیز در اثر این تفکر سطحی متحمل هزینه‌هایی می‌گشت و نقش تعاملی آنان در تاریخ ایران به کل در سیطره این تفکر غلط نادیده گرفته می‌شد. و در یک کلام یهودی خوب وجود خارجی نداشت. در سریال‌های متعددی چون وفا، مریم مقدس و چشمان آبی زهرا این به وضوح نمایان است.

ولی این بار از قبل از شهریور ۱۳۲۰ همه چیز به گونه‌ای دیگر جلوه پیدا می‌کند و در این مقایسه سریال "مدار صفر درجه" با رویکردی عقلایی و نگاهی واقع‌بینانه خارج از تفکر سیاه و سفید نسبت به یهودیت از رسانه ملی بخش می‌شود.

این سریال سعی دارد بیان کند در جامعه کثرت‌گرای امروز جایی دیگر برای تعصبات فرقه‌ای و خودخواهی‌های قومی نیست و با حرکت به سمت شناخت متقابل و تعامل دوسویه سعی در یافتن وحدت دارد.

در این سریال چنین تعاملی در فضایی آکادمیک از سوی پسر ایرانی مسلمان و دختر فرانسوی یهودی با بیانی فلسفی و قالبی ملودرام شکل می‌گیرد. در مدار صفر درجه می‌توان یهودی خوب را خیلی راحت دید. دایی سارا استروک به عنوان یک پروفیسور یهودی (در مقابل یهودی با مشاغل پست) با حفظ آرمان‌های یهودیت نبوی و هویت دینی و ملی خود تا پای مرگ مقاومت می‌کند.

جالب توجه این که این شخصیت اسناد مهم جمع‌آوری شده را به دست یک ایرانی می‌سپارد که نشان از اعتماد متقابل یهودیت نسبت به هویت ایرانی دارد.

از دیگر نکات ارزشمند این سریال تأکید بر وجوه تشابه طرفین است. این تشابه با بیان تعامل موجود در آرا فلاسفه چون ملاصدرا و اسپینوزا و ادیبانی همچون مولانا و گوته بیان می‌شود و سعی دارد تأکید بر تفاوت‌ها را به تحکیم همبستگی میان انسان‌ها بدل نماید.

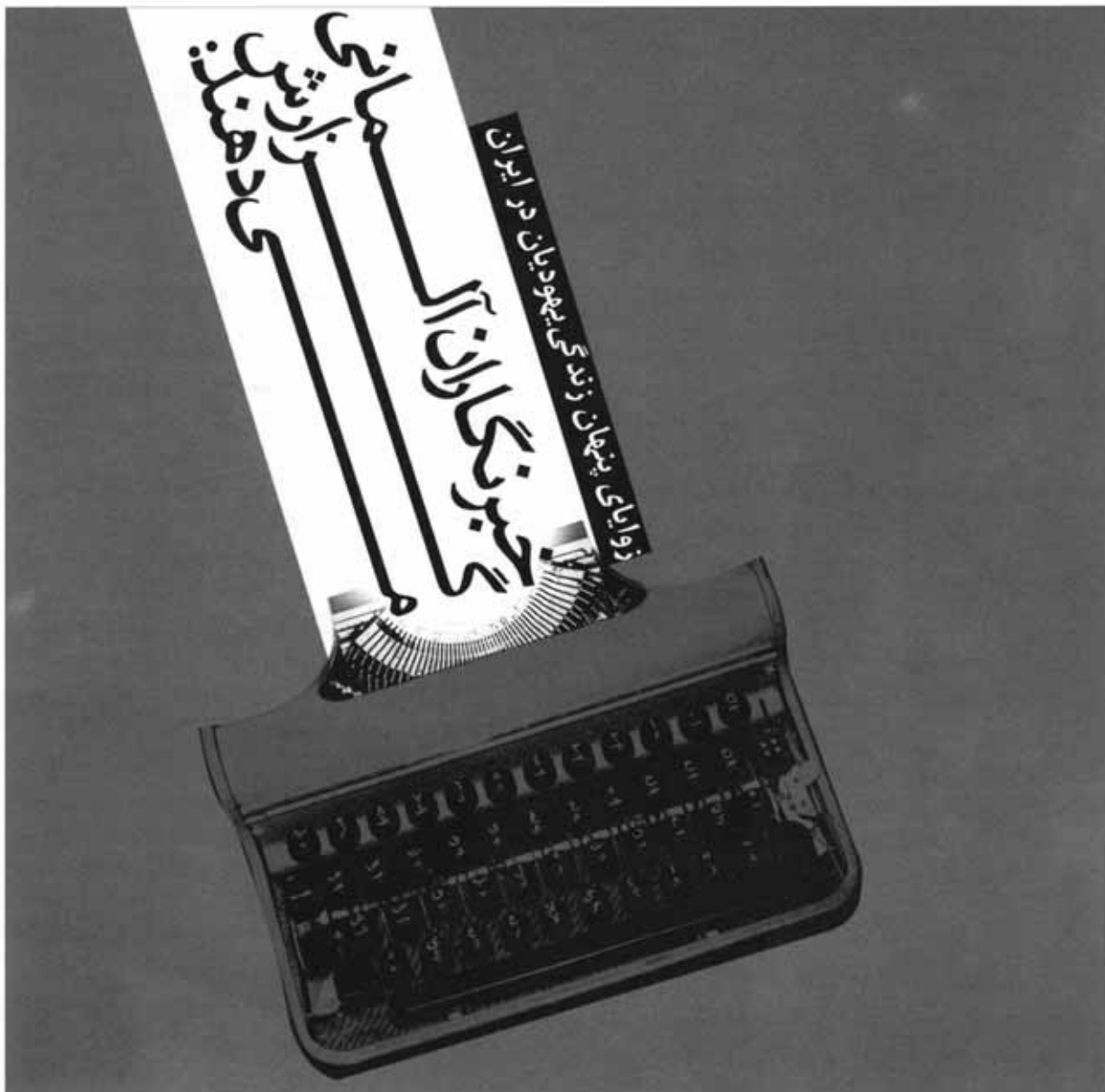
از دیگر نقاط قوت این مجموعه نیاز به همزیستی بر پایه احترام متقابل و حفظ اعتقادات مذهبی گروه‌های مختلف است که در سکانس‌های متعددی از آن دیده می‌شود که باعث شده مرزها شکسته شود و انسان‌ها را فارغ از نژاد، قوم، ملیت و مذهب به هم نزدیک کند در واقع یک حس نوع‌دوستی که برای یهودیان و دیگر مکاتب الهی بسیار آشناست.

سکانس‌های مختلف و متعددی از سارای شکست خورده و پریشان با کاپوس‌های شبانه‌روزی در کنار بیان واقعیت‌های تاریخی حضور فاشیسم و سیاست‌های نازی‌ها در نسل‌کشی یهودیان تمثیلی است از معصومیت رنج‌ها و مشقانی که یهودیان در جهنم نازی‌ها متحمل شدند. نکته قابل توجه که در روح فیلم حس می‌شود این است که هویت یهودی قربانی سیاست نیست.

امیر لوی از شرکت ارتباطات ست لینک "که یک مرکز کنترل رسانه‌ای اسرائیلی است در این خصوص می‌گوید پیام اصلی این داستان این است که یهودی‌ها هیچ کاری با فلسطین نداشته‌اند و این مجموعه ضد یهودیت نیست بلکه ضد صهیونیست است.

در مورد مدار صفر درجه شاید قضاوت نهایی زود باشد ولی این سریال مثل معروف مشت نمونه خروار است را (که در اکثر مجموعه‌ها دیده می‌شد) پس می‌زند و با نگاه واقع‌بینانه بیان می‌کند که همیشه مشت نمونه خروار نیست و هر جمع خوب و بد را نمی‌توان به کل آن تعمیم داد.

جای دارد از رییس سازمان صدا و سیما و دست‌اندرکاران این سریال قدردانی شود، چرا که ساخت این چنین مجموعه‌هایی به دور از هر گونه کینه‌توزی و غرض‌ورزی می‌تواند نقش به سزایی را در ایجاد وفاق بیشتر ایرانیان ایفا کند. امید است این روند که نشان از آگاهی مسئولان و دست‌اندرکاران صدا و سیما به تاریخ یهود و آنچه مقالیمی که براین قوم روا گردیده دارد در غالب سیاستگذاری‌های کلان صدا و سیما در ساخت برنامه‌های مختلف ادامه یابد. ■



کوندولام . تگمایر

در شهر دری قرائتی مانند "منورا" با حروف عبری می‌گردیم. چیزی به چشم نمی‌خورد. شروع می‌کنیم به پرسیدن. پیرزنی چادر به سر، ناظر پرس و جوی ماست و به ابتکار خود با ما حرف می‌زند. می‌داند که به چه دری باید مراجعه کنیم. پسر تقریباً دوازده ساله‌ای در را باز می‌کند. با فارسی شکسته بسته و کوتاه خود را معرفی می‌کند: "من یهودی آلمانی هستم. می‌خواهم با یهودیان اصفهان تماس بگیرم." پسر با تعجب سرپای من را نگاه می‌کند. مهرداد من را نجات می‌دهد و خواهشش را دوباره توضیح می‌دهد. پسر هنوز مردد است و ناپدید

خبری که مدت‌ها انتظارش را می‌کشیدم، سرانجام رسید. پس از پنج ماه ارجاع یک تقاضای دوباره، تهران با درخواست صدور روادید ورودم موافقت کرده بود. خیلی خوشحالم، ولی ناگهان شک و دلهره دوباره آزارم می‌دهد. آخرین شب در آلمان مکرر به وضع پرتنش در ایران می‌اندیشم. مشاجره اتمی و ...

جمعه پیش از ظهر اصفهان

میزبان، همراه من به اصفهان آمده است. گویا هنوز هفت کنیسه در این محله وجود دارد. خوشحال می‌شدم اگر یکی از آنها را پیدا می‌کردم. سرگردان

با نقشه شهر و خوشبینی زیاد به جست و جوی محله یهودیه می‌روم. مهرداد، پسر بزرگ خانواده



به رغم بعضی از انتقادهایی که از دولت خود داریم، دست به دست هم داده از میهن مان به عنوان ایرانی دفاع خواهیم کرد.

اظهارات مشابهی را بیشتر بارها شنیده‌ام. هر چند که بیشتر مردم ایران، خواستار ساختارهای دموکراتیک هستند تقریباً ۷۰ درصد جمعیت کمتر از ۲۵ سال دارند که به جز دولت اسلامی، چیز دیگری ندیده‌اند ولی مداخله از خارج را همگی رد می‌کنند. ایران بارها بازپرسه بیگانگان و مصالح آنها بوده است و ایرانیان این تجارب را فراموش نکرده‌اند. ۲۵ مارس است. در هواپیما کنار پنجره نشسته‌ام. پس از دو ماه اجازه دارم که در انتظار عمومی موهای خود را نشان دهم. ساعت شش صبح است. پشت کوه‌های البرز رشته سرخ آتشیینی طلوع هیجان‌انگیز آفتاب را بشارت می‌دهد.

روز عید پوریم است. به این مناسبت اکنون در جوامع یهودی از کتاب مگیلوت استر قرائت می‌شود. کودکان لباس مبدل می‌پوشند. پور، واژه‌ای است فارسی به معنی "قرعه". هامان، وزیر خشایارشا با چنین قرعه‌ای تاریخ نابودی یهودیان را تعیین کرده بود. آرامگاه استر و مردخای در همدان است. دلم می‌خواست امروز را با یهودیان ایرانی جشن می‌گرفتم. خدا کند دوباره به ایران برگردم. ■

افراد خانواده به زبان عبری، شگفت‌زده می‌شوم. به طوری که موسی توضیح می‌دهد، در ایران نیز کلاس‌های درس برای عبری و سنن یهودی به صورتی که در بسیاری از جوامع یهودی در سراسر جهان برگزار می‌شود، وجود دارد. هنگام صرف چای از وضعیت یهودیان در ایران سخن می‌گوید: "ما در این جا مشکلی نداریم. کسی مانع انجام آیین مذهبی ما نمی‌شود. با همسایگان مسلمان و شرکای تجاری خود روابط خوب و گاهی دوستانه داریم."

جرعه‌ای چای و تکه‌ای شیرینی می‌خورد و می‌گوید: "خانواده من از ده‌ها قرن در ایران زندگی می‌کنند. نه شخصاً و نه افراد خانواده‌ام در این کشور احساس تبعیض نکرده‌ایم." در پاسخ به این پرسش که آیا هیچ درباره مهاجرت به اسرائیل فکر نکرده‌اید، او و زنش پاسخ می‌دهند: "ایران میهن ماست، ما خود را ایرانی می‌دانیم، ایرانی یهودی. مهاجرت به اسرائیل یا هر کشور دیگر برای ما به هیچ وجه مطرح نیست." درباره مشاجره راجع به برنامه هسته‌ای، پسر بزرگ می‌گوید: "ما مخالف بمب اتمی هستیم. ولی هیچ کشور دیگر نیز چنین حقی ندارد. برای برخی از کشورها این حق شناخته می‌شود. اگر امریکا و اسرائیل به ما حمله کنند،

می‌شود. پس از مدتی برمی‌گردد و به من می‌گوید که پدرش عصر ساعت ۶ به خانه می‌آید. ما به گشت گذار خود در یهودیه ادامه می‌دهیم.

ناگهان در ویتترین یک مغازه اشیای برقی، یک منورا شمعدان هفت شاخه مراسم عبادی یهودی)، کشف می‌کنم. دم در ورودی از آقای راجع به کنیسه می‌پرسم. او هم ابتدا محتاط است، ولی به تدریج مهربان‌تر می‌شود و سر حرف را باز می‌کند. بعد کاشف به عمل می‌آید که او موسی، پدر همان پسر و کلیددار کنیسه است. اولین نگاهم در کنیسه می‌افتد به قالی‌های قیمتی، به ویژه کاشی‌های بسیار زیبایی که با تکنیک ایرانی هفت‌رنگ نقاشی شده‌اند و در مساجد هم دیده می‌شوند، نظرم را جلب می‌کنند. موسی ما را به دیگر اعضای جامعه یهودی که با مهربانی ما را می‌پذیرند، معرفی می‌کند. برای عکسبرداری به من استثنائاً اجازه داده می‌شود که به بخش مردان بروم. زنان در اینجا باید پوشش اسلامی را رعایت کنند. با روسری موهایمان را می‌پوشانیم. موسی به اصرار ما را برای برگزاری مراسم عبادی قیدوش و صرف غذای شبات به خانه‌اش دعوت می‌کند. مهمان‌نوازی ایرانی که آن را در این چند هفته بارها در ایران تجربه کرده‌ام. هنگام برگزاری مراسم قیدوش از تسلط

دلشاد که در کارنامه خود فعالیت‌های متعدد اجتماعی، فرهنگی و مذهبی را برای ایرانیان یهودی در آمریکا به ثبت رسانده تنها به فعالیت برای ایرانیان یهودی در آمریکا بسنده نکرده است. وی در سال ۲۰۰۳ پس از پیروزی در انتخاب به عضویت شورای شهر درآمد و پس از ۴ سال فعالیت در انتخابات سال ۲۰۰۷ توانست سمت شهرداری بورلی هیلز را از آن خود کند. اولین شهردار ایرانی‌الصل بورلی هیلز در ۲۷ مارس ۲۰۰۷ پس از انجام مراسم سوگند با حضور شخصیت‌های سیاسی و جمعیت ۱۰۰۰ نفری مردم و نیز نمایندگان رسانه‌های مختلف کار خود را شروع کرد.



کارولین رفیع (معنوی)

دلشاد با بیان مهمترین هدف خود در جهت ایجاد وحدت و اتحاد در بین افراد جامعه آن را مهمترین عامل در جهت پیشبرد اهداف خود دانست و گوش دادن به دغدغه‌های مردم و جامه عمل پوشاندن به خواسته‌های آنان را وظیفه خود می‌داند. نکته قابل توجه در انتخابات وی چاپ برگه‌های رأی شهر به دو زبان فارسی و انگلیسی بود. ۸۰۰۰ نفر از جمعیت ۳۵۰۰۰ نفری بورلی هیلز را ایرانی‌تبارها تشکیل می‌دهند.

سکان بورلی هیلز در دست شهردار ایرانی

توصیف شده با مدرک مهندسی برق از دانشگاه Northridge به عنوان یک بازرگان موفق در کالیفرنیا شناخته شده است. دلشاد ۴۸ سال است که در لوس آنجلس زندگی می‌کند و ۱۸ سال گذشته در شهر بورلی هیلز اقامت داشته است. حاصل ۳۸ سال زندگی مشترک او ۲ فرزند به نام‌های دیورا و دانیل است.

اولین شهردار ایرانی‌زاده بورلی هیلز فصلی از تاریخ این شهر و کالیفرنیا را به نام خود قلم زد. جیمی دلشاد یک ایرانی یهودی مهاجر به آمریکاست. دلشاد که نام کوچک خود را در زمان شهروند شدن در آمریکا از جمشید به جیمی تغییر داده است. ۶۶ ساله متولد شهر شیراز در ایران می‌باشد. وی که یک فرد با ارتباطات پایدار در جامعه

انسانیت هیچکدام به تنهایی معرف جامع زن یهودی نیستند. در این مقال، قصد داریم به معرفی ارنستین لونی‌رز (Ernestine Louise Rose) - از پیشگامان مبارزات ضد برده‌داری در آمریکا بپردازیم. زنی که در بسیاری از جریانات انسان‌دوستانه و ضد نژادپرستانه قرن نوزدهم نقش فعالی داشت و به ارتقاء سطح فکری زنان کمک زیادی کرد. وی در ۱۸۱۰ در لهستان متولد شد و تنها فرزند خانواده‌ای بود که پدرش پیشوای مذهبی و مادرش خانه‌دار بود. او در کودکی تحت تعلیمات مذهبی قرار گرفت و در طول زندگی همواره به اعتقادات مذهبی پایبند ماند، اگر چه شدیداً به مبارزه با خرافات پرداخت.

او در جوانی از یک ازدواج تحمیلی و اجباری سرباز زد. او پس از سال‌ها مبارزه درباره برابری انسان‌ها و مخالفت با تبعیض نژادی در سال ۱۸۳۶ با مرد مورد علاقه خود ازدواج کرد و به نیویورک مهاجرت کرد. او پس از ورود به آمریکا بر علیه برده‌داری سخنرانی‌های زیادی کرد. وی از طرفداران آموزش عمومی بود و در مورد اعطای حق رأی به زنان در ایالات جنوبی آمریکا فعالیت کرد و برای قانونی کردن حق مالکیت اموال برای زنان پانزده سال مبارزه نمود.

او در تمام عمر با پایبندی به ارزش‌های والای یهودیت یا خرافات بی‌اساس و نژادپرستی و برده‌داری مبارزه کرد. یک روحانی یهودی در مراسم تدفین او چنین گفته است: گو یکی از پایه‌گذاران دفاع از کرامت انسانی است.

ارنستین لونی‌رز یکی از پایه‌گذاران دفاع از کرامت انسان

تینا ربیع‌زاده

ناکنون هرگاه صحبتی از زنان یهودی شده است، بیشتر به عنوان مادر یا همسر مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما زنان یهودی علاوه بر نقش مهم مادری و همسری در طول تاریخ همیشه نقش ظلم‌ستیزی و مبارزه برای حقوق انسان‌ها را نیز برعهده گرفته‌اند. زیرا که مادری و همسری و

دکتر سیامک مره صدق

نژادپرستی

آزادگی انسان را از او سلب کند. در این جستار تلاش بر این است که گوشه‌ای از رفتار نژادپرستانه یکی از مدعیان آزادی خلق را بازگو کنیم و لازم به ذکر است که اگر چه در این مقال رویکرد ما بیشتر به جنبه‌های یهودی ستیزانه جنایات استالین است، اما در میان سی میلیون قربانی جنایات وی از همه اقوام و مذاهب قربانی دیده می‌شود و اکنون پس از فروپاشی حکومت شوروی هم هر روز برگ تازه‌ای از جنایات او افشا می‌شود.

یکی از معضلات جامعه جهانی بوده است. این دیو ضد انسانی گاه به شکل برده‌داری آمریکایی تجسم یافته و گاه به شکل ناسیونال - سوسیالیسم هیتلری و روزگاری به شکل سوسیالیسم استالینی چه بسیار جان‌های پاکی که در مبارزه با این پدیده منحوس فدا شده و چه فراوان تر آرزوهایی که به دست اهریمن نژادپرستی به گور رفته‌اند. اما چه باک زیرا که خداوند انسان را آزاد آفریده و همه مخلوقات او در خلقت برابرند و هیچ خون‌آشامی نمی‌تواند

نژادپرستی در طول تاریخ پرفراز و نشیب جوامع بشری به صور گوناگونی رخ نموده است. از زمانی که یونانی‌های باستان اقوام غیر یونانی را فرومایگانی دانستند که شایسته آزادی نیستند، تا روزگاری که سوداگران برده کشتی‌ها را از سیاهان افریقایی انباشته تا آمریکا را بر گوشت و خون آنان بنا کنند و تا امروز که صاحبان زر و زور و تزویر می‌کوشند که از انسان‌ها، این شریف‌ترین مخلوقات حق، برده‌های مدرن بسازند، نژادپرستی همیشه

انسان دوستی خود به ارتش شوروی دستور می دهد که به سوی پناهندگان لهستانی که با اشغال کشورشان قصد ورود به خاک شوروی را داشتند آتش بگشاید.

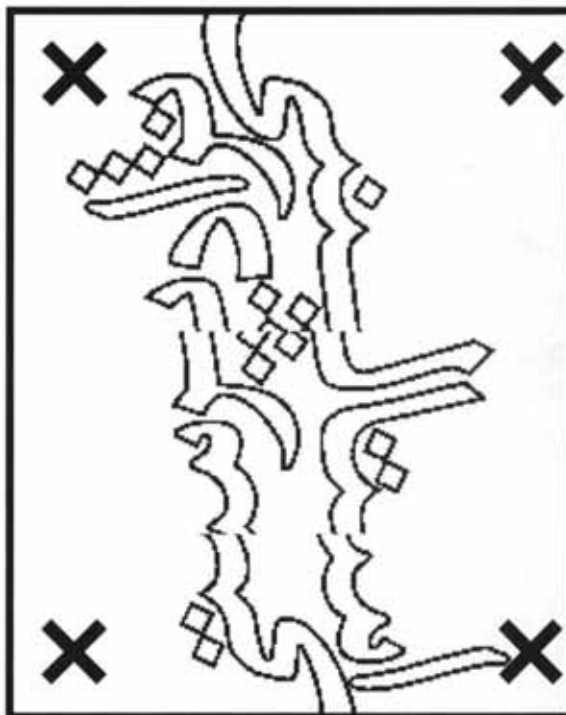
استالین پس از رسیدن به قدرت به سرکوب تمام دگراندیشان حتی هم زمان سابق خود پرداخت و بسیاری از یهودیان در جریان تصفیه های وحشتناک دهه چهل میلادی به دستور استالین اعدام شدند و یا به اردوگاه های کار اجباری فرستاده شدند. استالین برای محو فرهنگ یهود از سرزمین شوروی طرح ایجاد یک مرکز استقرار یهودیان در Birobidzahn را ارایه کرد. طی یک تهاجم بی رحمانه سعی کرد که فرهنگ استالینی را جانشین ارزش های و الای یهودیت کند. اما در این طرح شکست خورد و جمعیت یهودیان این "کتوی استالین" هیچگاه به بیش از سی درصد کل جمعیت محل نرسید، استالین پس از این شکست بسیاری از رهبران یهودی شوروی را بازداشت کرد و مدارس ییدیش را بست.

پس از حمله آلمان نازی به شوروی استالین برای استفاده از اعتقادات ملی و مذهبی مردم به شورای اسقفی و دیگر نهادهای مذهبی آزادی های نسبی می دهد، و با تشکیل "کمیته یهودیان ضد فاشیست" از یهودیان شوروی برای مقابله با هجوم آلمان نازی مدد می طلبد، اما پس از پایان جنگ جهانی دوم با ناجوانمردی تمام تشکل های یهودی را منحل می کند و رئیس کمیته یهودیان ضد فاشیست نیز به شیوه مرسوم آن ایام در یک تصادف کاملاً مشکوک به قتل می رسد. سایر اعضای این کمیته نیز به بهانه همیشگی تمایلات بورژوازی و ملی گرایانه در سال ۱۹۴۸ بازداشت می شوند.

در شب دوازدهم آگوست ۱۹۵۲ نیز سیزده تن از اندیشمندان و سفرای یهودی که از نمایندگان برجسته ادبیات ییدیش بودند به دستور استالین اعدام شدند و آن شب در تاریخ به نام شب شاعران مقتول معروف شد. استالین با پرونده سازی های معاون خون آشام خود "بریا" پزشکان معالج خود را دستگیر کرد و روزنامه رسمی حکومت پروادا، آنان را به مسموم کردن استالین محکوم کرد. اما از بازی های عجیب روزگار این که چند ماه بعد وقتی استالین به دنبال حمله مغزی به حالت کما رفت هیچ کدام از این پزشکان که اکثراً یهودی بودند و در تبعید به سر می بردند در دسترس نبودند. بسیاری از مورخین بر این عقیده اند که "پرونده پزشکان یهودی" کلاً ساخته و پرداخته بریا بود تا بتواند دور از چشم آنان نقشه قتل استالین را پیاده کند. ■

منابع :

- ۱- تاریخ روسیه شوروی، ای اچ کار، نجف دریابندری.
- ۲- اسرار مرگ استالین : دکتر حمید عنایت
- ۳- David Cesarani - The Jews and the left
- ۴- Willian Kovey - Anti Semitism in Russia
- ۵- J Bareut - Staline last crime L V.P. Nakomov
- ۶- Joseph Stalin Work Vol (۲۱ , ۳)
- ۷- استالین شکست ها و پیروزی ها : دو ویکوگنوف
- ۸- استالین مخوف : عنایت الله رفیع



یوسف ویسارنووویچ جوگاشویلی در نهمین دهه از قرن نوزدهم میلادی در خانواده مسیحی به دنیا آمد. برای کشیش شدن به مدرسه مذهبی رفت. اما مدرسه مذهبی را تمام نکرده رها کرد، از آن روی که جلادی مثل او را با الهیات سر سازگاری نبود، در سال ۱۹۰۵ پس از اولین ملاقات با لنین در حلقه یاران نزدیک او جای گرفت و پس از پیروزی انقلاب اکتبر از سران حکومت کمونیستی شوروی شد، وی پس از بیماری لنین با دسایس فراوان خود را به رأس هرم قدرت نزدیک کرد و پس از مرگ لنین رهبری شوروی را در دست گرفته، وی در مارس ۱۹۵۳ درگذشت.

میزان مذهب ستیزی استالین به حدی بود که برای انجام قرایض مذهبی و عبادات همه ادیان به عنوان مقابله با "بقایای تفکرات بورژوازی" محدودیت های زیادی ایجاد کرد. و حتی مجوز برگزاری جلسات شورای اسقفی را لغو کرد و فقط در اوج جنگ جهانی دوم بود که برای استفاده از اعتقادات مذهبی مردم به شورای اسقفی اجازه تشکیل جلسه داد.

با این همه استالین در اتخاذ ظاهر انسان دوستانه و ضد نژادپرستانه ید طولایی داشت. نامه ای از او در دوازدهم ژانویه ۱۹۳۱ میلادی در روزنامه پروادا به چاپ رسیده است که می گوید: نژادپرستی و آنتی سمیتیزم خطرناک ترین شکل توحش سیاسی است که حاصل آن توحش و حکومت جنگلی است و فرآیندی بر ضد طبقه کارگر محسوب می شود. حال آن که او یا نمونه بارز نژادپرستی و آنتی سمیتیزم هیتلر) دست دوستی داد و با امضای قرارداد عدم تجاوز با رژیم نازی در سال ۱۹۳۹ شرایط مناسب را برای حمله ارتش هیتلری به لهستان فراهم می کند و یهودیان لهستان را که در آن زمان بیشترین تعداد یهودیان جهان را در خود جای داده بود به کام هولوکاست می فرستد. وی برای تکمیل حرکات ضد هیتلری و اثبات



همایش نکوداشت شهدای ادیان الهی برگزار شد



همایش نکوداشت شهدای ادیان الهی، با شعار "وطن، غیرت، شهادت" با حضور محمود احمدی نژاد رئیس جمهور و مهندس چمران رئیس شورای شهر به دعوت بنیاد اینترگران و جانبازان شهرداری تهران برگزار شد. در این مراسم که در ۱۷ اسفند ۸۵ در سالن ابفا برپا بود هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران، جناب حاخام یوسف همدانی کهن به همراه عده‌ای کثیر از جامعه کلیمیان حضور داشتند. پس از اجرای مراسم توسط هنرمندانی از اقلیت‌های دینی لوح یادبودی توسط رئیس‌جمهور به جناب حاخام یوسف همدانی کهن اهدا گردید و از نمایندگان اقلیت‌ها تقدیر شد. اسکندر میکائیل مسئولیت هماهنگی نهادهای جامعه کلیمیان را با ستاد برگزاری همایش بر عهده داشت.

همایش موعودگرایی در ادیان ابراهیمی برگزار شد

همایش موعودگرایی در ادیان ابراهیمی با هماهنگی موسسه پژوهشی انتظار نور و پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در تاریخ ۹ خرداد ماه در سالن همایش دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم برگزار گردید.

دکتر یونس حمای لاله‌زار، سخنران اولین نشست این همایش بود. کارشناس فرهنگی انجمن کلیمیان تهران در سخنان خود به بیان دیدگاه‌های یهودیت و باورها و اعتقادات این قوم نسبت به منجی موعود (ماشیح) پرداخت و در جلسه پرسش و پاسخ پایانی نشست به سؤالات حاضران در سالن پاسخ داد.

سفر هیئت مدیره انجمن کلیمیان به اصفهان

هیات مدیره انجمن کلیمیان در سفر به اصفهان مشکلات جامعه کلیمیان این شهر را بررسی کردند.

این سفر در ۲۶ اردیبهشت با حضور دکتر سیامک مره‌صلق، رئیس انجمن کلیمیان تهران و با همراهی دکتر رحمت‌الله رفیع نایب رئیس و فیض‌الله ساکت‌خو مسئول کمیته املاک انجمن کلیمیان انجام شد.

در این سفر یک روزه نمایندگان هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران پس از برگزاری جلسه مشترک با اعضای انجمن کلیمیان اصفهان و بازدید از مراکز این جامعه، در کنسای کتر داوید حضور یافته و به بررسی مشکلات همکیشان اصفهانی پرداختند.

نماینده یهودی در مجلس شورای دانش آموزی



شموئیل یروشالمی نماینده دانش‌آموزان یهودی در چهارمین دوره مجلس دانش‌آموزی کشور شد.

در اولین جلسه این مجلس که از تاریخ ۲۰ اردیبهشت لغایت ۲۴ اردیبهشت ۸۶ برگزار شد، دانش‌آموزان با حضور در مرقد امام خمینی (ره) فعالیت خود را آغاز نمودند.

نمایندگان دانش‌آموز در تاریخ ۲۲ اردیبهشت با رئیس‌جمهور ملاقات کردند. آنان سپس با حضور در مجلس شورای اسلامی و قرائت سوگندنامه مراسم اختتامیه را با حضور دکتر حداد عادل رئیس مجلس شورای اسلامی برگزار کردند.

فعالیت مرکز موسیقی انجمن کلیمیان گسترش می‌یابد

با توجه خاص هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران و تلاش فراوان کمیته جوانان، مرکز موسیقی انجمن کلیمیان تهران جان تازه‌ای یافت.

این مرکز که به همت پرویز گرامی بنیان نهاده شده، امروز با در اختیار داشتن استادان کار آزموده موسیقی نسلی از جوانان و نوجوانان عزیز کلیمی را وارد عرصه می‌تواند.

در این مرکز سبک‌های گوناگونی نظیر کلاسیک، فلامینگو، پاپ و سنتی یا سازهای دف، تنبک، سه تار، ارگ و پیانو، گیتار، ویلون و سنتور آموزش داده می‌شود.

همچنین گروه موسیقی سنتی انجمن کلیمیان در ۱۸ اسفند ۸۵ در تالار محبان و در حضور سفیران سیاسی کشورهای خارجی و نمایندگان خبرگزاری‌ها که برای بازدید از مراکز یهودیان ایران گرد آمده بودند، قطعات موسیقی اجرا کرد.

انتخابات انجمن کلیمیان شیراز برگزار شد

انتخابات انجمن کلیمیان شیراز در ۲۷ بهمن ۸۵ و با حضور ۹۰۰ نفر از همکیشان برگزار شد. این انتخابات که به تأیید بسیاری از مردم و مسئولین استان در نوع خود بی‌سابقه بوده با حضور نمایندگان فرمانداری شیراز به پایان رسید. اسامی اعضای اصلی هیئت مدیره به ترتیب تعداد آرا: ۱- جاوید خاندادش ۲- هوشنگ خاندادش ۳- منوچهر بامداد ۴- رحمت شالیه ۵- مهرشاد مهرابی ۶- پریسا بهمنش ۷- ایرج یگانه اسامی اعضای اصلی بازرسین به ترتیب تعداد آرا: ۱- شاهرخ عسگری ۲- رامین لیازاده



حضور دانشجویان دوره دکترای ادیان در کنیسیای ابریشمی

جمعی از دانشجویان دوره دکترای ادیان دانشکده تربیت مدرس قم در تاریخ ۱۰ خرداد ماه از کنیسیای ابریشمی بازدید کردند. این دیدار پیرو جلسات تدریس واحد یهودیت به دانشجویان این دانشکده توسط دکتر یونس حمای لاله‌زار برگزار شد. در این بازدید دانشجویان پس از مشاهده نماز صبحگاهی تفیلائی (شحریت) در جلسه پرسش و پاسخ به مطرح کردن سوالات خود پرداختند و دکتر یونس حمای لاله‌زار به سوالات آنان پاسخ داد. دانشجویان در پایان این دیدار از کتابخانه انجمن کلیمیان و کمیته فرهنگی نیز بازدید کردند.



بازدید دانشجویان ادیان و معارف از کنیسیای یوسف آباد تهران

گروهی از دانشجویان رشته ادیان و معارف دانشگاه الزهرا و دانشگاه آزاد به همراه برخی اساتید خود از کنیسیای یوسف آباد تهران بازدید کردند. این گروه ۷۰ نفره با شرکت در مراسم نماز صبحگاهی و شحریت، در این کنیسیا از نزدیک با نحوه نماز جماعت آشنا شدند. سپس دکتر یونس حمای لاله‌زار، کارشناس فرهنگی انجمن کلیمیان، به اختصار به معرفی دین یهود و اصول اعتقادی آن پرداخت و در پایان به پرسش‌های دانشجویان پاسخ داده شد.



مراسم روز جهانی حقوق بشر برگزار شد

کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران به مناسبت روز جهانی حقوق بشر برنامه‌ای مشترک در تهران و استان‌های دیگر با عنوان "حقوق انسانی و اجرای عدالت در سراسر جهان" برگزار کرد. در این مراسم که در ۲۰ آذر ۱۳۸۵ (دسامبر) برگزار شد نمایندگانی از جامعه کلیمیان حضور داشتند.



جشن حنوکا

به مناسبت جشن حنوکا، جشن روشنایی‌ها گروه

جوانان موسسه گفت و گوی ادیان برنامه ویژه برگزار کرد. این برنامه در اول دی ماه ۸۵ با سخنرانی آرش آبائی، کارشناس دین یهود، در زمینه تاریخچه جشن حنوکا در دین یهود و مراسم آیینی این جشن و همچنین تاریخ بیت المقدس اجرا شد.



روبرت خالدار معلم نمونه منطقه ۶

در مراسم معرفی معلمین نمونه منطقه ۶ تهران "روبرت خالدار" از مجتمع موسی بن عمران به عنوان معلم نمونه انتخاب شد. خالدار با داشتن مدرک کارشناسی در رشته کشاورزی، به تدریس درس دینی به کودکان و نوجوانان یهودی مشغول است.



پاسداشت ۲۶ سال خدمت



منوچهر طبری مستندساز و فیلم‌بردار یهودی پس از ۲۶ سال خدمت، روز پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ماه سال جاری با حضور مدیران سازمان صدا و سیما به همراه خانواده خود ۲۶ نهال سرو را به پاس فعالیت‌های صادقانه خود در مجموعه جام جم غرض نمود.



بزرگداشت جناب حاخام اوریل داویدی

مراسم بزرگداشت و سالگرد وفات رهبر مذهبی اسبق یهودیان ایران، حاخام اوریل داویدی در تاریخ یکشنبه ۸۵۸۲۱ در کنیسیای یوسف‌آباد تهران با حضور جمع کثیری از کلیمیان ایران و

همچنین هم‌وطنان مسلمان برگزار شد. در این مراسم هارون یشایایی رئیس انجمن کلیمیان تهران، آرش آبائی و یونس حمای لاله‌زار از کارشناسان مذهبی یهود و دیگر سرشناسان جامعه یهود درباره این شخصیت محبوب مذهبی سخنانی ایراد کردند.

حاخام اوریل داویدی در تاریخ ۲۴ دسامبر سال ۲۰۰۶ میلادی مطابق با ۲۲ سیوان سال ۵۷۶۶ عبری چشم از جهان فروبست و وی به استثنای ۱۱ سال اخیر تمام عمرش را در ایران سپری کرد. از نظر افراد جامعه او دارای شخصیتی منحصر به فرد بود و احترام خالصانه‌ای برای همه قائل می‌شد.



درگذشت دکتر یوسف جواهری پزشکی مردم دوست، حاذق و وفادار



یوسف جواهری تهرانی روز بیست و پنجم مرداد ماه ۱۳۲۵ در یک خانواده یهودی سنتی در شهرستان رشت متولد شد.

پدرش رفیع‌الله، یک یهودی مومن و معتقد بود که فرزند خود را در اوان کودکی به اصول و فرایض یهودیت آشنا ساخت و دعاها و نمازهای روزانه را به او آموخت. مادرش مریم از مهاجرین یهودی قفقاز بود که از چند نسل پیش در گیلان و در شهرستان انزلی زندگی می‌کرد.

یوسف تحصیلات ابتدایی خود را در رشت گذراند و ادامه تحصیلاتش را تا اخذ درجه دکتری و تخصص زنان در مدارس تهران و دانشگاه تهران گذراند و دانشنامه پزشکی و تخصصی خود را در سال ۱۳۵۳ از دانشکده پزشکی گرفت و در سال



جامعه کلیمیان کرمانشاه نیز در روز جمعه ۲۰ بهمن ۸۵ در مراسمی با حضور امام جمعه کرمانشاه، مهندس موریس معتمد نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی و آقای مازندرانی مدیر کل صدا و سیما استان کرمانشاه و اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران و کرمانشاه بیست و هشتمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی را گرامی داشتند. در این مراسم آیت‌الله زرنندی امام جمعه کرمانشاه طی سخنانی از مشارکت جامعه کلیمی ایران در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و سازندگی ایران قدردانی کرد. همچنین در این مراسم فریدون قهرمانی رئیس انجمن کلیمیان کرمانشاه به ایراد سخنرانی پرداخت.

سازمان بانوان و دوشیزگان یهود ایران
به مناسبت ایام مبارک دهه فجر سازمان بانوان یهود ایران در روز سه‌شنبه ۲۶ دی ۸۵ گردهمایی را در سالن اجتماعات یهودیان تالار محبان برگزار نمود. این مراسم با استقبال مدعوین و شرکت ۲۰۰ نفر از بانوان و دوشیزگان یهودی برگزار شد.

تور تفریحی - فرهنگی به اصفهان و شیراز

به همت کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران تور تفریحی و فرهنگی جوانان به اصفهان و شیراز، نوروز امسال برپا شد.



پس از هماهنگی و انتخاب محل اسکان در شیراز، دوشنبه ۶ فروردین ماه سفر به سمت اصفهان آغاز شد و این تور با بازدید از کنیسیا کترداوید میدان امام و سالن کسروت و همچنین خرید از بازار به بازدید خود از اصفهان پایان داد.

خاطره به یاد ماندنی برای این گروه خواندن تفیلائی شحریت در پارک شهرداری اصفهان

توسط کتابخانه مرکزی کلیمیان تهران شنبه ۳۰ دی ماه: نمایش فیلم توسط سازمان جوانان کلیمی شرق تهران
جمعه ۶ بهمن ماه: حضور در مرقد امام خمینی (ره) و مراسم نثار تاج گل
پنجشنبه ۱۲ بهمن ماه: حضور در مراسم آغاز جشن انقلاب در مرقد مطهر امام خمینی (ره)
پنجشنبه ۱۲ بهمن ماه: زنگ ورود امام به کشور و شروع مسابقات ورزشی در مدارس اختصاصی کلیمیان
شنبه ۱۴ بهمن ماه: مراسم نیایش و شکرگزاری در کنیسه‌های تهران و شهرستان‌ها
یکشنبه ۱۵ بهمن ماه: اجرا برنامه ویژه کودکان توسط مهد یلدا ۱ و ۲

دوشنبه ۱۶ بهمن ماه: شب شعر با مضامینی درخصوص سال‌های پیروزی انقلاب توسط انجمن فرهنگی، هنری کلیمیان تهران
روزهای پنجشنبه و شنبه ۱۹ و ۲۱ بهمن ماه: اجرای تئاتر توسط گروه هنری خانه جوانان یهود تهران

برنامه‌های ستاد دهه فجر جامعه کلیمیان شیراز:

جامعه کلیمیان شیراز نیز در برنامه مشترکی با دیگر ادیان الهی ایران در تاریخ ۱۵ بهمن ۸۵ به مناسبت گرامیداشت بیست و هشتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در تالار انجمن زرتشتیان شرکت کرد.

این برنامه با حضور و سخنرانی از روسای انجمن‌های زرتشتیان، کلیمیان و ارامنه و امام جمعه شیراز آیت‌الله حائری برگزار شد.

برنامه‌های ستاد دهه فجر جامعه کلیمیان اصفهان:

جامعه کلیمیان اصفهان با شرکت در برنامه مشترک ادیان الهی برای بزرگداشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۸ دی ماه ۸۵ در تالار دکتر فرشچیان با حضور رؤسای انجمن‌های زرتشتیان، کلیمیان و ارامنه و اجرای موسیقی توسط گروه کلیمی این پیروزی را پاس داشت. همچنین جامعه کلیمی اصفهان به همین مناسبت در کنیسه کتر داوید با اجرای تئاتر جشنی برپا داشت.

برنامه‌های ستاد دهه فجر جامعه کلیمیان کرمانشاه:

۱۳۴۹ با مهین گنجیان ازدواج کرد و نتیجه این ازدواج فرزند پسر او هومن جواهری است که اینک در مرگ پدر بزرگوار خود عزادار است.
دکتر یوسف جواهری خدمات پزشکی خود را بنابر تعهد خود انجام داد و عشق به خدمت در او چنان نهادینه شد که در دلسوزی و مهارت پزشکی زبانزد همگان بود. دوران خدمت و کار او در بیمارستان دکتر سپهر تقریباً تمامی عمر پزشکی او را شامل می‌شود. او علاوه بر انجام وظایف معمول پزشکی بیش از ده سال مسئول بخش زنان و زایمان بیمارستان دکتر سپهر بود و سه سال مسئولیت فنی بیمارستان را به عهده داشت و لحظه‌ای از همکاری با بیمارستان کوتاهی نکرد.

فعالیت شبانه‌روزی او در دو مطب یکی در شمال تهران و دیگری در جنوبی‌ترین نقطه تهران بود و مخصوصاً در مطب جنوب از اعتماد و اطمینان فراوان مردم برخوردار بود و شگفت این که هنگام بازگشت از مطب جنوب شهر خود، بی هیچ درد و آهی به هنگام رانندگی دچار عارضه قلبی شد و شامگاه شنبه ۱۱ آذرماه ۸۵ در حالی که اتومبیل خود را به کنار خیابان هدایت کرده بود در آرامش کامل دعوت حق را لبیک گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد. روحش شاد و نامش جاودان باد.

ستاد برگزاری مراسم دهه فجر

امسال نیز به روال سال‌های گذشته ستاد برگزاری مراسم دهه فجر با هماهنگی با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد.

امسال برای اولین بار به پیشنهاد مسئول ستاد دهه فجر امسال، فرهاد افرامیان، ستادهای جامع شهرستان‌های مختلف برای هر چه باشکوه‌تر برگزاری مراسم ایجاد شد.

برنامه‌های ستاد دهه فجر جامعه کلیمیان تهران:

سه‌شنبه ۲۶ دی ماه: جشن مخصوص بانوان توسط سازمان بانوان و دوشیزگان در تالار محبان

چهارشنبه ۲۷ دی ماه: کنسرت موسیقی سنتی

بود.

جوانان در شیراز در کنار برنامه‌هایی که انجمن کلیمیان شیراز برای آنها ترتیب داده بود از کنیسیای دلرجم، ارگ کریمخانی و دیگر مراکز تفریحی این شهر دیدن کردند.

این گروه ۸۰۰ نفره که از جوانان فعال در برنامه‌های اجتماعی جامعه کلیمی می‌باشند مراتب قدردانی خود را از مسئولین تور: فرید یاشار، شهرام پورستاره، بهادر میکائیل، کیارش دقیقی‌نیک و شهاب شهامی‌فر و عزیزانی که در شهر شیراز میزبان آنها بودند: مهرشاد مهرابی، انوش پرتیان، سامان شملطوب و دوستان میزبان در اصفهان: بیژن خاکشوی و موسی یعقوبیان ابراز کردند.



برگزاری انتخابات سازمان دانشجویان یهود تهران

مجمع عمومی سالیانه سازمان دانشجویان یهود در آخرین جمعه اسفند ماه ۸۵ برگزار شد. همزمان با مجمع عمومی، انتخابات سازمان دانشجویان نیز برگزار گردید. اسامی افرادی که حائز آرای بیشتری شدند به شرح ذیل می‌باشد:

هیئت مدیره: پویا دانیالی، اورلی یلداگار، آزاده بن ذکریایی، سامان یعقوب‌زاده و عسل رحمانی. اعضای علی‌البدل: سامان خاکشوی و شاهرخ شماشیان.

بازرس: سامان کاهن
بازرس علی‌البدل: دانیال ذریمائی
برنامه‌های سازمان دانشجویان یهود تهران:

۱- سخنرانی توسط سامان یعقوب‌زاده با موضوع تاریخچه و زندگینامه گاندی.

۲- بحث آزاد توسط رامین مسجدی عضو هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران تحت عنوان "چرا یهودی هستیم، چرا یهودی بمانیم".

۳- نمایشگاه نقاشی عسل و آیدا رحمانی به مدت یک هفته در اسفند ۸۵.

۴- نمایشنامه‌خوانی با موضوع یک غزل غمناک ۲۰ اردیبهشت ۸۶.

۵- کنسرت موسیقی راک گروه پروچسیتا ۳ خرداد ۸۶.

۶- سخنرانی نادر دانیالی با موضوع تاریخچه "آلیانس" ۱۰ خرداد ۸۶

همچنین جشن افتخار آفرینان سال ۸۵ ویژه

پذیرفته‌شدگان در آزمون سراسری دانشگاه‌ها روز چهارشنبه ۲۲ آذرماه در تالار اجتماعات کلیمیان تالار محبان) برگزار شد لازم به ذکر است که در کنکور امسال ۱۰۵ نفر از همکیشان موفق به قبولی در دانشگاه شده بودند.

رتبه‌های برتر امسال:

انوشیروان روزرخ نفر اول المپیاد نجوم مشغول به تحصیل در رشته برق دانشگاه صنعتی شریف)، مازیار ابراهیمی رتبه ۳ کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی در رشته برق و الکترونیک)، ملودی بدیعی رتبه ۳۶ کنکور سراسری تجربی مشغول به تحصیل در رشته پزشکی دانشگاه تهران)، پانته‌آ دیانیم رتبه ۲۱۷ کنکور سراسری ریاضی و مشغول به تحصیل در رشته مکانیک دانشگاه تهران)، عسل رحمانی رتبه ۷۵ کنکور سراسری هنر و مشغول به تحصیل در رشته صنایع دستی دانشگاه هنر تهران).



خبرهایی از سازمان دانشجویان یهود شیراز

۱- مدیریت هدفمند اولویت سازمان

در دور تازه فعالیت‌های سازمان، مسئولین در قالب طرحی منسجم تلاش خویش را بر مدیریت هوشمند و هدفمند سازمان قرار داده‌اند. در قالب این طرح، قبل از انجام هر فعالیتی می‌بایستی اهداف و میزان سودمندی آن برای سازمان و آینده طرح، کاملاً مشخص باشد.

از جمله فعالیت‌های صورت گرفته در این طرح، ساماندهی کتابخانه سازمان می‌باشد. تعمیر و بازسازی کتابخانه، فعال کردن بخش امانت‌سی دی و نوار، خرید کتب جدید و از جمله کارهای انجام شده در این زمینه است.

در بحث‌های هفتگی سازمان نیز سعی بر این است که موضوعات جذاب و جوان‌پسند ارائه شده و در ارائه و مدیریت بحث از استعدادها و توانایی‌های اکثر افراد شرکت‌کننده بهره گرفته شود.

لیست تعدادی از بحث‌های ارائه شده در چند ماه اخیر:

* فرقه‌های یهود (پیام لاله‌زاری)
* چرا باید به ایرانی بودن خود افتخار کنیم؟ (سالار پاک‌نهاد)

* عبید زاکانی (امیر مره‌صدق)

* Body Imaging (شروین شایسته‌خو)

* زن در یهود بحث آزاد با حضور (آقای کاشی)

* متافیزیک بحث آزاد با حضور (آقای بهمنش)

* نگاهی به فیلم اخراجی‌ها (پیام لاله‌زاری)

* دعوت از اعضای جدید هیئت مدیره انجمن و ارائه گزارش کار کمیته مشترک سازمان دانشجویان و خانه جوانان در راستای برگزاری انتخابات.

۲- سازمان دانشجویان و خانه جوانان یهود شیراز و تجربه یک فعالیت مشترک

در پی فعالیت‌های صورت گرفته جهت برگزاری انتخابات انجمن کلیمیان شیراز سازمان دانشجویان و خانه جوانان با تشکیل یک کمیته مشترک روند برگزاری انتخابات را هدایت نموده و تسریع کردند. این کمیته با انتشار بیش از ۱۴ بولتن، برگزاری سخنرانی در کنیساها و کلاس‌های دینی، نصب پلاکارد و توزیع تراکت‌های آموزشی، سعی نمود مردم را با مفاهیم اساسنامه انجمن آشنا نموده و ایشان را به شرکت در انتخابات و اعلام کاندیداتوری تشویق نماید.

کمیته مشترک سازمان دانشجویان و خانه جوانان در نخستین بولتن خود که با لوگوی "فردا برای ماست، با هم بسازیمش ..." در تاریخ ۲۶ آبان ماه ۱۳۸۵ منتشر شد، اهداف و دلایل تشکیل کمیته و فعالیت آن را معرفی کرد.

۳- جشن افتخار آفرینان شیراز
امسال نیز همانند هر سال جشن افتخار آفرینان در تاریخ چهارم آذرماه ۸۵ در محل کنیسیای باغ صفا در شیراز برگزار شد.

برترین‌های امسال شیراز:

عزیزالله باختری کارشناسی ارشد علوم دامی دانشگاه صنعتی اصفهان، نوید بهمنش کارشناسی ارشد مهندسی برق دانشگاه یزد، شانیت و یونا فرازمند کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی آزاد شیراز، پیمان کهن‌صدق کارشناسی ارشد مهندسی برق دانشگاه تربیت مدرس تهران، ندا کهن‌صیون کارشناسی ارشد مهندسی برق دانشگاه شیراز، امیر مره‌صدق کارشناسی ارشد مهندسی مواد دانشگاه شیراز، میلان زادفر پزشکی آزاد کازرون، سروش فرنوش مهندسی مکانیک دانشگاه شیراز.



فعالیت خانه جوانان

- فعالیت‌های خانه جوانان به شرح ذیل اعلام شد:
- ۱- مراسم دید و بازدید به مناسبت موعده سوکا ۱۸ مهر ۸۵
 - ۲- برنامه علمی و آشنایی با نرم‌افزارهای موبایل.
 - ۳- کنسرت موسیقی پاپ توسط گروه پاییز در تالار مجبان در ۱۳ آبان ۸۵.
 - ۴- تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز همکیش.
 - ۵- اجرای تئاتر (J۲) و استقبالی بی‌نظیر همکیشان از آن.
 - ۶- حضور در حرم مطهر امام خمینی (ره) به مناسبت دهه فجر ۱۶ بهمن ۸۵.

اخبار خانه جوانان یهود شیراز

در تاریخ ۸ فروردین ماه جشنی شاد ویژه جوانان توسط خانه جوانان یهود شیراز در محل سالن شالوم برگزار شد. حضور نزدیک به ۱۰۰ نفر از جوانان تهران و اصفهان در این برنامه باعث ایجاد ارتباط هر چه بیشتر میان جوانان جامعه یهودی شیراز با جوانان کلیمی سایر استان‌ها بود.

بحث‌های خانه جوانان یهود شیراز در سال ۱۳۸۶:

- * جوانان و ارتباط با جامعه اکثریت ۸۵۱۲، حنا داداشی
- * جن ۱۶۱۱۶، الناز ریسمانی
- * جوانان و جامعه ۸۶۱۲۳، اوری موسی‌زاده
- * رازهای شاد زیستن ۸۶۱۳۰، دیانا آئینا
- * ماشیح ۸۶۲۶، روبن پصلی
- * پیشینه سنت‌ها ۸۶۲۱۳، سالومه یسمه

فعالیت کانون کخاویم اصفهان بهار ۸۶

- برگزاری تور ایبانه و آبشار نیاسر - کاشان.
- اجرای نمایش طنز "من از زخم می‌ترسم" با نویسندگی و کارگردانی بیژن خاکشور.
- برگزاری جشن شاد به مناسبت شاوووعوت.
- تشکیل گروه موسیقی سنتی تی‌داوود.
- برگزاری نشست اختصاصی با مهندس موریس معتمد، نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی.
- انتخابات کانون جوانان یهود اصفهان برگزار شد.
- نتیجه انتخابات اعضای جایگزین کانون جوانان یهود اصفهان به شرح ذیل می‌باشد.
- مژده یروشالمی، لونا یومتوبیان و دیورا خاکشور.

فعالیت‌های کتابخانه مرکزی

- کتابخانه مرکزی انجمن کلیمیان تهران علاوه بر برنامه‌های مختلف همچون بازدید مدارس از کتابخانه و برگزاری جلسات نقد و بررسی کتب، برنامه‌های موسیقی کلاسیک و سنتی ایرانی را در محل کتابخانه برگزار کرد.
- فعالیت‌های انجام شده بدین شرح است:
- دوتوازی عود و دف به مناسبت سال مولانا جلال‌الدین بلخی در محل کتابخانه.
 - سخنرانی فرخنده حاجی‌زاده - سردبیر مجله پایا.
 - برگزاری کنسرت موسیقی سنتی در تالار مجبان ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ماه.

اخبار کانون فرهنگی - هنری

کانون فرهنگی - هنری - اجتماعی کلیمیان تهران به ریاست دکتر ابراهیم برال همواره جایگاه شعراء، موسیقیدانان، پزشکان و فرهیختگان بوده است و بدین منظور برنامه‌های هفتگی و ماهیانه خود را در قالب شب شعر و نشست‌های علمی، هنری و اجتماعی قرار داده است.

از دیگر برنامه‌های این کانون تشکیل بنیاد ازدواج کلیمیان است.

این بنیاد به منظور سهولت در انجام امر ازدواج به مسئولیت ابراهیم سعیدیان تشکیل شده است.

از اقدامات این بنیاد ایجاد ارتباط گسترده در بین خانواده‌های یهودی ایرانی است.

در جهت ترویج ارزش‌های سنتی یهودیان ایران در رابطه با ازدواج ۲ همایش نیز با شرکت گسترده جوانان یهودی ایرانی برگزار کرده است.

مراسم افتتاحیه خانه جوانان

مراسم افتتاحیه محل جدید خانه جوانان در ۱۰ خرداد ماه سال جاری با حضور نماینده جامعه کلیمیان در مجلس شورای اسلامی، هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران و نیز دیگر شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه کلیمی برگزار شد.

پس از افتتاح رسمی ساختمان توسط هارون یشایایی (رئیس سابق انجمن کلیمیان تهران) شرکت‌کنندگان در مراسم از قسمت‌های

ساختمان بازدید کردند.

بخش دیگر مراسم افتتاحیه با حضور در سالن اجتماعات و با قرائت، بخشی از تورات توسط سامان طبری برگزار شد.

سپس بهادر میکائیل عضو هیئت مدیره خانه جوانان یهود تهران گزارش خود را درخصوص چگونگی مراحل بازسازی ساختمان جدید و نقل و انتقال به حاضرین در سالن ارائه داد.

در ادامه مراسم هارون یشایایی، موریس معتمد، دکتر سیامک مره‌صدق رئیس انجمن کلیمیان تهران به ایراد سخنرانی پرداختند.

اجرا چند قطعه موسیقی توسط گروه موسیقی خانه جوانان پایان بخش مراسم بود.

ساختمان جدید خانه جوانان یهود تهران ملک اهدایی آقای آلبرت ریخانیان واقع در خیابان بزرگمهر می‌باشد که با حمایت‌های مادی و معنوی هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران بازسازی شده و به بهره‌برداری رسیده است.

اخبار و فعالیت‌های مجتمع آموزشی اتفاق در سال تحصیلی ۸۵-۸۶

- ۱- برگزاری مسابقات مختلف علمی - هنری - ورزشی.
- ۲- تشکیل کلاس‌های آموزش رایانه در مقاطع مختلف در طول سال تحصیلی.
- ۳- تشکیل کلاس آموزش خط و خطاطی در مقطع ابتدایی.
- ۴- تشکیل و برپایی نمایشگاه کتاب در چند نوبت.
- ۵- تشکیل نمایشگاه از دست سازه‌های دانش‌آموزان مقطع راهنمایی در سطح منطقه ۶ آموزش و پرورش و کسب رتبه و مقام دانش‌آموزان اتفاق در سطح منطقه.
- ۶- جشنواره و همایش تشویق دانش‌آموزان برتر و نمونه مجتمع اتفاق در ۹ اسفند ۸۵.
- ۷- تشکیل و برپایی نمایشگاه دست‌سازه‌های دانش‌آموزان با عنوان خلاقیت در سطح ابتدایی.
- ۸- کسب رتبه و مقام دانش‌آموزان مقاطع مختلف در مسابقات علمی - فرهنگی، هنری - ورزشی و پرسش مهر "آینا رحمانی، بهناز فرهنگیان، سارا یاشار، سارا ریخانیان، غزل فرهنگیان، ستاره درخشان و بهاره کدخدا در این

مسابقات حائز رتبه بودند.

۹- تشکیل و برپایی جشنواره هفت سین در هفته آخر اسفند با یاری دانش آموزان مقطع ابتدایی.

۱۰- جشن تقدیر از همکاران و دبیران در مجتمع آموزشی اتفاق در ۱۷ اردیبهشت ۸۶ با دعوت از جمعی از بزرگان و مهندس موریس معتمد و فرنگیس حصیدیم و اعضای انجمن اولیاء و مربیان حضور داشتند.

۱۱- برگزاری مراسم تشکر و قدردانی از زحمات آقای هارون یشایایی، اهداء تقدیرنامه از طرف مجتمع آموزشی اتفاق در ۹ اسفند ۸۵ با حضور جمعی از بزرگان اداره منطقه ۶ و جامعه کلمی ایران.

۱۲- همکاران نمونه و برتر در سال تحصیلی ۸۵-۸۶ در مجتمع آموزش اتفاق.

معلمین نمونه و برتر در سطح منطقه ۶ آموزش و پرورش طیبه گنجی، طوبی کریم پور فرد، ملیحه ناصری منش بودند.

برتر تلاش گر در مقطع متوسطه: لورانس هوشیار، اکرم خان میرزایی، مستانه پژوهش.

نمونه و برتر از نظر درصد قبولی و میانگین نمرات آزمون نهایی سال ۸۵: بهاره لویان، مستانه پژوهش.



اخبار و فعالیت های مجتمع آموزشی موسی بن عمران تا اردیبهشت ۸۶

* موفقیت دانش آموزان مجتمع آموزشی موسی بن عمران و قبولی صد در صد دانش آموزان پیش دناگاهی در مؤسسات عالی آموزشی کشور.

* قبولی صد در صد دانش آموزان سوم راهنمایی با میانگین معدل بالای ۱۸، خرداد ۸۵.

* برگزاری مراسم اهدای جوایز به دانش آموزان برگزیده علمی - اخلاقی و ورزشی، توسط روزه مختاری، مدیر آموزشگاه و لطفی، معاون آموزشگاه، این مراسم با حضور هارون یشایایی، مدیریت وقت انجمن کلمیان و سخنرانی ایشان برگزار شد.

* تقدیر و تشکر از آقایان: میر جهان بخش، دبیر ریاضی آموزشگاه و روبرت خالدار، دبیر دینی و مربی پرورشی آموزشگاه توسط اداره آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران.

* پذیرش دانش آموزان اقلیت مذهبی در سطح شهر تهران، با حداقل معدل ۱۸ و انضباط ۲۰، در مجتمع آموزشی موسی بن عمران.

اهمیت فعالیت های دبستان

موسی ابن عمران در سال تحصیلی ۸۵-۸۶

- ۱- اجرای طرح تشویق "بانگ تلاش" با ارائه کارت امتیاز جهت تبدیل به هدایا در غرقه جوایز مدرسه.
- ۲- برگزاری کارگاه و جلسات مشاوره جهت رفع نقاط ضعف فراگیران.
- ۳- برپایی جشن ها و مراسم گرامیداشت و مناسبت های ویژه جشن حنوکا، جشن ایلات و ...
- ۴- برگزاری اردوهای تفریحی، علمی، درسی کوتاه مدت.
- ۵- برگزاری مسابقات فرهنگی، ورزشی و مذهبی و مسابقات ویژه دهه فجر و اعزام دانش آموزان: رابین احدوت، آرش شایان فر و رایان کیکیان به مسابقات شطرنج منطقه در فدراسیون شطرنج.
- ۶- برگزاری مراسم جشن الفبا و فارغ التحصیلی برای دانش آموزان پایه اول و پنجم.

مراسم بزرگداشت روز معلم در دبستان موسی بن عمران

روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ساعت ۱۱ صبح مراسم بزرگداشت مقام معلم در سالن آموزشگاه با شرکت اعضا انجمن اولیاء مربیان و معلمان برگزار گردید. این مراسم با اجرا سرود جمهوری اسلامی ایران توسط گروه دانش آموزان و قرائت تورات آغاز گردید. سپس یکی از دانش آموزان با اجرا دکلمه روز معلم را گرامی داشت. در ادامه کامرانی مدیر و رابرت حمای مربی تربیتی دبستان از زحمات معلمان قدردانی کردند.

دیگر سخنران در این مراسم فرهاد افرامیان به نمایندگی از هیئت مدیره انجمن کلمیان بود. وی از زحمات کارکنان و معلمان آموزشگاه قدردانی کرد. در پایان هدایایی به رسم یادبود به کادر آموزشی اهدا گردید.

پیام تبریک انجمن کلمیان به مناسبت عید پسخ

عید پسخ یادآور مبارزات حضرت موسی با فرعونیان ستم گر و یادآور آزادی و آزادگی است و لزوم مبارزه همه موحدان جهان را بر علیه بی عدالتی، ظلم و الحاد خاطر نشان می کند.

پسخ می آموزد که برای خدایی شدن باید همچون حضرت موسی هم زمان با مبارزه با

فرعون و قارون و بلعم با نفس ستم گر مبارزه کرد و به پالایش نفس پرداخت.

کلمیان ایران با تبریک پسخ به تمام موحدان جهان تقارن عید پسخ را با آغاز سال نو ایرانی گرامی می دارند و با پیروی از دستورات حضرت موسی آمادگی خود را در سال اتحاد ملی برای دفاع از تمامی منافع ملی ایرانیان و پیروی از فرمایشات مقام معظم رهبری در حفظ اتحاد ملی و انسجام همه ایرانیان برای مبارزه با تمام فرعونیان زمان اعلام می کنند.

انجمن کلمیان تهران

قدردانی از رئیس جمهور

جناب آقای محمود احمدی نژاد اولین رئیس جمهوری است که عید پسخ عید آزادی یهودیان را به یهودیان تبریک گفت. دقت نظر و اظهار لطف ایشان نسبت به این عید مهم کلمیان موجبات سپاس و قدردانی جامعه کلمیان ایران شد.

هیئت مدیره انجمن کلمیان تهران پیام تشکری را به ایشان ارسال داشتند که متن آن بدین شرح است.

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران
جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد
اشاره انسان دوستانه شما به عید پسخ در کنفرانس خبری باعث دلگرمی ایرانیان کلمی شده است.
امید است با همکاری شما در سال اتحاد ملی گام های موثرتری در جهت وحدت تمامی ایرانیان و حفاظت از منافع ملی ایرانیان و اجرای رهنمودهای مقام معظم رهبری برداریم.
انجمن کلمیان تهران

تبریک و تشکر از وزیر کشور

هیئت مدیره انجمن کلمیان تهران طی نامه ای فرا رسیدن سال نو را متقابلاً به وزیر کشور تبریک گفته و از پیام تبریک ایشان تشکر کردند. متن نامه بدین شرح است:

وزیر محترم کشور

جناب آقای مصطفی پورمحمدی

با سلام،

پیام تبریک جنابعالی به مناسبت فرا رسیدن سال نو ایرانی عز و وصول بخشید، ایرانیان کلیمی سالی پر از امنیت، عزت، رفاه و آرامش را برای تمامی موجدان جهان به ویژه هموطنان ایرانی آرزو می‌کند.

امید است جامعه کلیمیان ایران در سال اتحاد ملی یا ثانی از رهنمودهای مقام معظم رهبری در جهت شکوفایی هر چه بیشتر فرهنگ ایرانی و تعالی حس همبستگی و انسجام در بین همه اقوام و ادیان ایرانی گام‌های موثرتری برداریم.

با تقدیم احترام

رئیس هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران

دکتر سیامک مره‌صدق



پیام اعتراض

انجمن کلیمیان به فیلم ۳۰۰

بار دیگر هجوم ضد انسانی فرهنگ ستیزان و غوغاسالاران بیگانه با تولید فیلم نژادپرستانه ۳۰۰ فرهنگ ایران را هدف گرفته است. انجمن کلیمیان تهران همگام با ملت شریف ایران این توهین به ملت بزرگ ایران و فرهنگ غنی ایران را محکوم

می‌کند و مجدداً خاطرنشان می‌کند که تمام توان خود را در جهت حمایت از فرهنگ ایران و ارزش‌های توحیدی حاکم بر آن به کار خواهد گرفت.

انجمن کلیمیان تهران

بیمارستان دکتر سپیر

در خدمت هموطنان

بیمارستان دکتر سپیر (کانون خیرخواه) هر روز قدم‌های تازه‌ای در راه خدمت به بیماران و مراجعه‌کنندگان بر می‌دارد.

جامعه کلیمیان ایران افتخار می‌کند که با تحمل زحمات فراوان و کمک‌های مادی و معنوی همکیشان خود توانسته‌اند این واحد بزرگ خیریه درمانی - بهداشتی را همچنان فعال و تمربخش برپا نگاه دارد.

هوالشافی

ریاست محترم بیمارستان دکتر سپیر

احتراماً، اینجانب امیر مسعود یگانه افشار که در تاریخ ۸۵۹۶ به علت عارضه قلبی در بخش CCU بیمارستان دکتر سپیر بستری بوده‌ام، لازم دانسته نسبت به موارد ذیل، قدردانی و سپاس خود را ابراز نمایم:

۱- تمیزی و نظافت بیمارستان که تقریباً در حد

قابل قبولی می‌باشد.

۲- امکانات بیمارستان، تا آنجایی که اینجانب در بخشی که بستری بودم ملاحظه نمودم، تقریباً کامل به نظر می‌رسد و علی‌رغم کوچک بودن بیمارستان بطور کامل مکفی می‌باشد.

۳- دیسپلین جاری که با رفتار دوستانه بر بیمارستان حاکم و جاری است بسیار جالب و عامل مهمی برای عدم احساس غربت و ترس بیمار از محیط بیمارستان می‌گردد.

۴- رسیدگی به بیماران بسیار عالی است و به مفهوم واقعی کلام، مراقبت‌های ویژه اعمال می‌گردد.

۵- در انتها سپاس فراوان خود را نثار کلیه همکاران می‌نمایم که با رفتار بسیار مناسب و دوستانه با صبر و حوصله فراوان اعم از پزشک و پرستار مشغول رسیدگی به بیماران بوده و با حسن اخلاق و روحیه شاد خود اگر چه اوست شفادهنده ولی نقش مهمی را در سرعت بخشیدن به شفای بیماران ایفا می‌نمایند.

در اینجا خواشمنم است که مدیریت بیمارستان، جهت تقویت و بالا بردن احساس و قدردانی هر چه بیشتر از همکاران، مراتب سپاس و تشکر اینجانب را به اطلاع کلیه کارکنان بیمارستان برسانند.

با تشکر و سپاس فراوان از مدیریت

و کلیه همکاران

مهد کودک "یلدا ۲"

مهدکودک و آمادگی یلدا ۲ نیز با ثبت‌نام بیش از ۵۰ نفر از کودکان و نوجوانان یهودی در سال تحصیلی جدید فعالیت‌های خود شامل برگزاری کلاس‌های آموزش زبان عبری، انگلیسی، ژیمناستیک، موسیقی و نمایش خلاق و اجرای واحدهای پرورش هوش و رشد فکری کاردستی و نقاشی، ادامه می‌دهد.

قدردانی

بدین‌وسیله از جناب آقای دکتر کهن‌صدق که قبول زحمت فرموده و دندان‌های بچه‌های مهد کودک یلدا ۲ را ویزیت نمودند کمال تشکر را داریم و موفقیت روزافزون ایشان را در کنار خانواده محترمشان از خداوند متعال مستثنت داریم.

مهدکودک و آمادگی یلدا ۲

کمک‌های مردمی

ستاد خیریه کوروش

ستاد خیریه کوروش با همکاری انجمن کلیمیان تهران و همکاری خانه جوانان یهود، امسال هم طبق روال سال‌های گذشته، کمک‌های مردمی را مابین ۳۰۰ خانوار کلیمیان تهران و بعضی از شهرستان‌ها جهت موعود "سح" سال عبری ۵۷۶۷ توزیع نمود. این مواد غذایی شامل: مصل، گوشت، مرغ، برنج، روغن، خرما، تخم‌مرغ بود.

مهد کردک "یلدا ۱"

مهدکودک و آمادگی یلدا ۱ تابستان ۸۵ از استقبال کم‌نظیر کودکان و نوجوانان یهودی برخوردار بود. کلاس‌های تابستانی شامل آموزش حرکات موزون، ژیمناستیک، سفالگری و گردش‌های دسته‌جمعی به‌طور متناوب و هفتگی برگزار گردید. همچنین این مرکز از مهر ۸۵ همچنان فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی خود را شامل برگزاری جلسات مشاوره و برگزاری جشن‌ها و مناسبات مذهبی ادامه می‌دهد.

معرفی دانش آموز موفق کلیمی

تینا فرهمند،

دانش آموز موفق کلیمی در مقطع اول دبیرستان از دبیرستان فرهیختگان نو موفق به کسب مقام برتر در مسابقات ربوکاپ شد. برای این دانش آموز عزیز آرزوی موفقیت روزافزون داریم.



قدردانی و سپاس

ما شاگردان کلاس چهارم دبستان موسی بن عمران، از معلم مهربان، خوب و بسیار پرتلاشمان خانم پروین مقدم تشکر می کنیم و قدردان زحماتشان هستیم. اولیادانش آموزان کلاس چهارم



علاقه مندان به آموزش موسیقی می توانند به نشانی این مرکز مراجعه کرده و ثبت نام نمایند.

آدرس: یوسف آباد (سیدجمال الدین اسدآبادی) خیابان سیزدهم، شماره ۹، طبقه دوم. تلفن تماس: ۸۸۷۱۰۸۰۷۴

همه ساله از آخرین ماه زمستان تا فرارسیدن عید پسخ بوی مصا در فضای سرای سالمندان یهودی به مشام می رسد که از تلاش و همکاری جمعی از همکیشان عزیز خبر می دهد. لذا از همه این عزیزان و به ویژه آقای آقاجان شادی که مسئولیت تهیه و پخت مصای کاش را برعهده داشته اند تشکر می نمایم.

هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران

مسابقه عکس

با دوربین دیجیتال، آنالوگ و موبایل در دو بخش حرفه ای و آماتور موضوعات: ۱. آزاد ۲. فرهنگ یهودیت جامعه یهودی ایران با شماره ۶۶۷۰۲۵۵۶ تماس بگیرید (کمیته جوانان انجمن کلیمیان تهران)

مطلبی که از شماره قبل تحت عنوان عمر جهان؟ تقدیم خوانندگان محترم شد برداشتی است درباره زمان به روایت تورات و تطبیق آن با درک و علم امروزی از زمان در مفهوم علمی - عملی و دینی آن، و اینک دنباله مطالب نویسنده مطلب خود تأکید می کند که موقعیت و مقام مفسر مذهبی یهود را ندارد و فقط دانسته های خود را مطرح می کند بی آن که آن را قطعی و نهایی بداند.

قانون نسبیّت اینشتین

دید یک دانشمند به دنیا، با نگاه کردن به زمان از حال به گذشته، این است که جهان ۱۵ بیلیون سال عمر دارد. اما دید کتاب مقدس از زمان چگونه است؟ شاید دید متفاوتی نسبت به زمان داشته باشد و باعث یک تفاوت بزرگ شود. آلبرت اینشتین به ما آموخته که کیهان شناسی بیگ بنگ تنها مکان و ماده را به هستی وارد نکرده بلکه زمان هم روی دیگر سکه بود. که وارد هستی شده است.





زمان دارای یک مقدار و بعد است. زمان تحت تأثیر دید شما نسبت به زمان است. درک شما از زمان بسته به این است که شما از کجا به آن نگاه کنید. یک دقیقه روی ماه سریع‌تر از یک دقیقه روی زمین می‌گذرد و یک دقیقه روی خورشید آهسته‌تر. زمان روی خورشید اصطلاحاً به نحوی کش می‌آید به طوری که اگر شما می‌توانستید یک ساعت را روی

آن قرار دهید ثانیه‌ها بسیار آهسته‌تر می‌گذشت. این یک تفاوت کوچک اما قابل اندازه‌گیری است، که اندازه‌گیری نیز شده است. اگر شما می‌توانستید یک پرتقال روی خورشید به عمل بیاورید، زمان بیشتری را برای رسیدن نسبت به زمین نیاز داشت چرا؟ زیرا زمان به شدت آهسته می‌گذرد. آیا شما در آن جا احساس خواهید کرد که زمان به شدت آهسته می‌گذرد؟ خیر زیرا بیولوژی شما قسمتی از این سیستم است اگر شما روی خورشید زندگی می‌کردید قلب شما هم کندتر می‌زد. هر جایی که شما هستید بیولوژی شما، همزمان و هنگام با وقت محلی است و یک دقیقه و یا یک ساعت مکانی که شما آنجا هستید دقیقاً یک دقیقه یا یک ساعت است.

اگر شما می‌توانستید از یک سیستم زمانی و مکانی به سیستم دیگری نگاه کنید، زمان را متفاوت احساس می‌کردید. زیرا بسته به عواملی همچون جاذبه و سرعت، شما از طریق متفاوتی زمان را درک خواهید کرد. گذر زمان از مکانی با شرایط ذکر شده به مکان دیگر متفاوت است و از همین جا قانون نسبیت نتیجه می‌شود.

در اینجا مثالی می‌زنیم. یک عصر که ما دور میز ناهار نشسته بودیم، دخترم سؤال کرد "چگونه می‌شود از لحاظ علمی باور کرد که دایناسورها با بیلون‌ها سال عمر وجود داشته‌اند در حالی که طبق نظر تورات مقدس عمر هستی چند هزار سال است؟" من به او گفتم سیاره‌ای را تصور کن که در آن، زمان آن قدر کش آمده که اگر ما دو سال روی زمین زندگی کنیم فقط سه دقیقه روی آن سیاره سپری شود. در ضمن، این مکان‌ها عملاً وجود دارند و مشاهده نیز شده‌اند. زندگی کردن با شرایط حاکم در آنها سخت است و تو نمی‌توانی به آن جا بروی. اما در یک تجربه ذهنی تو می‌توانی این کار را انجام دهی. ۲ سالی که روی زمین سپری می‌شود معادل سه دقیقه روی آن سیاره است. دخترم گفت: "چه عالی! لطفاً مرا به آن سیاره بفرستید در آنجا سه دقیقه سپری کنم و تکلیف‌های باندازه دوسال را می‌نویسم بعد به زمین برخواهم گشت و برای دو سال هیچ تکلیف دیگری نخواهم داشت."

کوشش جالبی است، فرض کنید هنگامی که او عازم این سفر می‌شود ۱۱ سال دارد و دوستان او هم ۱۱ سال. او سه دقیقه روی آن سیاره سپری می‌کند و سپس به خانه برمی‌گردد در صورتی که خود سفر زمانی را طلب نکند) هنگامی

که او برمی‌گردد چند ساله است؟ ۱۱ سال و سه دقیقه اما دوستان او ۱۳ ساله زیرا او سه دقیقه در آن سیاره زندگی کرده و ما روی زمین ۲ سال سن دوستان او از ۱۱ به ۱۳ سال می‌رسد در حالی که او ۱۱ سال و سه دقیقه دارد.

اگر هنگامی که روی آن سیاره است به زمین نگاه کند درک و مشاهده او از آن به گونه‌ای است که هر شخص با سرعت بسیار حرکت می‌کند زیرا در یک دقیقه او، صدها هزار دقیقه ما می‌گذرد، در حالی که اگر ما به او نگاه کنیم او بسیار به آهستگی حرکت می‌کند.

اما کدام یک صحیح است؟ دو سال یا سه دقیقه؟ جواب صحیح هر دوی آنهاست. هر دوی آنها در زمانی مشابه اتفاق می‌افتد. این یادگار البرت اینشتین است و به همین استدلال تقریباً در بیلیون‌ها مکان گیتی سناریوی مشابهی اتفاق می‌افتد. اگر شما یک ساعت روی آن مکان‌ها قرار دهید از نقطه نظر ما ساعت بسیار آهسته حرکت می‌کند. اگر ما می‌توانستیم مدت زمان طولانی باندازه ۱۵ بیلیون سال زندگی کنیم ساعت روی آن مکان دور دست، ۶ روز گذر زمان را نشان می‌داد.

گذر زمان و بیگ بنگ

اما این تعریف چگونه می‌تواند عبارات کتاب مقدس را توضیح دهد؟ زیرا در هر صورت تلمود، راشی و نحمانید طبق قبلا) همگی گفته‌اند که ۶ روز آفرینش، همان ۶ دوره زمانی منظم بیست و چهار ساعته بوده‌اند و نه بیشتر. اجازه دهید اندکی دقیق‌تر به قضیه نگاه کنیم منابع یهودی کلاسیک بیان می‌کنند که ما حقیقتاً نمی‌دانیم قبل از پیدایش، چه چیزی وجود داشته است. ما نمی‌توانیم بگوییم که تاریخ قبل از آفرینش جهان چگونه بوده است. میدراش در همین رابطه سؤالی را مطرح می‌کند: "چرا تورات مقدس با حرف پت (Bet) آغاز شده است؟" و خود جواب می‌دهد زیرا حرف پت از تمام جهات به غیر از طرف جلو بسته است حرف پت این گونه نوشته می‌شود «. از این رو ما نمی‌توانیم بفهمیم که قبلاً چه مواردی وجود داشته، فقط بعد از آفرینش برای ما مشخص است اولین حرف پت است نحمانید مطلب را گسترش می‌دهد. او می‌گوید هر چند روزها هر کدام ۲۴ ساعت بوده ولی آنها شامل کُل پموت هاعولام تمام طول عمر و رازهای جهان هستند.

نحمانید این گونه بیان می‌کند که قبل از آفرینش هیچ چیز وجود نداشته است. اما ناگهان کل خلقت به مانند یک ذره بسیار ریز ظاهر می‌شود. او برای این ذره اندازه‌ای هم می‌دهد: یک چیز خیلی کوچک شبیه به اندازه یک دانه خردل. او می‌گوید این، تنها خلقت فیزیکی بود. هیچ خلقت فیزیکی دیگری وجود نداشت و تمام آفرینش‌های دیگر معنوی بود. "نَفَش" (Nefesh، جان حیات حیوانی) و "نَشاما" (Neshama، "جان حیات انسانی)، آفریده‌های

معنوی بودند ولی فقط یک آفریده فیزیکی وجود داشت که آن هم همان ذره بود. در آن ذره تمام مواد خامی که برای ساخت موارد دیگر مورد استفاده قرار گرفته وجود داشته است. نحماتید ماده‌ای را به عنوان "ثقی مئود، این بو مماش" خیلی ریز که قابل حس شدن نیست توصیف می‌کند و گسترش این ذره که خیلی ریز است و هیچ ماهیتی ندارد به ماده‌ای که ما آن را می‌شناسیم تبدیل می‌شود.

نحماتید اضافه می‌کند و می‌نویسد: "می‌شیش، بیتفوس بو زمن" از لحظه‌ای که ماده از آن ذره اولیه مذکور شکل گرفت زمان نیز با آن همراه شد نه این که زمان شروع شد چرا که زمان از ابتدای آفرینش خلق شده بود. بلکه حالا همراه و درگیر شد، هنگامی که ماده از ذره اولیه غیرقابل حس، متمرکز و منعقد شد و شکل گرفت هم‌زمان، ساعت زمانی ۶ روزه آفرینش بر مبنای تورات شروع به حرکت کرد.

علم نشان داده است که تنها یک چیز غیرمادی می‌تواند به ماده تبدیل شود که آن هم انرژی است فرمول مشهور اینشتین $E=MC^2$ به ما می‌گوید که انرژی می‌تواند به ماده تبدیل شود و به محض این که به ماده تبدیل شد، زمان با آن همراه و درگیر می‌شود. نحماتید، عبارت شگفت‌انگیزی را متذکر می‌شود. من این را نمی‌دانم که آیا او قانون نسبیت را می‌دانسته یا نه اما ما اکنون آن را می‌دانیم.

ما می‌دانیم که انرژی- پرتوهای نور، امواج رادیویی، اشعه‌های گاما و X همگی با سرعت نور، یعنی ۳۰۰ میلیون متر بر ثانیه طی طریق می‌کنند. در سرعت نور، زمان نمی‌گذرد بلکه متوقف است. دنیا مَسن می‌شد ولی زمان فقط وقتی که ماده ایجاد شد با آن همراه گردید و سپری شد. قبل از این که ساعت برای کتاب مقدس شروع به زمان‌گیری کند تبدیل ذره غیرقابل حس به ماده در حدود ۱۰۰۰.۱۰۰۰ ثانیه طول کشید، زمانی بسیار کوتاه اما در آن موقع دنیا از یک نقطه کوچک به اندازه‌ای در حدود منظومه شمسی گسترش یافت. از آن لحظه ماده به وجود آمد و گذر زمان به سوی جلو و ساعت کتاب مقدس شروع شد.

نکته کلیدی این است که تورات به زمان به



صورت رو به جلو نگاه می‌کند، از یک مختصات مکان - زمان کاملاً متفاوت، وقتی که جهان هنوز کوچک بود. اما بعد از این جهان گسترش یافت. فضا گسترده شد و این گستردگی مکان، کاملاً درک و برداشت زمان را تغییر داد.

۱۵ بلیون سال یا ۶ روز؟

امروزه، ما به عقب و رو به گذشته نسبت به زمان نگاه می‌کنیم و متوجه ۱۵ بلیون سال می‌شویم. با نگاه کردن رو به جلو، زمانی که جهان خیلی کوچک بود، بلیون‌ها بار کوچک‌تر تورات ۶ روز را بیان می‌کند. هر دوی آن‌ها ممکن است صحیح باشد.

مطلب مهیج در علم کیهان‌شناسی در سال‌های اخیر این است که اکنون ما دیدگاه زمان از لحظه آفرینش رو به جلو را نسبت به دیدگاه زمان از حال



رو به عقب اندازه‌گیری کرده‌ایم. تمام کتاب‌های مرجع فیزیک، عدد یکسانی را ارائه کرده‌اند. نسبت کلی مابین زمان نزدیک به آفرینش هنگامی که ماده ثابت از نور انرژی، (پرتوهای الکترومغناطیسی آفرینش) شکل گرفت و زمان حال، یک میلیون است.

۶ میلیون میلیون روز، عدد بسیار جالبی است. این میزان چند سال می‌شود؟ اگر این عدد را به ۳۶۵ تقسیم کنید به ۱۶ بلیون سال خواهید رسید. یعنی همان تخمین عمر جهان، یک حدس بسیار عالی برای ۳۳۰۰ سال پیش.

حالا می‌توانیم یک مرحله جلو برویم. اجازه دهید به پیشرفت زمان روز به روز بر مبنای عامل گسترش جهان نگاه بیندازیم. هر وقت که دنیا ۲ برابر شود، تعبیر و درک از زمان نصف می‌شود. حال وقتی جهان کوچک است دو برابر شدن آن به سرعت انجام می‌شود اما با بزرگ شدن جهان، زمان دوبار برابر شدن نیز طولانی‌تر می‌شود. این نرخ انبساط در کتاب‌های مرجع که تقریباً در سرتاسر دنیا مورد استفاده هستند با نام اصول کیهان‌شناسی فیزیکی ذکر شده است.

بنابراین محاسبه به قرار زیر خواهد بود:

گفته می‌شود اولین روز تورات مقدس ۲۴ ساعت طول کشیده از چشم‌انداز "نگاه به زمان رو به جلو" اما از نقطه نظر ما برابر با ۸ بلیون سال است.

دومین روز از منظر تورات مقدس ۲۴ ساعت و از نقطه نظر ما، نصف روز قبل یعنی ۴ بلیون سال، سومین روز ۲۴ ساعته نیز نصف روز قبل زمان شامل می‌شود، یعنی ۲ بلیون سال.

چهارمین روز ۲۴ ساعته، ۱ بلیون سال.

۲۴ ساعت پنجم، نیم بلیون سال.

۲۴ ساعت ششم، ۱۴ بلیون سال.

اگر شما این شش روز را جمع بزنید برای عمر جهان به ۳۴ ۱۵ بلیون سال خواهد رسید.

توضیح:

آنچه در این مقاله گفته شد، نظر نویسنده مقاله "جرالد شرودر" در این زمینه بود. نشریه افق بینا از انعکاس نظر سایر صاحب‌نظران در این زمینه استقبال می‌کند.

چگونه اختلافات جزئی سبب دعوا و مشاجره می‌شوند؟

لیورا سعید



- آقا: راستش را بخواهی امشب خسته‌ام. امروز کلی دوندگی داشتم، تازه تمام کارهایی را که می‌خواستم انجام بدهم ترسیدم انجام بدهم. خواهش می‌کنم بگذار برای یک وقت دیگر.

- خانم: با عصبانیت و فریاد: چی؟ نمی‌توانی امشب بیایی؟ واقعاً که! متشکرم که آن قدر به من و زندگی‌ام اهمیت می‌دهی. خب من هم خسته‌ام. من هم از صبح کار کرده‌ام، اما هیچ وقت شده که شکایت کنم و نق بزنم؟

با توجه به اهمیت حفظ خانواده در فرهنگ یهودی در هر شماره مطلبی در این زمینه مطرح و با نظر مطلعین به اطلاع خوانندگان عزیز می‌رسد و اگر خوانندگان نیز مطلب و یا نظرانی داشته باشند با مسئولین صفحه خانواده در میان بگذارند تا بتوانیم نسبت به انتشار آنها اقدام نماییم.

- آقا: سلام

- خانم: سلام، خسته نباشی، الان آماده می‌شوم، یک دقیقه صبر کن از مدت‌ها قبل منتظر بودم که یک شب با هم برویم بیرون.

- آقا یا پوزخند: خیلی ممنون که تو به زندگیمان اهمیت می‌دهی! یک شب شد من بیایم خانه و ما بر سر مسایل کوچک و کم اهمیت بحث نکنیم و کارمان به دعا و جنجال نکشد؟

- خانم: چیزهای کوچک و کم اهمیت؟! آره راست می‌گی بیرون رفتن امشب ما بعد از مدتی ناچیز و کم اهمیت است. تو همیشه بی تفاوتی! همیشه خسته‌ای! همیشه عذر و بهانه‌های احمقانه می‌آوری تا یک شب خوش را که این همه برایش برنامه‌ریزی کرده‌ام خراب کنی.

- آقا: این تویی که همیشه متوقع هستی. از اول زندگیمان تا الان، وقتی همه چیز طبق خواسته‌ات پیش نمی‌رود، آشوب به پا می‌کنی.

- خانم: من یا تو؟ یادت رفته پارسال که مهمان داشتیم تو و مادرت....

این دعوها و بگومگوها برای همه ما آشنا است. چون ممکن است در روز یا در هفته برایمان اتفاق بیفتد. اما با کمی دقت در این جملات و عبارات آشنا، متوجه می‌شویم چیزی که در مورد آن بحث نمی‌شود، موضوع اصلی دعا است. گویی دو نفر منتظر کوچکترین خطایی از فرد مقابل هستند تا منفجر شده و هیجانات و احساسات منفی خود را بیرون بریزند و آرام شوند. این در حالی است که نه تنها بر سر موضوع اصلی، گفتگو و تبادل نظر نمی‌شود و به نتیجه‌ای نمی‌رسند بلکه مشاجره تبدیل به دعوای شدید شده و مسئله، حل و فصل نشده به حال خود رها می‌شود یا مسایل و کینه‌های جدیدی به وجود آمده و دوباره روز از نو روزی از نو.

چرا در مشاجرات به جای تمرکز و بحث بر سر موضوع اختلاف و دعا، مسایل گذشته را به میان می‌آوریم، مسایلی که به موقع خود حل نشده و به حال خود رها شده و یا با سکوت در ذهن ما سرکوب شده‌اند؟ به همین گونه مسایل کوچک و بزرگ مختلف حل نشده بر روی هم تلنبار می‌شوند اما روزی می‌رسد که ذهن دیگر جایی برای سرکوب احساسات بد و منفی ندارد، در اینجاست که به هنگام یک اختلاف جزئی و کوچک به هر بهانه‌ای، این هیجانات سرریز شده، تنش‌ها و درگیری‌های ذهنی خود را به

شکل داد و فریاد، نق نق کردن، درگیری لفظی یا رنجاندن همسر که هیچ تناسبی با موضوع و شدت دعا ندارد نشان می‌دهند. همچنان که در مثال بالا خواندید: این زوج ابتدا بر سر بیرون رفتن بحث می‌کردند اما در انتها به مشاجره بر سر والدین یکدیگر رسیدند.

برای جلوگیری از تلنبار شدن عواطف و احساسات بد و داشتن آرامش در زندگی توصیه می‌شود نسبت به اختلافات و مسایل پیش آمده بین خود هر چند کم اهمیت که موجب عصبانیت، ناراحتی، ترس و نگرانی ما شده هر چه زودتر و به موقع اقدام کنیم و بر سر آن به نتیجه‌ای برسیم. این کار دو فایده مهم دارد: اول این که همیشه عواطف و احساسات و هیجانات خود را می‌شناسیم و همسر خود را نیز در احساساتمان شریک می‌کنیم، همچنین باعث می‌شود در هنگام دعا و مشاجره بر سر یک موضوع، مسایل کهنه و قدیمی حل و فصل نشده نداشته باشیم که به خاطر آنها اختلافات جزئی را به جنگ و آشوب تبدیل کنیم.

با دقت و توجه بیشتر بر روی صحبت‌هایمان به هنگام مشاجرات لفظی، درک می‌کنیم که چرا در مقابل جملات فرد مقابل جبهه گرفته و به هیچ روی حاضر نیستیم در موضع خود تجدیدنظر کنیم. بی تفاوت، نق نق، بی شخصیت، ترسو، بی احساس، بی فکر و کلماتی مانند اینها، القابی است که در اکثر دعوها بین زوجها رد و بدل شده و به سوی هم پرتاب می‌کنند. به عبارت دیگر شخصیت یکدیگر را سرکوب می‌کنند. وقتی ما به جای توجه به رفتار و گفتار شخص به وجوه شخصیت او توهین می‌کنیم، این پیام را به او القا می‌کنیم که "تو خوب نیستی، تو ذاتاً بدی و من برای شخصیت تو هیچ احترامی قائل نیستم". طبیعی است که در این شرایط فرد مقابل جبهه گرفته و او نیز درصدد انتقام‌جویی برآید.

بنابراین می‌بینیم که به جای حل و فصل مشکل پیش آمده یا نشان دادن رنجش و عصبانیت خود از رفتار وی، او را از خود رنجانده و دورتر می‌سازیم و در آخر متحیر می‌مانیم که چرا او علاقه‌ای به رفع مشکل ندارد و در آینده نیز از رسیدگی به مشکلات و تعارضات سر باز

زده و طفره می‌رود.

به خاطر داشته باشید دعوها و بگومگوها بیشتر به این دلیل اتفاق می‌افتد که یا عشق و توجه کافی دریافت نمی‌کنیم و میان ما فاصله احساسی و عاطفی افتاده است، یا احساسات سرکوب شده قبلی لبریز شده و باعث می‌شود موقعیت و درگیری فعلی را بزرگ‌نمایی کند، به طوری که مشکل به صورت چیزی که به مراتب بزرگ‌تر است جلوه داده می‌شود.

- خانم: سلام یک ربع دیگر من آماده‌ام.
- آقا: از مدت‌ها پیش منتظر بودیم با هم بیرون برویم. درسته؟

- آره اما تو خیلی خوشحال و سرحال به نظر نمی‌آیی؟
- آقا: راستش را بخواهی خسته‌ام. امروز جلسه ۳ ساعت طول کشید تازه کاملاً هم تمام نشد و به کلی از کارهایم که می‌خواستم انجام بدهم نرسیدم.

- خانم: متأسفم، آره خیلی خسته به نظر می‌رسی. معلوم است روز کسل‌کننده‌ای داشته‌ای.

- آقا: راستش بیرون رفتن امروز برایم خیلی دلچسب نیست. می‌دانم که خیلی وقت است منتظر چنین موقعیتی بودی و کلی برایش برنامه‌ریزی کرده‌ای.

- خانم: آره خیلی منتظر امشب بودم اما می‌دانم چنین روزی را پشت سر گذاشتن چه احساسی به آدم می‌دهد. می‌توانیم خانه بمانیم و یک جور دیگر خوش باشیم.

- آقا: متشکرم از این که این قدر با من مهربان هستی. ممنونم پس امشب در خانه می‌مانیم و قرارمان باشد برای سه‌شنبه بعد، باشد؟

یادمان باشد هیچ ارتباطی یک شبه از هم نمی‌پاشد و هیچ عشقی به یکباره از میان نمی‌رود. هرگز اجازه ندهید مشکلات کوچک به بحران‌های بزرگ تبدیل شوند و بعد به آنها توجه کنید. به مجرد این که نشانه‌های تنش احساسی-عاطفی را در خود یا رابطه‌تان مشاهده کردید، هر چه سریع‌تر البته با کمک مهارت‌های ارتباطی که هر زن و مردی باید در ارتباطات خود آموخته باشد به کمک رابطه خود بشتابید.

مشاوره روانشناسی:

مریم حنا سبزه

دارد؟ و چون قصد داریم به عیادت او برویم از این نگرانم که به ما حمله ور شود، آیا این بیماران برای اطرافیان خطرناک‌اند؟

- اسکیزوفرنی از بیماری‌های روانی شایع است که حدود 21٪ از مردم جهان به آن مبتلا می‌شوند و خطر ابتلا در زنان و مردان به یک اندازه و در سنین ۱۵ تا ۳۰ سالگی این بیماری بیشتر گریبان‌گیر افراد می‌شود. در این اختلال سیستم مغزی دچار مشکل شده و احساسات، افکار و رفتار بیمار غیرعادی می‌شود، با این حال ممکن است سیر این بیماری چنان تدریجی و آهسته باشد که برای مدت‌های طولانی بدون تشخیص باقی بماند. گاهی نیز اسکیزوفرنی به صورت ناگهانی و با تغییرات شدید رفتاری طی چند هفته یا حتی چند روز به وجود می‌آید. علائم‌های آن شامل: توهم، هذیان، فکر آشفته، کناره‌گیری از جمع، افسردگی و نشانه‌های دیگری است که روان‌پزشک در معاینه بالینی تشخیص می‌دهد. تعدادی از شایع‌ترین عوامل هشداردهنده برای خانواده‌هایی که در آنها عضو اسکیزوفرنیک وجود دارد شامل موارد زیر می‌شود: گوشه‌گیری، سوختن، ترس، اجتناب از بیرون رفتن، خیره شدن، نامفهوم بودن صحبت، کاهش توجه به بهداشت، رفتار عجیب و غریب و پرداختن بی‌مورد و بیش از حد به موضوعات مذهبی.

مهم‌ترین اقدام در درمان این بیماری دارودرمانی و توان‌بخشی است. گاهی نیز بستری کوتاه‌مدت، در بیمارستان ضرورت می‌یابد معمولاً دارو اکثر علائم مثل پرخاشگری را تحت کنترل درمی‌آورد و در این خصوص جای نگرانی نیست.

* ۱۰ سال است که تنها پسر من در خارج از کشور زندگی می‌کند و به همراه زن و فرزندش هر سال در مناسبت‌های مختلف، تلفنی با ما صحبت می‌کنند. هیچوقت خودم را به خاطر رفتارهای زشت و نامناسبی که با عروسم داشتم نمی‌بخشم. من که مخالف ازدواج پسر من با یک دختر شهرستانی بودم، تلاش بسیاری کردم تا مانع وصلت آنها شوم که حتی یادآوری خاطراتش مرا رنج می‌دهد. اکنون هر چند آنها از تقصیرات من گذشته‌اند و هر بار به گرمی با من صحبت می‌کنند، به خاطر اعمال نادرست گذشته و کوتاهی‌هایی که در حقشان کردم افسوس می‌خورم و نمی‌توانم از

* من یک شکست خورده‌ام، در حالی که کنکور سراسری و آزاد مردود شدم که اکثر دوستان و پسرها و دخترهای خانواده در رشته‌های خوب آزمون امسال قبول شده‌اند. مثلاً دخترخاله‌ام در رشته مهندسی عمران، دختر عمویم در رشته نرم افزار کامپیوتر و دوستان مدرسه‌ام در رشته‌های شیمی، زبان، دندانپزشکی و ... قبول شده‌اند. اکنون احساس یاس، پوچی و درماندگی می‌کنم و آمیدی به آینده ندارم. لطفاً کمکم کنید.

- هر چند شکست می‌تواند منجر به بروز احساسات نامطلوب و ناخوشایندی شود ولی فرصت مناسبی است که به ما این امکان را می‌دهد تا تلاش‌های ناموفق خود را ارزیابی نموده و برای آینده برنامه‌ریزی کنیم: شاید شکست ما به دلیل تلاش‌های ناکافی است، ممکنست انتظارات غیرواقع‌بینانه‌ای از توانایی‌های خود داریم یا به عبارتی پیروزی در نبردی را خواهیم که خارج از توانایی ماست، شاید هم موفق نشدن ما مربوط به امور دیگری می‌شود که از کنترل ما خارج است مانند مسائل خانوادگی، اجتماعی یا فرهنگی یا حتی امور شخصی مانند بیماری، فشارهای روانی و ... بنابراین ارزیابی ما از دلیل شکست مهم است، چون در روحیه و اراده ما تأثیرگذار است: اینکه تسلیم شویم یا ادامه دهیم. شما نیز نسبت به توانایی و تلاشی که در راستای موفق شدن در کنکور نمودید بهتر است انتظارات واقع‌بینانه از خود داشته باشید و فراموش نکنید که هر چند شما در آزمون ورودی دانشگاه شکست خورده‌اید ولی یک "شکست‌خورده" نیستید. با توجه به متن نامه به نظر می‌رسد شما در حال تجربه یک دوره افسردگی هستید و معقول آن است که پیش از پرداختن به مشکل عدم قبولی در دانشگاه برای مقابله با این افسردگی و بهبود روحیه خود، با مراجعه به روان‌شناس، مورد روان‌درمانی قرار بگیرید تا قادر باشید در شرایط مطلوب روحی برای آینده خود تصمیم بگیرید. موفق باشید.

* یکی از بستگان ما دچار ناراحتی اعصاب و روان می‌باشد که بعد از مراجعه به روان‌پزشک مشکل او "اسکیزوفرنی" تشخیص داده شده است. می‌خواستم بدانم این بیماری چیست و چطور به وجود می‌آید؟ آیا درمانی

نادانی‌های خود گذشت کنیم. بگویید چه کنیم؟ آن زمان فکر می‌کردم که این اعمال هم به نفع پسر و هم حتی به نفع عروسم است. حاضرم هر طور شده گذشته را جبران کنم.

- اکثر ما می‌کوشیم تا در زندگی خود امور را به بهترین نحو انجام دهیم ولی واقعیت این است که ممکنست هر یک از ما در هر زمان یا هر موقعیت مهارت‌ها، توانایی‌ها یا آگاهی‌های محدودی داشته باشیم و مطابق با این فاکتورها عمل نموده یا روابط خود را با دیگران سازماندهی کنیم در نتیجه طبیعی است که ما اشتباه کنیم و در بعضی مواقع حتی اعمال نادرست بزرگی را مرتکب شویم. چنانکه از نامه شما برمی‌آید اکنون شما نیز به خاطر اشتباهات گذشته دچار احساس گناه شده‌اید ولی فراموش نکنید که: آنچه را که امروز می‌دانید در گذشته نمی‌دانستید و در آن زمان فقط آنچه را انجام داده‌اید که از آن آگاه بودید، در توانایی شما بود، و فکر می‌کردید بهترین و درست‌ترین کاری است که می‌توان انجام داد.

ممکنست در آن دوران شما حالت روانی خاصی مثل اضطراب، خشم یا افسردگی داشته‌اید و یا نگرش شما به زندگی و ارتباط با عروس‌تان یا نگرش فعلی‌تان متفاوت بوده. بنابراین سعی نمایید از این احساس گناه خود را رهایی بخشید، بدین منظور از خود بپرسید چقدر مجازید به خاطر آن چه نمی‌دانستید خود را محاکمه کنید؟ آیا در گذشته به خاطر این که داناتر از اکنون نبودید مقصرید؟

همچنین این احساس خود را با پسر و عروس خود در میان گذارده، به اشتباهات گذشته خود اعتراف کنید و از صمیم قلب و صادقانه از آنها بخواهید تا شما را بخشیده و جهت کاهش احساس گناه‌تان این بخشش را به زبان آورند. چنین اقدامی بسیار موثرتر از اقدامات جبرانی است و منجر به از بین رفتن احساس رنجش از خود شده و باعث می‌شود در روابط فعلی‌تان با آنها در عوض غمگینی و احساس گناه که هر دو هیجانات رنج‌آور و نامطلوبی هستند دارای احساس رضایتمندی شده از تماس با آنها لذت ببرید.

* خانم خانه‌داری هستم ۴۷ ساله، دیلمه و دارای ۴ فرزند که ترسی مبهم زندگی‌ام را تباه کرده است و مدام این نگرانی را دارم که به انبیاء و خدا ناسزا گفته و کفر بگویم. این افکار هر روز در ذهن من تکرار می‌شوند و با وجودی که سعی



می‌کنم از شر آنها که بسیار ناراحتم می‌کنند خلاص شوم توان مقاومت در برابر آنها را ندارم. اخیراً این فکر مزاحم مرا آزار می‌دهد که به خاطر وجود این افکار پلید من خدای نکرده به فرزندانم صدمه‌ای بخورد. باور کنید من زن معتقد و مومنی هستم و هر چه در چنته داشته‌ام برای مبارزه با ورود این فکرها در ذهنم انجام داده‌ام اما نتیجه‌ای نگرفتم. شما را به خدا کمک کنید، در هفته اخیر حتی در کنیسا و موقع خواندن تفیلا این افکار به سراغم آمده است.

- خانم عزیز هر چند بدون معاینه حضوری، تشخیص دادن مشکل‌تان کمی غیرمنطقی به نظر می‌آید ولی از توضیحات شما در نامه به نظر می‌رسد که دچار بیماری "وسواس" از نوع فکری شده‌اید. وسواس فکری یک نوع بیماری عصبی است که شامل افکار یا تصاویر ذهنی ناخواسته و مزاحمی است که می‌تواند محتوای گوناگونی داشته باشد مانند آلودگی، امور جنسی، نظم و ترتیب، رفتار زشت اجتماعی یا مذهب که در ذهن فرد تکرار می‌شود. مثلاً در باره آلودگی، فرد ممکنست دارای افکاری مربوط به آسیب دیدن بر اثر تماس با میکروب، خون، ادرار، سم و ... باشد و یا در وسواس نظم و ترتیب مشغولیت ذهنی فرد تأکید مصرانه بر، قرار دادن اشیا در جای خود، به نحو درست و به ترتیب یا الگوی خاص است همچنین در وسواس‌هایی مشابه مشکل شما یعنی "وسواس با محتوای مذهبی"، شخص ممکنست دارای افکار کفرآمیزی مانند اهانت به خدا و مذهب یا تردیدهای مذهبی مانند این که آیا نماز را درست خواندم، وضو انجام

دادم و ... شود.

وسواس از هر نوع که باشد نکته مهم این است که فرد احساس می‌کند این افکار مزاحم‌اند، از نظر او پذیرفتنی نیستند و با عقاید او مخالف هستند. بنابراین همچنان که خود شما نیز در نامه خود به آن اشاره نموده‌اید، با وجودی که معتقد به خدا و مذهب هستید، دارای افکار کفرآمیز می‌شوید، به عبارتی هر قدر یک اندیشه یا فکر مزاحم، از نظر شخص، زشت‌تر و ناپذیرفتنی‌تر باشد، وقوع آن فکر فرد وسواسی را بیشتر ناراحت می‌کند بنابراین فکر وسواسی با نگرانی و اضطراب، پیوند می‌خورد (شرطی می‌شود) و هنگام بروز و تکرار آن، ذهن، شخص را به شدت دچار نگرانی و ترس می‌کند، به علاوه این افکار ناراحت‌کننده بدون خواست و اراده شخص به ذهنش متبادر می‌شود و همان‌گونه که در مورد شما نیز صادق است، فرد توانایی مقاومت و جلوگیری از ورود این افکار به ذهن خود را ندارد.

خوشبختانه مشکلات وسواس فکری در برنامه‌های جدید درمان‌های روان‌شناختی به بهترین وجه درمان‌پذیر بوده و می‌تواند آرامش ذهنی فرد را بازگرداند پس پیشنهاد می‌شود، پیش از مزمن شدن مشکل و گسترده شدن آن در جنبه‌های مختلف زندگی‌تان هر چه سریع‌تر به روان‌شناس بالینی مراجعه فرمایید. همچنین با توجه به این که وسواس فکری شما با محتوای مذهبی است توصیه می‌گردد در صورت امکان برای حل این مشکل خاص از درمان گر همکیش خود کمک بگیرید.

۱ - باورهای نادرست که نمی‌توان با منطق آنها را تغییر داد. ۲ - ادراکات نادرست.

مرکز مشاوره به‌اندیشان به عنوان بخش

اختصاصی گروه به‌اندیشان

وابسته به انجمن کلیمیان تهران و تحت نظارت سازمان بانوان یهودی روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه پذیرای همکیشان یهودی است.

مشاوره‌های فردی و برنامه‌های آموزش گروهی توسط روان‌شناس بالینی، پذیرش با تعیین وقت قبلی نشانی: خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی خیابان سیزدهم - پلاک ۹

شماره تماس: ۸۸۷۸۰۷۴

معرفی کتاب

نوشته : آلن آنترمین

ترجمه : رضا قرزین

انتشارات : مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب

در معرفی این کتاب مخصوصاً از دیدگاه خواننده یهودی هیچ فصلی نیست که بتوان از آن یاد نکرد. نویسنده همان طور که در مقدمه کتاب آمده است یک متفکر و تحلیل گر بی تعصب یهودی است که باورها و آیین های یهودی را از جهات مختلف و نظرات گوناگون در هر مورد بررسی می کند و معمولاً قضاوتی نمی کند.

با تشکر و قدردانی از مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب و مترجم هوشمند و فاضل این کتاب. در این معرفی نامه فرازی از مقدمه کتاب و بخشی از یکی از فصول آن را برای آشنایی خوانندگان با اصل کتاب نقل می کنیم و دوستان را به خواندن این اثر مفید و ترجمه سلیس آن دعوت می نمایم.

ناشر در مقدمه می گوید:

"کتاب باورها و آیین های یهودی اثر دکتر آلن آنترمین، که خود یک یهودی سنتی و برخوردار از آموزش های سنت حاخامی است که در دانشگاه متجستر در درس ادیان تطبیقی تدریس می کند، وی خلاصه روشن و پرنکته ای از زندگی، اندیشه ها و آیین های یهودی به رشته تحریر می کشد. این سنگ بنا برای آشنایی هر چه واقعی تر با یهودیت سر رشته های متنوع و سودمند فراوانی در اختیار خواننده قرار خواهد داد.

و در بخشی از فصل عقاید دینی اصلی "یهود" و زیر عنوان "انسان و خدا" نویسنده می گوید:

گزارش کتاب مقدس از "آفرینش" در سفر پیدایش، باب های ۱ و ۲، از نظر یهودیت تعلیم دهنده این معناست که آدمی در میان همه مخلوقات اهمیت محوری دارد. تصویری کلیدی مانند آفریده شدن آدمی به صورت خدا (۱:۲۶ و ۲:۷)، فرمان به انسان برای پر کردن زمین، تسلط بر آن و فرمانروایی داشتن بر همه مخلوقات زمینی (۱:۲۸)، و این تصور که آدمی تافته ای جدا بافته از دیگر مخلوقات است و نمی تواند از میان آنان همدمی برگردد (۲:۲۰) در اندیشه یهود به ساختاری بسیار انسان محور می انجامد. انسان در اندیشه یهود آن چنان بزرگ دانسته



شده که در بندهایی از نوشته های تلمود از این معنا یاد می شود که آدمی، و بالاخص یهودی، از ملائک برتر است. و بدین ترتیب همچنان که از بیان میدراشی زیر که از گفت و گویی میان ملائکه و خدا حکایت می کند بر می آید، آدم، مثلاً، که نمونه نخست بشریت است هوشی بیشتر از ملائک دارد:

فرشتگان مأمور، در پیشگاه آن قدوس، که مبارک است، گفتند: سرور جهانیان! انسان چه اهمیتی دارد که باید به فکرش باشی؟ آدم از بیهوده ها است. او حتی نمی تواند امور مربوط به بدنش را اداره کند. وی به آنان پاسخ گفت: همان گونه که شما در عوالم بالا مرا ستایش می کنید، او نیز در جهان های پایین مرا به وحدانیت می خواند. تنها این نیست! آیا شما می توانید بیابید و تمامی مخلوقات را نام گذاری کنید؟ آنها آمدند یعنی (سمی کردند)، اما نتوانستند. آدم آمد و همه مخلوقات را نام گذاری کرد (پیدایش ۲:۲۰).

گرچه هم در نوشته های تلمودی و هم در میان متفکران یهودی قرون وسطی مثل ابراهیم ابن عزرا (۱۰۸۹-۱۱۶۴ و ابن میمون) آرای مخالفی نیز وجود دارند که شأن انسان را در نقطه مقابل فرشتگان دانسته اند، اما باید دانست که وجود این دیدگاه انسان محورانه غلیظ نشان دهنده ارزشی است که در دین یهود به انسان داده اند. آدمی آزاد

است تا آن چنان که می خواهد عمل کند. او مسئولیت اعمالش را به دوش می کشد، و قابلیت دریافت تعالیم الهی از طریق وحی را دارد.

سعدیا گائون، دانشمند و فیلسوف قرن دهم، این گرایش فکری در یهودیت را چنین خلاصه می کند:

اگر چه می بینیم که مخلوقات زیادی وجود دارند، با این حال نباید در این مسئله که کدام یک از آنان برتر از دیگر خلایق است حیران باشیم. وقتی با استفاده از اندیشه ساده و فطری خود تحقیق کنیم در خواهیم یافت که انسان برترین موجود است.

[سپس یک رشته استدلالات از عقل و کتاب به دنبال می آیند تا ثابت کنند انسان هدف خلقت است].

... اگر احياناً کسی فکر می کند که این ویژگی های برتر به چیزی غیر از انسان داده شده است، بیاید این خصایص را، و یا حتی بخشی از آنها را، در مخلوق دیگر به ما نشان دهد. چنین چیزی یافت نخواهد شد.

بنابراین، مسلم است که باید امر و نهی و پاداش و سزا متوجه آدمی باشد، زیرا او قطب عالم و هدف خلقت است. ... زیرا خدای حکیم انسان را بدین جهت با این ویژگی های برتر آفریده است که آدمی بتواند امر و نهی او را پذیرا گردد.

بدین ترتیب این تصور که انسان از شائی برتر، همچون محور عالم، برخوردار است به مسئولیت ها و وظایف او نسبت به خدا و جهان خلقت وابسته است. در تلمود، ربی ها درباره انسان شرور چنین نظر داده اند: او زندگی بی روحی دارد و قابلیت هایش در قالب انسانی که هدف خلقت است تحقق نخواهد یافت. زوهر، مهم ترین متن عرفانی یهود، این تصویر را به شکل زیباتری در آورده، اظهار می دارد: تسلط انسان بر عالم حیوانات، و خدمت گذاری مخلوقات پست تر برای او بر این اساس قرار دارد که انسان ویژگی های روحی برتر خویش را نشان دهد. وقتی آدم زندگی عادلانه ای در پیش نگیرد حیوانات نمی توانند صورت والا تر انسان، یعنی روحش را درک کنند، در نتیجه هیبتی را که از آدمی داشتند از دست می دهند.

۱ - افزوده از نویسنده است.



شعر ذیل را ابراهیم سعیدیان شاعر یهودی در رثای مرحوم "حاکم اوریل داویدی" سروده است:

عالم ربانی آن مرد حکیم
ا مت نستوه موسی کلیم
صادق و صدیق و غم خوار و زعیم
در ره یزدان در دادار کریم
حافظ تورات و تلمود و زبور
چلچراغی در دل شب هم چو نور
کار او ترویج احکام خدا
حشمت و قر و جلال کبریا
فاضل و فرزانه و استاد بود
او حلیم و مقتدا و داد بود
عارف توحیدی قوم خدا
در نماز و طاعت و ذکر و دعا
سالک اسرار پنهان و نهان
در زمین و آسمان و کهکشان
اورئیل هم چون شبان کوه و دشت
محنت امت به قلبش می نشست
غصه درماندگان بی گناه
با یتیمان ضعیف بی پناه
تیر غم گشت و به قلبش می خلید
یک دم او آرامش و راحت ندید
پس دردم بر روان پاک او
مشک و عنبر بر مزار و خاک او
آریا دستش به سوی آسمان
چونکه گشته اورئیل جنت مکان

ثانیه های بی تو

مرا به آتش می کشد ثانیه های بی تو
مرا به آب می زند، ثانیه های بی تو
چه کرده ام چه گفته ام که بی تو مانده ام هنوز
مرا تباه می کند، ثانیه های بی تو
ستاره ها شمرده ام به ماه خود سپرده ام.
همدم آه می شوم، ثانیه های بی تو
گیاه زنده دل منه، نیلوفر نیلوفر
مرا گیاه می کند، ثانیه های بی تو
خزان شاعران بگو، گواه گل شنیده ای؟
مرا گواه می کند، ثانیه های بی تو

آ. پرویز نی داود



استقبال از دیوان امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب اسلامی

"ما را رها کنید در این رنج بی حساب
با قلب پاره پاره و با سینه ای کیاب"
با ارتحال یار دلم می شود کیاب
فقدان دوست شد، سبب رنج بی حساب
مانم سراسر از غم فقدان او جهان
سیل سرشک بر رخ افتاده چون گلاب
فرموده است رهبر والای انقلاب
خواهی گذر کنی ز خدام و زهر سراب؟
با وحدت کلام به خدا می توان رسید
فرمایش امام به ما از طلای ناب
در سال روز رحلت جانکاه آن همام
سوی حرم روند مریدانش با شتاب
در سوگ جانگداز امام، آریا سرود
روح خدا، گذشت ز خورشید و ماهتاب

ابراهیم سعیدیان "آریا"



א) התנועות הגדולות הן: - (קמץ גדול) כמו אב. - (צירה) כמו אם. - (חיריק גדול) כמו איש. - یا ו (חולם) כמו דוד. - (שו"ק) כמו גוף.

۱= حرکات بزرگ عبارتند از: آ مثل آو (پدر)، ا مثل ام (مادر)، ای مثل ایش (مرد)، ا مثل دد (عمو یا دایی)، او مثل گوف (بدن، جسم).

ב) התנועות הקטנות הן: - (פתח) כמו גן. - (סגול) כמו בגד. - (חיריק קטן) כמו אשה. - (קמץ קטן) כמו אזני. - (קבוץ) כמו דכים.

۲= حرکات کوچک عبارتند از: ا مثل گن (باغ)، ا مثل یگد (لباس)، ای کوچک مثل ایشا (زن)، آ کوچک مثل ازنی (گوش من)، او (قوبوص) مثل دو"یم (خرسها).

הקדוק = دستور زبان

הא הידיעה = های معرفه (حرف تعریف)

برای معرفه کردن اسمی یا کلمه‌ای 'ה' הידיעה (حرف تعریف) در اول آن می‌نویسیم و در داخل حرف بعد از آن بجز حروف حلقی (א,ה,ח,ע) و حرف ר, ק,ש (نقطه در درون حرف) می‌گذاریم.

۱- معمولاً حرکت ה معرفه פתח (א) می‌باشد مثل: ספר = کتاب (نا مشخص) הספר = آن کتاب (مشخص). מלך = پادشاه המלך = آن پادشاه. נר = شمع הנר آن شمع. קדר = اطای הקדר آن اطای.

۲- چنانچه کلمه‌ای یا اسمی با حروف ה, ה, ה, פ شروع شده باشد به جای حرکت ה حرکت ו نوشته میشود و در این حروف نقطه (نشدید) لازم ندارد مثل: הרים = کوه‌ها ההרים = آن کوه‌ها. חכם = دانشمند (عاقل) החכם = آن دانشمند. עשיר = ثروتمند העשיר = آن ثروتمند.

۳- چنانچه کلمه‌ای یا اسمی یک سیلابی باشد که با حروف ה, ה, ה, פ شروع شده باشد بجای حرکت ה حرکت ו نوشته میشود مثل: הר = کوه ההר = آن کوه. חם = پدر شوهر یا پدر زن החם = آن پدر شوهر یا پدر زن. עם = ملت העם = آن ملت.

۴- قبل از حروف א, ע, ר های معرفه (ה) با حرکت קמץ (ה) شروع میشود مثل: איש = مرد האיש = آن مرد. עיר = شهر העיר = آن شهر. ראש = سر הראש = آن سر.

پس بطور کلی حرکات ה הידיעה (های معرفه) با شرائط فوق פתח (ה), קמץ (ה) و סגול (ה) می‌باشند.

משלים מתנ"ך ומדברי חכמים

چند مثال از تن"ך (کتاب مقدس یهود) و گفتار دانشمندان در زمینه حرف تعریف (ה' הידיעה)

(1) "בראשית ברא אלקים את השמים ואת הארץ". (בראשית א/א)

۱= خد-اوند در ابتدا آسمان و زمین را آفرید. (کتاب پیدایش ۱-۱)

(2) "וַיִּבְרָא אֱלֹהִים אֶת הָאָדָם בְּצַלְמוֹ כִּי טוֹב". (בראשית א/ד)

۲= خد-اوند روشنائی را دید که خوب است. (کتاب پیدایش ۲-۴)

(3) "אִשָּׁא עֵינַי אֶל הַהָרִים מֵאֵין יֵבֵא עֲזָרִי: עֲזָרִי מֵעַם ה'". (תהלים קכ"א/א)

۳= چشمانم را بسوی کوه‌ها بلند می‌کنم (می‌دوزم) که از کجا به من کمک می‌رسد: کمک من از جانب خد-ا است. (مزامیر داوود ۶-۱۲۱)

(4) "כִּירוֹן הַגִּבֹר אֲשֶׁר יִבְטַח בּוֹ" וְהָיָה ה' מִבְטָחוֹ" (יחזקיהו י"ז)

۴= متبارک باشد آن شخصی که (مردی که) امیدش به خد-ا است و توکلش با خد-ا است. (کتاب ارمیا، ۷-۱۷)

(5) "אֲשֶׁרִי הָעַם שֶׁבְּכַה לֹו". אֲשֶׁרִי הָעַם שֶׁה' אֱלֹהֵיוֹ". (תהלים קמד/ט)

۵= خوشا به حال آن قومی که چنین سرنوشتی دارد. خوشا به حال آن ملتی که خد-اوند خد-ای اوست. (مزامیر داوود ۱۵-۱۲۴)

- (6) האורחים אומרים: "הרחמן הוא יכרך את החתן והפלה בבנים טובים לעבודתו יתברך". (תקמים)
 ۶= مهمانها میگویند: خدای رحمن این عروس و داماد را با فرزندان نیک در راه عبادت خدا-لوند برکت دهد. (دانشندان یهود)
 (7) "הרחמן הוא יחיינו ויזכנו ויקרבנו לימות המשיח ולבנין בית המקדש ואמרו אמן". (תקמים)
 ۷= خدای رحمن، ما را زنده و کامیاب (موفق) بدارد و به ایام مانیح (منجی موعود) و آبادی خانه مقدس (قدس شریف) نزدیک گرداند. و بگوید آمین. (دانشندان یهود)
 (8) תקמים: "לא המדרש עקר אלא המעשה".
 ۸= دانشمندان یهود: به عمل کار برآید به سخنرانی نیست. (اصل موعظه نیست بلکه عمل است)
 (9) רבנים: "המלבין פני חברו קאלו הקגו".
 ۹= علمای طراز اول یهود: کسی که دوستش را خجالت می دهد (صورتش را سفید می کند) مثل اینکه او را کشته است.
 (10) "הצור תמים פעלו..... צדיק וישר הוא". (תקרים לב'ר)
 ۱۰= آن پروردگاری که کارش بی عیب است عادل و درستکار (شایسته) است. (تنه ۴-۳۲)

פרוש המלים معنی لغات

ראשית	רשית	ابتدا - نویر	אורח	ארח	همان - رهگذر
כרא	بارا	آفرید	הרחמן	הارحمان	خدای رحمن و رحیم
וירא	ویر	دید	ויזכנו	وی زکنو	موفق بدارد ما را
اور	آر	روشنایی	ויקרבנו	وی قارونو	نزدیک گرداند ما را
אשא	استا	بلند می کنم	בנין	بینیان	آبادی - ساختمان
עזר	عزر	کمک - اعانات	מדרש	میدراش	تفسیر آزاد - پژوهش
נקר	گود	مرد - خروس	עקר	عقار	اصل - ریشه
מבטא	میوطا	توکل - اعتماد	המלבין	هملبین	کسیکه خجالت می دهد
אשרי	اشر	خوشا (بحال)	צור	صور	پروردگار - صخره پناه
עם	عام	قوم - ملت - مردم	תמים	تامیم	کامل - بی عیب - پاکدل
ידיעה	یدعیا	معرفه - آگاهی	ישר	یاشار	شایسته - درستکار

حروف کتابی و دستخطی:

حروف کتابی	א	ב	ב	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	ך	ל
حروف دستخطی	א	ב	ב	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	ך	ל

حروف کتابی	מ	ם	נ	ן	ס	ע	פ	פ	ף	צ	ץ	ק	ר	ש	ת
حروف دستخطی	M	ם	N	ן	ס	ע	פ	פ	ף	צ	ץ	ק	ר	ש	ת

مثال:

דאָרע אַזאָף יקצר און =



קצור

מאמר העורך:

אנו מודים להשם יתברך שעזר לנו לשרת את עמיתינו האזרחים היהודים אוהבי התרבות ומחפשי האמת.

מגזין זה הוא תוצר תרבותי, לא עבורנו אלא עבור האמת. למעשה הוא עבור כל היהודים האיראניים.

מגזין זה הולך בדרכם של המלומדים, שהיו חלק מן המפרסמים הראשונים של עיתון במאה האחרונה של ההיסטוריה האיראנית.

אלה שהיו ידועים בשל דינאמיות וסולידאריות במדינה זו בזכות פרסום שבועונים כמו "שלוש", "העולם היהודי", "ישראל", "סינא", "בני אדם", "ניסן" ו"תמוז".

העיתון "אפק בינה" מתמקד בזהות היהודית-איראנית יחד עם ניסיונות להביע אמונות דתיות ביהדות.

כעת, כשאנו מחויבים לתפקיד זה, ננסה להציג את העקרונות האידיאולוגיים והדתיים של היהדות בעיתון זה. בנוסף, ננסה להציג כמה היבטים של הציוויליזציה והתרבות האיראנית, כך שנוכל להציע תוצר תרבותי, המשקף את המוניטין האמיתי של הקהיליה היהודית שלנו. הפרדיגמה שלנו היא לשמר את התרבות והזהות היהודית שלנו בכל כוחנו.

פרהאד אפראמיאן

מאמר ראשי:

מזה כשלושת אלף השנה אנו חיים באיראן וקיבלנו על עצמנו את התרבות ואת ערכי המוסר האיראניים. נכחנו ברגעים שמחים ועצובים של ארץ זו בהנאה ועשינו מאמץ להשביח מדינה זו.

במשך שנים מספר אנשים ניסו לסלול דרך לניהול טוב יותר של קהילה זו. הדבר הפך למסורת מאז הישיבה והראש-גלותא והמשיך לחברה. היום הקהילה היהודית של טהראן נטלה על עצמה חלק מחובות אלה.

הקהילה היהודית זקוקה לעזרתכם. היא זקוקה למשוב שלכם על הפעילויות שהיא מבצעת. בייחוד כעת כשהזהות המרכזית היא האחראית לבעיות בחברה. כעת אנו זקוקים לכם להעברת ניסיונכם מן העבר.

ואלו הם שמות מנהלי הועד המנהל של הקהילה:

ד"ר סיאמן מרה צדק - ד"ר רחמת אללה רפיע

אסכנדר מיטאאיל - פיץ אללה סאנת-כו

פרהאד אפראמיאן - פרנגיס חצידים

אקאג'אן שאדי - יצחק כהן צדק

פריד ישר - ראמין מסג'די - מנוצ'הר טברי

נג'את אללה כד-כורה

מנוצ'הר עזמראני - מוסא ת'אני - מוסא רפואה

הקהילה היהודית; מארח

המזמנים הנכריים

שגרירים ושליחים דיפלומטיים זרים באיראן ביקרו במוסדות ובמרכזים דתיים, תרבותיים וחברתיים של הקהילה היהודית בטהראן.

תכנית הביקור, שהוצעה ע"י משרד החוץ האיראני והקהילה היהודית של טהראן, כוונה להציג את השירותים, היכולות ותנאי החיים של הקהילה היהודית באיראן.

ב 9 מרס השליחים הדיפלומטיים ומספר פקידים של משרד החוץ האיראני התאספו במרכז הועידות של טהראן. לאחר שזכו לקבלת פנים חמה, החלו בסיוורם בן היום האחד.

במהלך סיוורם ביקרו האורחים בבתי-ספר מיוחדים עבור ילדים יהודים, בבית-ההבראה, בבית-החולים דוקטור ספיר, בספרייה המרכזית של הקהילה היהודית ובבנין הקהילה היהודית.

בסוף הסיוור הם השתתפו בטקס קבלת שבת בבית הכנסת יוסף אבאד.



strengths usually seem more than its weaknesses and the enemy's threats seem more than the opportunities that they themselves have lost and that's why in the Jews' history, the enemy's villainy is more to be observed than the leader's weakness in describing, explaining and clarifying the calamities, crimes and disasters. As it was discussed, the lack of the power of pathology and internal criticism is the largest crisis threatening the Jews Community.

Looking at the capital, time and energy which have been lost because of mismanagement in these societies and also at the lives exhausted and the bloods ruined, we will not hesitate to deal with this issue.

One of the most institutionalized weaknesses of the Jewish Communities is their chronic weakness in understanding and introducing the concept of minority.

In the meantime, as the pioneers of monotheism in the world and according to Dr. Habib Levi's saying; "the pioneers of monotheism and morals" the Jewish ethnic has been an inseparable part of Iran's great people, and continue their dynamic and evolutionary life along other Iranian peoples in peace, brotherhood and parity. But, the emergence of this unique civilization, out of coexistence of several races, tens of religions and hundreds of tribes and languages roots in a kind of self-knowledge based on a high understanding of the concept of minority.

The powerful structure of the Iranian culture and civilization has been created on the basis of organic relations of its components and organs (i.e. the minorities and the Iranian identity is basically nothing but the coalescence of minority groups and no group may distort being an Iranian national and define being an Iranian free of its constituting instances.

Understanding such principle, is considered as one of the initial requirements in training the leaders of the next generation and the next generation of the leaders of Jewish communities. However, the statements and behaviors of most of minority leaders have been passively limited to insisting and emphasizing the minorities' rights to be recognized by the political governors, as well as proving various forms of accompaniment and consistency of this community with macro policies of the Islamic Republic in order to preserve the Jews' situation and receive advantages from the governing system. This is while, these leaders could establish the Iranian status of the Jews, as the first-class citizens, equal to other countrymen, and maintain all civil and citizenship rights and more important establish a double social credit by setting forth and establishing such institutionalized status and clarify its philosophy.

Now you, as our readers, are to judge about to what extent the managers and leaders of Iran's Jewish Community have succeeded in obtaining such status for their coreligionists and principles.

Another example of the heavy responsibilities of the leaders and representatives of the Jewish community is found in the defective cycle of Anti-Semitism-Zionism, in which any irrationality in presenting the opinions and the actions and reactions related thereto, whether from the Jews or from other communities and groups can incur irreparable expenses on the human society.

However, the writer had once warned about the analysis of this defective cycle in an article titled "A Review of Criticism and Pathology of Jewish-heathen concept."

Iran's Jewish Community

Welcoming the Foreign Diplomats

Ambassadors and diplomats of foreign countries visited religious, cultural and social centers and monuments of the Jews.

Following the suggestion made by the Ministry of Foreign Affairs and with the endeavor of Tehran Jews Committee, this program

was carried out to introduce the facilities, capacities and living conditions of the Jews in Iran.

The ambassadors of the foreign countries and some of the managers and members of the Islamic Republic of Iran's Ministry of Foreign Affairs, gathered in Khorasaniha Community Hall and started their one-day visit. They were welcomed by the members of Tehran Jews Committee's Board of Directors.

At the beginning of the ceremony in Khorasaniha Community Hall, Mr. Morris Motamed, Iran Jewish Community's Representative in the Islamic Consultative Assembly welcomed the guests and spoke about the status and position of the Jews in the country's political, social and cultural grounds.

Moussa-Ben-Omran Training Complex was the first center that the guests visited. There, the Association's Head of Cultural Committee, Farhad Aframian, gave some explanations about teaching religious courses and Hebrew language to the students and he answered the questions asked by the guests.

The reaction of the guests to the educational conditions of the Iran's Jewish children and youths in the Jewish Schools developed for training a new generation of the country's Jews was very interesting and enjoyable for the accompanying Jewish board, and they were greatly astonished by the quality level of the facilities.

The next place for visiting was "the Jewish old people's home". Gaad Naeim, the head of the Home provided the ambassadors with a report on the history and status and facilities of old people in the center. Then the guests visited the matzah-baking area in another part of the Old People's Home area and they were given supplementary explanations regarding the process of cooking as well as the background and the uses of matzah.

After taking photos in the garden of the Old People's Home, the guests left there and went to Dr. Sepier Hospital.

In the hospital, Dr. Ciamak Moreh Sedgh, the Head of Tehran Jews Committee, explained the history and medical activities carried out in the hospital. He mentioned; "since the hospital is located south of Tehran, most of the patients are from the deprived class of the society and almost %90 of the clientele are Moslem countrymen". Then he talked about the activities of the center carried out during the country's critical times and mentioned the role of the physicians and nurses of the hospital during the imposed war and the Islamic Revolution. The sayings of the hospital manager were greatly welcomed by the ambassadors and after visiting the hospital, they found this issue to be the result of transaction between religions in Iran and integration of the Jewish Community with the body of the majority society.

After lunch, the guests visited the central building of Tehran Jews Committee. Dr. Rahmatollah Rafi, the vice president of the association talked about the history of Jews Association for the audience and they were each granted a series of books published by Jews Association as a commemoration.

Then the music group of the Jews Association, played some Iranian and Hebraic folkloric pieces, through which they could present only a part of the Iranian-Jewish common art and culture. In the next program, the guests visited the central library of the Jews Association, in which they were given a report by the representative of the library board of trustees.

Then, the ambassadors and diplomats took part in the night of sabat praying ceremony in Yousef Abad synagogue and they could closely watch these religious ceremonies. The program was over with the speech of Morris Motamed who thanked the guests and appreciated their presence during the visit.

It should be noted that during the program, the reporters of domestic and foreign mass media reflected news from the ceremony as well as the guests' viewpoints regarding the visited centers.

OFEGH BINA

Cultural, Social and News magazine of
TEHRAN JEWISH COMMITTEE
Vol. 9 . No. 32, Jul 2007

Concessionary:
Tehran Jewish Committee
Managing Director:
Dr. ciamak Moreh Sedgh
Editor-in - chief :
Farhad Aframian

Editorial Board :

Dr. Younes Hamami Lalehzar, Rahman
Delrahim, Tina Rabiezadeh, Shergan
Anvarzadeh, Maryam Hanasabzadeh,
Arash Saketkhoo, Sima Moghtader,
Elham Moadab, Marjan Ebrahimi, Farhad
Rohani, Saman Nejati, Shahab Shahami
Far, Sam Benyamin, Bahador Michaeil,
Ramin Majedi, Rafael Sadighpoor,
Manoochehr Tabari, Ebrahim Saeidian,
Parviz Ney Davood,
Administrative manager: nastaran jaze

Publication Address:

3rd fl., No. 385., Sheikh Hadi St., Tehran,
Postal Code: 11397-33317
Tel: 66702556
Fax: 66716429
Email: bina@iranjewish.com
Internet Site:
www.iranjewish.com

Editorial

For thirty centuries, we, Iranian Jews have been living in this holy land, while being habituated with Iran's culture, spirits and morals; exulted jubilantly by its happiness and triumphs, weeping for catastrophes and passions, and trying to resolve them. During these long years, some groups have pioneered to administer the community internal affairs. This tradition began from Jew's seminary (Yeshiva) and a Head of rabbi (Goliath's Head) and extended to archbishop (Habra, and today part of this function is also the onus on Jews' Society. As Iran's Jews' pivotal community, Tehran Jews Committee has been acting as a coordinator and manager of the society's activities for a half century. During this time, many people have tried to play their own role within their ability, but we should know that they have often been neither faultless and innocent heroes nor devil or antihuman; but, either of them has been responsible for some part of the duty, and moved toward their goal. In addition to their attempts, it is clear that general conditions of our dear country had a vital role in the amount of their success.

However, we all know that the time had been expired when some heroes shouldered the burden of problems only by themselves, when Galileo and Cervantes announced the end of lonely heroes' age, people learned to move together, and that no one could achieve success by oneself and without his/her friends.

Now, stepping into the struggle of social problems, the Jewish Community knows that in order to advance goals of the community, it needs to support the criticisms and suggestions made by the people, particularly by the youths, while seeing itself not to be needless of the past experiences. As such, discontinuity and nonuse of previous experiments are hazardous, and the lack of innovation and new

thoughts emergence and measurements are perilous too. We, as the progeny of our age, should proceed into future path by means of previous experiences.

We should appreciate the Association's activities and presidency of Mr. Haroon Yashayae in past periods and we wish the increasing health and the ability to serve the society for all servers of Iran and the sacred Islamic Republic's System. Names of Tehran Jews Committee 's Board of Director:

- Dr. ciamak Maresedgh (Head of Board of Directors)
- Dr. Rahmat-o-llah Rafi (vice president)
- Eskandar Mikaeel (treasurer)
- Feiz-o-llah Saket khoo (member of Board of Directors, head of estate committee)
- Farhad Aframian (member of Board of Directors, official of cultural committee)
- Farangis Hasidim (member of Board of Directors, official of kindergartens)
- Aghajan Shadi (member of Board of Directors)
- Eshagh cohensedgh (Seal-keeper)
- Farid Yashar (Purchaser, official of youth committee)
- Ramin Masjedi (member of Board of Directors, official of Jews' Central Library)
- Manoochehr Tabari (member of Board of Directors, official of Kosher committee, for Jews' religious nutrition injunctions)
- Nejat-o-llah Kadkhoda (member of Board of Directors)
- inspectors: Manoochehr Omrani, Mosa sani , Mosa Rafua.

Next Generation of Jewish Communities & the Necessity of Internal Criticism

Farhad Aframian

The structural changes and the fast-moving developments occurred (and still occurring throughout the world in all arenas and areas such as technology, science, economy, policy, society and culture,

as well as all-out variations in human relationships, require that we study and review the managing procedures and leading strategies of Jewish communities in Iran and in the world.

The writer believes that the biggest calamity of these communities would be the lack of activism and absence of initiative resulting from lack of internal criticism in these communities which have led them to lose many opportunities and the leaders of the Jewish communities are required to do their best to correct such situation. This paper tries to make an explanatory -but brief- review to discover the roots of the current situation and explore the results thereof.

The instinct for survival, self-preservation and life-preservation are among the most initial needs and the most innate wills in the living creatures, and human being of course, so that since the beginning of history, man has considered and recognized self-defense as one of the most natural and most legal rights of the human being. Diaspora is one of the phenomena, which reminds the Jews of such historical disasters as holocaust, leading them to explore the necessity of self-defense. This phenomenon has been mixed with the Jews' eventful history , and despite the positive and negative aspects, attributed thereto by pros and cons, it has had unimpeachable influences on the Jewish communities, the most important influences of which are co-orientation and monism based on enemy recognition and exhorting the coreligionists from it, and this approach has been so much institutionalized throughout the history that most of the Jews associate many of their disasters to animosity and filthiness, brutality and its other moral inferiorities, and because of being affected by fear from enemy they have not been (or are not aware of (or underestimate any internal calamity and suffering, and this is why self



OFEGH BINA

Cultural, Social and News magazine of
TEHRAN JEWISH COMMITTEE

Vol. 9 . No. 32, Jul 2007

שבועות :

